



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بها ۲۵ ریال

دو شنبه ۱۰ دی ماه ۱۳۵۸

پیکار را بخوانید و در تکثیر و پخش آن بکوشید

- صفحه ۵
- صفحه ۶
- صفحه ۶
- صفحه ۹
- صفحه ۱۴
- صفحه ۱۹
- صفحه ۲۴
- صفحه ۲۴

- حرفهای زحمتکشان از شربات زحمتکشان
- خلق ها و مسئله ملی
- گزارشی از درگیریهای اخیر زاهدان
- اخبار و مسائل جهانی
- اخبار ارتش به اصطلاح ملی
- حزب توده، حزب معاندان است، نه مبارزه
- سواستفاده از انقلاب فلسطین موقوف!
- معاد انگلیسی آیت الله شریعتداری

زیگزاگهای ضد انقلاب و انعکاس يك جانبه آن در صف انقلاب (۲)

زیگزاگهای ضد انقلاب و انعکاس آن در حرکت اتحادیه کمونیستها

صفحه ۱۰

گرامیداشت خاطره هر شهید خلق، پاسداری از خون تمامی شهداست

گزارشی از گردهم آیی روز پنجشنبه ۵۸/۱۰/۶ در دانشگاه پلی تکنیک بمناسبت سالگرد شهادت ۱۵ رفیق قهرمان از بخش منشعب از سازمان حیا هدین خلق ایران

صفحه ۲۰

همدوش با انقلاب فلسطین تا پیروزی کامل

ایران از مبارزه مسلحانه خلق فلسطین علیه امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع باشد. به مناسبت آغاز انقلاب مسلحانه فلسطین لازم دیدیم به معرفی سازمان های فلسطینی بپردازیم: بقیه در صفحه ۹

سه شنبه ۲۹ دهمی ماه برابر است با اول ژانویه ۱۹۸۰، با نزد هفتمین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق فلسطین. سازمان ما بدین مناسبت جشنی برپا خواهد داشت تا سهم خویش را بنگر حمایت و همبستگی بیدریغ خلقهای رزمنده



گرامی باد یکصدمین سالگرد تولد حیدر خان عمواوغلی

به تاریخ ۲۹ آذرماه سال ۱۲۵۸ هجری در شهر ارومیه در خانواده متوسط و روشنفکر "تکثر تاروردی زاده"، فرزند پسر، بدنیا آمد که نام او را "حیدر" گذاشتند. بعدها شرایط زندگی، میهنمان و همسایه شمالی اش روسیه که هر دو آبستن توفانهای عظیم انقلابی بودند، از او یکی از سرگشته ترین فعالین و مبارزان جنبش خدا مهربا لیستی - دموکراتیک و کمونیستی را ساخت. سراسر زندگی کوتاه ولی پرشمار او که بقیه در صفحه ۲

دعوت

روز اول ژانویه (با زدهم دیماه) معادفات با ما نزد هفتمین سالگرد آغاز انقلاب مسلحانه خلق فلسطین، به همین مناسبت از کلیه هموطنان مبارز و نیروهای انقلابی دعوت میکنیم که در مراسم بزرگداشت این روز بزرگ و بخاطر اعلام همبستگی با خلق فلسطین، در مبارزه خدا مهربا لیستی، قدمه بونستی و ضد ارتجاعی، روز پنجشنبه ۵۸/۱۰/۱۳ در دانشگاه صنعتی شریف شرکت نمایند (ساعت ۳ بعد از ظهر)

چرا امیران نظامها در قدرت حاکمه سهم پیدا میکنند؟

انقلاب در سبای بزرگی به مردم داده است خلقهای ما در حرکت عظیم مبارزاتی خویش آموخته اند و میبایست موزند که دشمن را در چهره های گوناگونش با زنا ساند، در پشت شعارهای بظا هر انقلابی و کلمات فریبنده تنها و تنها عمل انقلابی را جستجو کنند و اجازه ندهند تا زشکاران فرصت طلبان سر نوشت و حیاستان را با زبچه هدفهای خاشا نه و سودجویانه شان سازند. مردم ما امروز میدانند که در روشدن افتخارات سردمداران رژیم تنها رسوایی چهره ها نیست. اگر امروز امیران نظام بمعنویان ما مورس و ویزدی بمشابه خدمتگزاران روفاد را مهربا لبم شناخته میشوند و اگر نقش خدا انقلابی نیست آزادی و لیبرالیسمی بقیه در صفحه ۲



- شورای انقلاب با تصویب قانون سود ویژه، ماهیت خود را افشا میکند
- پیروزی کارگران اخراجی و متحد کارخانه دکتر عبیدی
- مبارزه کارگران مبارز فاسترویلر (تهران - جنوب) ادامه دارد
- حرکت انقلابی کارگران بارنویس بنادر

صفحه ۳



- طوفان شمال آرامش ندارد
- روستائیان یورمجله بر علیه زمین دار کمیته جی می رزمند

صفحه ۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه اول
گرمی با دیکمدمین سال ...
مالامال از شور انقلابی . رتادت و وفاداری به
آرمانهای انقلاب بود . با انقلاب عظیمی که
میمن مان را فرا گرفته بود . عین گشته است .
اوبانقلاب زیست و تاریخ زندگانی اوتاریخ
انقلاب است . و از همین روست که تاریخ و
ادبیات انقلابی او را با نام انقلابی اش ، "حیدر
خان عمواوغلی" همان نامی که با ران همزمش
بر او گذاشته بودند ، در سینه خود ثبت کرده است .
امروز "حیدر خان" زاده "تشان درقالی" حیدر
خان عمواوغلی است که می زید و بزرگ مردی را
در دهنش تدا می میکند که تمام زندگی خود را
وقف راهی مردم میمن مان از چنگال استعمار
و استعمار نمود .

طبقه کارگران در طول قریب سه دهه
ساله که از عمر جنبش خدا مهربا لیمتی و دمسو -
کراتیک میمن مان می گذرد ، همواره در پیشانی
آن حرکت کرده است و مبارزان مدیق و پرتیور
بیشماری را تقدیم راههای میمن و خلقهایمان
از چنگال تسلط شوم مهربا لیمت نموده که در
میان آنها حیدر خان عمواوغلی همچون ستاره -
ای فروزان می درخشد . این قهرمانان پاکباز
چنان نقش برجسته و مهمی را در تحولات انقلابی
کشور بازی کرده اند که حتی کوردل ترین افراد
نیوزفا در به انکار نمیتوانند .

جنبش کمونیستی میمن مان که قریب ۲۰
سال سابقه دارد ، میرپرورش و فرایز را با -
بهای بیچ و غمخاری و جنبشهای بخش طوسی
نموده که هنوز رنگاتنا شناخته و پویشیده و مبهم
فراوانی دارد و هنوز بررسی جامع و علمی از
تاریخ مثبت و منفی این تاریخ عظیم بمسمل
نیامده است . حیدر خان عمواوغلی بمثابه
یکی از بانان پرشور و روشن اندیش جنبش ،
جا بگه مبارزاتی را در این گنجینه عظیم اشغال
میکند . او در سراسر زندگی کوتاه خود با شور و
عشق تمام برای آن که در میبیتنگ بسین -
المطلی کارگران بطور گرااد ابراد کرد ،
وفادار ماند و سرانجام نیز در راه تحقق همین
آرمانها جان خود را از دست داد ؛ "رفقا ! مسا
فرزندان و خلقیوم برای احقاق حق خلق مبارزه
می کنیم . سرما به داران دشمن ما هستند . ما
از هر گونه مبارزاتی با این سنگران امتناع می -
ورزیم . اینها خفه کننده جنبشهای بخش و
مکیده خون مردم زحمتکش هستند . در مبارزه
با این سنگران برای ما با مرگ و با پیروزی
است ! راه برگشت و عقب نشینی برای ما موجود
نیست ! ما به پیروزی خود متقاد و مطمئنسان
داریم . ما مطمئن هستیم ."

طبقه کارگران به رهبران پرشور و
ایمان خورده چنین شیفته و راههای او عشق
می ورزیدند ، احترامی گذارد . با دشن گرامی
ساد .

تاریخ زندگی حیدر خان قبل از همه و
مهمتر از همه تاریخ جنبش کمونیستی ایران
است . و ما نیز برای این نکته از زندگی حیدر -
خان مکت میکنیم .

ادامه دارد ...

بقیه از صفحه اول
چرا امیرانتظامها ...

تمام معیاری چون با زرگان در برابر برتوده های
وسیع مردم از برده بیرون میافتد ، حقایق سه
همین جا خاشمه نمیشود . رسوا شی امیرانتظامها
نزدیکها و با زرگان تنها حضور آنها در هیست
حاکمه را در پیشگاه مردم به معاکمه نمیکند ، بلکه
در ضمن ماهیت سیستمی را بزیر سوال میبرد که
چهره های خاشی چون یزیدی و امیرانتظام را در خود
جای میدهد بسپا رسا ده لوحا نه خواهد بود اگر کمان
بریم که رسوا شیهای این معنای را نظرتوده های وسیع
مردم امری تصادفی و اتفاقی تلقی خواهد شد .
آنها از خود میپرستند یا ماهیت این خاشین تا
بحال روشن نبود ؟ مگر نه اینکه همینها با تا شد
و حمایت رهبران مذهبی بروی کار آمدند و مگر
نه اینکه زهان ابتدا مورد افشاکری و وسیع
نیروهای انقلابی و دمکرات واقع شده بودند ؟
چه چیز میتواند وجود این توطئه ها و خیا تنها و
حضورا طنین آنها را در هیست خاکمه توجیه کند ؟
پاسخ ما وضاحت نیروهای انقلابی و دمکرات
اینست : انقلاب در نیمه راه متوقف ماند ، حرکت
عظیم انقلابی توده ها با نداشتا و در برابران و
اساس رژیم سلطنتی را نابود ساخت و به مهربا -
لیمت ضربات جدی وارد کرد و بدین ترتیب
گامی بزرگ در انقلاب بجلو برداشته شد . لیکسن
اساس نهادها و ارگانهای سیستم خلقی
سرما به داری همچنان حفظ گردید ، خیا تنها و
تسلیم طلسی ها و سازشهای نیروهای حاکم جا زه
نداد تا ادامه مبارزات مردم اساس و استگسی
و نظا سرما به داری را ریشه کن کنند و بنجین
شدکه امیرانتظام . ها ، چمران ها ، یزیدی ها و
دیگر صهره های امیربا لیمت " دولت موقت
انقلابی " پست های حساس را اشغال کردند . از
این پس منافع امیربا لیمت میبایست با اتکا
به میاستهای همین عناصر ادمه با بدو تحکیم
شود . اگر بنا بودی رژیم سلطنتی و با نداشتا گنه
بهترینها میان امیربا لیمت بودند و استگسی
شنگا تنگ ایران به مهربا لیمت تجمیع
ساخته بود ، میبایست بخشها و قشرهای دیگری از
بورژوازی و وابسته و نیز بورژوازی لیبرال با
غزیدن به قدرت و با تصرف مقامهای حساس
حافظ و با سادار منافع امیربا لیمت گردند .
تمام محاسبات امیربا لیمت برای حفظ سلطه
خود برپا به نقشی که این اقشار ایفا میکردند و
میکند ؛ ستوار بوده است . معنای وابسته ای نظیر
یزیدی ، امیرانتظام ، چمران و ... و لیبرالهای
چون با زرگان ، سحابی و ... اکنون و طبقه
داشته اند برپوش حمایت از رهبران قدرتمند
مذهبی که از نفوذ توده های برخوردار بودند و در
واقع با حمایت آنها سیاستهای خود را با اجرا
گذارند . در این میان ماهیت سازشکارانه و
تسلیم طلبانه خورده بورژوازی به قدرت رسیده این
مسیرا هموار میساخت . چرا که در برابر ادمه
بیکبری جنبش انقلابی توده ها ، خورده بورژوازی
نیز موقعیت خود را در خطر دیده با بورژوازی در
دفاع از سرمایه اشتراک منافع عمیقی حس
میکرد . بنا بر این او هم در مسیری جز خدا انقلاب

نمیتوانست قرار گیرد . اینجنین است که
می بینیم امیربا لیمت یک مهره ها و نیروهای
متقابل بخود بتحکیم سلطه خویش می بردازد .
لیبرالها همکارا و همدست بورژوازی و وابسته
و خدمتگزارا و متعام منافع امیربا لیمت می -
گردند و خورده بورژوازی در قدرت نشینا زدن مهر
تا شد خود بر تمام این خیا تنها عملا و با
نوسانات و بیچ و غمخاشی در همان مسیر ما هفتد .

● اگر امروز امیرانتظام بمعنوان ما مورسیا و یزیدی به
مثابه خدمتگزارا و امیربا لیمت شناخته می -
شود و اگر نقش ضد انقلابی نهیست آزادی و
لیبرالهای تمام عاری چون با زرگان در برابر
توده های وسیع مردم از برده بیرون می افتد
حقایق بهمین جا ختم نمی شود . .

بر همین اساس وجودنا ندهای ما واکتی با
ما مورسینا و مهره های امیربا لیمت در هیست
حاکمه . هما تنها که همچنان مورد دفاع و توجیه اونی
بهشتی و با زرگان قرار میگردند نه تنها از روی
تصادف و بی اطلاعی آبت الله خمینی با دیگر
رهبران مذهبی شعیر نیستند ، بلکه در سیستم
سرما به داری و وابسته و در چا رجوب ضد خلقی آن
امری اجتنابنا پذیر تلقی میگردد . همیچ
نیروشی نمیتواند حضور این عناصر و وجود توطئه
های تنگین و ضد انقلابی را در هیست حاکمه مانع
شود ، مگر اینکه بخوا هدا اساس سیستم سرما به داری
و وابسته را نابود سازد و بنجین نیروشی نبسزرد
هیست حاکمه وجود نداشتا و ندارد . اینکسی -
بسینم ما هها خیا تنها و رسوا شیهای هیست حاکمه
از طرف آبت الله خمینی و دیگر نامانگسان
خورده بورژوازی تا شد و حمایت شده با تنگسوت
گذاشته میگردند ، خود نشانها رزی است از اینکه
تصادف عمیق همینها هها و گرو هبندبهای هیست
حاکمه با جنبش انقلابی طبقه کارگر ، زحمتکش
و همه نیروهای دمکرات و انقلابی اشتراک منافع
آنها را در برابر برتوده ها حاصل میگردد و تا اینکه
می بسینم به داری ما هها با افشاکری گوشه ای از
توطئه ها و خیا تنها ی جناحهای از هیست حاکمه
برداخته میشود ، در وهله اول با اعتبار مبارزات
بیکبرانه و مبارزاتنا پذیر توده ها و عمق بحران -
های سیاسی - اقتصادی است که بنجین عقب
نشینیهای را تحمیل میکند . منتهی نکته مهم
اینجا است که علیرغم وجه اشتراک اساسی میان
جناحهای هیست حاکمه و وجود اختلافات و تضادهای
آنها که بر اشتراک را زبانشین (از طرف توده ها)
حدت یافته و اینجین بروز میکنند . با گردش
عمومی نظام سرما به داری و وابسته جو در منما پد
وجود این اختلافات از زه نمیدهد سیاست واحد
و منسجمی دنبال شود . از طرف عناصر و رگسروه -
بندبهای مختلف روشهای گوناگون بر سر تنبیت
سیستم و تحکیم موقعیت خود دنبال میشود . گفته ها
و نظرات و شیوه های آبت الله خمینی با
سیاستهای با زرگان و یزیدی بطور کامل و منسجم
نمیدهد و روشهای بنی مداریا هیچک . بهشتی
سی دا در دل بسا س روحا نیت و مذهب سیاستهای

بقیه در صفحه ۱۹

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



جنبش کارگری

"شورای انقلاب" با تصویب قانون سود ویژه، ماهیت خود را افشا میکنند

دهه‌ها از قیام مہرنگو تودہ‌ہای خلق مسلمان گذرد، لیکن خورای انقلاب بدلیل گدازش وقت "هنوز دہی اجرای همان قوانین ضد خلقی رژیم پهلوی می باشد! بازرگان خباثت کار، نخست وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی، از همان آغاز کمبرسر کار آمد، دستور اجزای تانوشما همان قوانین رژیم ضد خلقی پهلوی را صادر کرد. او معتقد بود که گرموادی را که به سلطنت مربوط است، حذف شود، عقبه قوانین پیشرو و مترقی می باشد! به این ترتیب بود که "دولت موقت" بر شما چنانهاست، غارتگریها، و جنگریها و احتشما ری که رژیم مزدور قبلسی نسبت به کارگران و سایر زحمتکاران روا داشته بود، مہر تا شد و در دود رحل نشان داد که غم می خواهد و غم می خواند و هیچگونه تفسیر اساسی در وضعیت فلاکت با زندگی کارگران و زحمتکاران ما ایجاد کند.

خورای انقلاب نیز که مدعی مبارزه ضد امپریالیستی است، در عمل فرصت ندانسته است به تفسیر قوانین رژیم منحوس پهلوی اقدام نماید و به همین علت همان قوانین دور

رژیم سابق را لازم به اجرا می بیند! ہیئت حا کمه فرصت داشته است، حرما به داران وابسته را به "مہین" دعوت کند و بازگرداند، فرصت داشته است قرار دہای جدیدی با کشورها امپریالیستی ببیند، فرصت داشته است ارتش را با اصلاحی تازه خریداری شده از آمریکا صلح کند، فرصت داشته است به کردستان لشکر کشی کند، فرصت داشته است... لیکن فرصت نداشته است حتی یک بند از قانون کار رخد کارگری رژیم قبلی را ملغی کند! قانونی که در خدمت سرما به داری وابسته بود و هست. احتشما به این مبارزه ضد امپریالیستی! بدین ترتیب همه شاہدیم که چگونه در دهه‌ها و نیم گذشته سرما به داران با حمایت ہیئت حا کمه و با اتکا به همان "تقانون کار" آیا جہری کارگران را و حشما نه احتشما ز کرده اند و کارگران حتی به یکی از خواسته‌های اساسی خود در زمینه حقوقی نظیر ۴ ساعت کار زدر هفته، جرایم خفتی با کارمندان (دولتی)،... نرسیده اند، مسئله دستمزدها و سود ویژه نیز یکی از این موارد است.

ادامه گزارش کارخانه استارلاست:
شورای ضد کارگری،

مجری توطئه‌های کارفرما

در پیکار ۳۳ گزارش توطئه‌های کارفرما در مورد اخراج ۲۶ نفر از کارگران آکا ه کارخانه استارلاست و مبارزه آنها را برای بازگشت بسر کار نوشتیم، در زیر بنیابه گزارش را ملاحظه می کنید:

حراج نام ۲۶ نفر از کارگران آکا ه کارخانه استارلاست، پس از ۲۵ روز درگیری و مبارزه برای بازگشت بسرکار، روز شنبه ۵۸/۹/۱۷ طی مورجلسه‌ای که بدست شورای ضد کارگری و کمیته دیونوشته شد، منظور قطعی اخراج شدند.

اگرچه ادعای کارفرما ی کارخانه مینس بر اینست که کارگران داخل خواستار اخراج این عده شده‌اند، توطئه‌ای مینس نیست، ما این واقعیت تلخ را با بدبختی رفت کارگران اخراجی مہر دوران اشتغالشان در کارخانه متناوشناخته بود - خندیا دیگر کارگران جوش بخوردند و خواستهای خود را برای آنها تشریح کنند، اگر غیر از این مسود کارگران داخل اینطور در مہر اخراج آنها



یاد رفیق کارگر علیرضا کرکوندی گرامی باد!

رفیق علیرضا در خانوادہای زحمتکش بسہ دنیا آمد، در بیا نزد ما لگی به علت فقر ناچار شد ترک تحصیل کند و کار رودس را با ہم اداعہ دهد. آشنا شیش با ما و کمیسر مینسیم و ایمان واجیدی که در اشرافین آشنائی به راه شی طیفه این از جنگ سرما به داران و احتشما رگران پیدا کرد، در راه شور و شوق فراوانی موجود آورد. روز جمعه ۳ آذر ما هنگامیکه رفیق علیرضا با چندتن از رفقای بسہ کوهنوردی رفته بود، به علت لنگزدگی از کوه سقوط کرد و متاسفانه در دم جان سپرد. بیونہ عمیق او با تودہ‌ہای زحمتکش مراسم تشییع جنازه اش را به نظا هراتی باشکوه تبدیل کرد. مردم شمار می دادند:

علیرضا زنده است، در قلب زحمتکاران عوام ارتجاع و مدیران کارخانه بسا کمک با ساران سرما به از نیرگزار می مراسم با بد بودش در محل کارخانه‌ای که در آن کار می کرد (کارخانه سیمان بسا ہان) جلوگیری کرده و به این ترتیب با رد دیگر نفر نشان را از کار رگسر آکا ه و احتشما را از تودہ‌ہا به نمایش گذاشتند، آری آنان حتی از بزرگداشت خاطرہ کارگران آکا ہ نیز ہراس دارند.

با دش گرامی و خاطرہ اش جاودانہ باد!

مقابله کارگران حفاری با توطئه‌های کارفرما

اختلاف در صفوف کارگران، کارگران را از اعتراض با زدا زدا ما کارگران با هوشاری حربہ اورا خشتی کردند. مہدوی بشیر ما نه خط ب بسہ شورای کارکنان آنها را مورد تہدید قرار داد و گفت اگر روی خواسته‌های کارگران با فشاری شود آنها را به بندر عباس و سیرجان تبعید خواہد کرد. این تہدید بشیر ما نه موجب خشم کارگران شده بسوی کارگران مہدوی و معاون او و یکی از با ساران و ش از کارکنان مزدور شرکت را مورد حمله قرار داد و در یکی از اتا فها حبس کردند و تہدید کردند تا ۳ ہزار تومان به کلیہ افراد شرکت پرداخت نشود از آزادی گروگانها خودداری خواہند کرد.

مہدوی کہ در برابر صرف و متحد و یکجا رجہ کارکنان شرکت ما جز شدہ بسوی ما پرداخت ۳ ہزار تومان به کلیہ کارکنان شرکت موافقت کرد.

با رد دیگر کارگران آکا ه و قہرمان ثابت کردند کہ در ما به تخاصم و ہمبستگی است کہ میتوانند به حقوق خود دست یابند.

"مستحکم تریا اتحاد و ہمبستگی کارگران"

مجلس از
شمسہ مطلی پیکار (کمیته خوزستان) شمارہ ۵
پس از ما ہما کہ از اخراج کارکنان شرکت - ہای حفاری میگذرد و نزدیک به ۶ ماہ محسوق در بابت نکرده اند، قرار شد کہ شرکت ملی حفاری ایران کہ مہدوی در رأس آن قرار دہد مبلغ ۳ ہزار تومان به کارگران پرداخت نماید.

کارگران شرکت حفاری ریدینگ اندبیتس نیز در تاریخ یکشنبہ ۲۵ آذر در محوطہ شرکت واقع در کارون جمع شدند و منتظر دریافت بسول شدند. هنگامیکه مہدوی به محل شرکت آمد بسہ کارگران گفت کہ کلیہ کسانی کہ بیشتر از ۵ سال سابقہ دارند از دریافت ۳ ہزار تومان محروم هستند. این مسئله موجب اعتراض شدید کلیہ کارکنان شرکت واقع شد. کارگران شروع بہ دادن شمار علیہ مہدوی کردند و شعار "مرگ بر سرما به دار" فغانی شرکت را بر کرد. کارگران میگفتند: با بد اول آنها کہ بیشتر از ۵ سال سابقہ دارند بسول دریافت کنند، بعد ما.

در این هنگام مہدوی میخواست با توسل بہ حربہ ہمبستگی سرما به داران یعنی تفرقه و

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

«نیرو» ویژه را در کارخانه‌ها مستقر میکنند، هرگونه صدای حق طلبانه‌ای را با حبس و شکنجه و کلوله‌های آمریکایی پاسخ میدهد. قوانین آریا مهری را از زانو شویب و اجسرا میکنند، خلقهای تحت ستم از جمله خلق دلپس کور را با تمام امکانات و با استفاده از فانتومیهای آمریکایی و تانکهای انگلیسی و آمریکایی موردبورش قرار میدهند، صبا دان مبارزان نرلی را با خاک و خون میکشد، آزادیهای اجتماعی را یکی پس از دیگری موردحمله قرار میدهد و با لاف‌ها و فریبکاری‌ها و توطئه‌های با صلاح ضد امریکایی تحت ستم از دست رفته را دوباره کسب کند و در پی آن آب رفته را بجوی برگرداند.

امروز طبقه کارگران ایران یک دوره حساس را از سر می‌گذرانند. در شرایط فعلی مسامحه در افشا و طرد توطئه‌های هیئت حاکمه موجب تشبیت حاکمیت سرما به داری و وابسته به امپریالیسم ایران می‌گردد. در شرایط فعلی آنچه مسلم است این است که مبارزه کارگران با امپریالیسم (که پیگیرترین طبقه در مبارزه با امپریالیسم است) جدا از سرما به داری وابسته نیست. هرگونه تفکیک قابل شدن بین این دو می‌تواند از نظر سیاسی یک فاجعه باشد. یعنی هرگاه طبقه کارگر امپریالیسم را جدا از پایگاه آن در ایران که همان سرما به داری وابسته به امپریالیسم است موردحمله قرار دهد، بدلیل اینکه پایگاه آن سالم و دست نخورده باقی مانده است در نتیجه امپریالیسم از دردیگر وارد خواهد شد. و با زبیهین ترتیب هرگاه پایگاه داخلی امپریالیسم یعنی سرما به داری وابسته موردحمله قرار گیرد ولی خود امپریالیسم فرا موش شود با به آن کم‌توجهی شود، بدلیل اینکه ریشه تشبیت شده است. پس مبارزه سطحی و بدون شمرخواست هدیود، بنا بر این طبقه کارگران ایران در کارزار فعلی مبارزه با دشمن مشخصی مواجه است که از همدیگر قابل تفکیک نیستند و آن امپریالیسم و در آن امپریالیسم آمریکا و سرما به داری وابسته به امپریالیسم می‌باشد. طبقه کارگران ایران در مبارزه با این دشمن مشخص، چنانکه خواهد نقش حیاتی خود را بازی کند باید هر روز و هر ساعت انواع توطئه‌های راکه هیئت حاکمه در جهت فریب و تحمیق توده‌ها انجام می‌دهد و از این طریق سعی می‌کند چهره دشمن مشخصی را بپوشاند، افشا نماید و از این طریق ما که ضد امپریالیستی هیئت حاکمه را در برده و چهره واقعی آن را به سایر طبقات و اقشار جامعه نشان دهد.

مثلا کارگران مبارز فاسترویلر باید توجه داشته باشند که اضافه حقوقی که به سوپروایزرها (که اکثرآ کسانی جز حافظ منافع سرما به داری وابسته به امپریالیسم نیستند) پرداخت شده است و مسلماً با تا باید هیئت حاکمه بوده است، درجرا بطه‌ای می‌باشد. هیئت حاکمه سعی دارد با این چنین اضافه حقوقیایی،

تقیه در صفحه ۱۵

بعد از این جریان «یوگا بی» بیشتر ما از یکی از اعضا فداکار رگرتورا میخواست که کلیه مدارک و پرونده‌های کارگران را اخراجی را در اختیارش قرار دهد، تا رده آنها را پیدا کرده و اگر احیاناً اقدامات ضد کارگران را در کارخانه‌ها را شناسایی مانی شود.

روزه شنبه ۵۸/۹/۲۰ شورای کارخانه مجمع عمومی تشکیل میدهد. در این مجمع چند نفر از اعضا شورا که مورد اعتماد کارگران هستند، استعفا میدهند، یکی از این افرادی سخنانش میگوید: «من بهیچوجه دیگر قدرت کار در این شورا را ندارم، اگر با زهم نما بنده بمانم، از این پس به شما خیانت میکنم!»

در این مرحله اگرچه کارفرما موفق شد توطئه‌های خود را در سایه آگاهی کارگران و حمایت شورای فداکارگری کارخانه عملی سازد اما اخراج کارگران و بستن آن استعفاهای نمایندگان مورد احترام کارگران و نیز نا امانی‌های دیگری که بوجود آمده است، زمینه‌ساز برای رشد مبارزات بعدی این کارگران!

سی تفاوت نبودند. اینطور بنظر میرسد که پس عده (۲۶ نفر) اگرچه در داخل کارخانه مبارزه کرده و به بعضی از خواسته‌هایش نیز رسیده اند ولی مبارزه آنها جدا از طبقه کارگران بوده و نتوانسته آنها را با خود همگام کند. عمده ترین حاصل این مبارزه جدا از طبقه کارگران اینست که، کارگران یک کارخانه را از عتاق صورتگذاشت محروم کرد!

روز شنبه ۵۸/۹/۱۷ بنا به درخواست شورا، «یوگا بی» که یکی از مهم ترین کمیته دیپلمات و در فدا لیتهای فداکارگری نقش بسیار فعالی داشته و در (امکان ساواکی بودنش هم هست) به کارخانه آمده و در حضور کارفرما و شوروی استار لایت صورت جلسه ای می نویسد مبنی بر اینکه جای هیچکدام از این ۲۶ نفر در این کارخانه نیست و تمام اعضای شورا زیر آزار امضا میکنند و با این ترتیب ۲۶ کارگر اخراجی زیر نظر سه پاسدار سرما به وصلح به ۳۰ توبیه حساب می‌کنند.

بنقل از ضمیمه مطبوعاتی پیکار (کمیته خوزستان) شماره ۵

مبارزه کارگران مبارز فاسترویلر (تهران جنوب) ادامه دارد

داستان در اجتماع کارگران حاضر شد. وی پس از اینکه سخنانی درباره مزارای آن زد با حمله به کمیونیتها نشان داد که از زمان فسخ کدام طبقه دفاع میکند. او بدین ترتیب میخواست تفرقه و جدائی بین کارگران بسازد که در این امر خود نا کام شد و سرانجام با تهدید اینکه دیگر ۲۵۰۰ تومان که به سوپروایزرها پرداخت شده، پرداخت نشود و آنچه پرداخت شده است با پس گرفته شود، کارگران متفرق شدند همه می دانیم که طبقه کارگر در شرایط حاکمیت سرما به داری، هر ساعت و هر روز در معرض انواع فشارهای سیاسی و اقتصادی قرار دارد. سرما به داری در این عرصه مبارزه با دست داشتن انواع امکانات «هر روز مشخصی میکنند و قبل استشارا کارگران به سرما به خود افزوده و ابزار تولید بیشتری در اختیار خود گرفته و تعداد درجه بیشتری را تحت استعمار قرار دهند.

همه میدانیم که چگونه سرما به داری را به هنگام بحرانهای موسمی سرما به داری (که در ذات نظام سرما به داری نهفته است) با اخراج کارگران فشارها و خسارات بحران را بدون کارگران می‌اندازند.

در شرایطی همچون شرایط فعلی ما که سرما به داری وابسته ایران تحت فشار توده‌های مردم و خیل عظیم کارگران و بحران سیاسی - اقتصادی خود در شرایط بحران میسر میسر و طبقه کارگران دیگر حاضر نیستن بیروابط و روابط گذشته بدهد، تا حدی که هیئت حاکمه هر روز اقدامات و توطئه‌های بیشتر ما را در کار میبیند تا بلکه این بیمانع و ضربه خورده را سلامت بخشد و در پی آن روابط استعماری گذشته را احیا نماید.

روزه شنبه ۵۸/۹/۲۰ کارگران فاسترویلر مطلع شدند که کارفرما با تا شید دولت، دست به توطئه دیگری بر علیه کارگران زده است و مبلغ ۲۵۰۰۰ ریال اضافه حقوق برای سوپروایزرها منظور کرده است (همان کسانی که اکثرآ مجری سیاستهای کارفرما در شرکت میباشند). کارگران که زیر بار رشور و حشمت سزا بسرم میروند و هر روز بیشتر از روز پیش تحت فشار قرار میگیرند، از این اقدام کارفرما بیخشم آند و روز چهارشنبه در محل کارگزینی تجمع کرده و شروع با فشارگری درباره این توطئه می‌کنند.

آنها بحق و بدرستی مطرح کردند که پس سوپروایزرها بیشتر تحت فشار زندگی قرار دارند یا کارگران؟! حقوق و مزایای سوپروایزرها زیاده است یا کارگران؟! چگونه در شرایطی که هیئت حاکمه دم زما نیست از مستضعفین و مبارزها مستکبرین میزند، با این توطئه ها فاصله طبقاتی را هر چه بیشتر عمیقتر میکنند؟! ... کارگران فاسترویلر در اجتماع روز چهارشنبه خود دستا افراد شوروی سازشکار را با بطور ایشکاری و مطرح نکردن این توطئه با کارگران مورد مواخذه قرار دادند و قرار گذاشتند روز شنبه ۵۸/۹/۲۴ مجدداً در محل کارگزینی تجمع کنند.

روز یکشنبه کارگران مجدداً همچون روزهای گذشته در محل کارگزینی تجمع کرده و ضمن اختلا شورا، انتخابات مجددی را ترتیب دادند که بدلیل نا آگاهی توده‌های کارگریه ما هیت عناصر سازشکار شورا، عده‌ای از نمایندگان سازشکار شورا مجدداً به نمایندگی شورا انتخاب شدند.

روزه شنبه فردی بنمایندگی از طرف

حق "بیمه بیکاری" هم حق کارگران بیکار است، هم کارگران شاغل

حرفهای زحمتکشان

از نظریات زحمتکشان



نشریه پیکان که توسط عده‌ای از کارگران ایران ناسیونال منتشر می‌شود در آخرین شماره‌ای که بدست ما رسیده است (شماره ۷) مطلبی دارد مربوط به چگونگی شورای کارخانه که در زیر مطالعه می‌کنید :

شورای فرمایشی ناسیونال منحل باید گردد!

ما بدلائل زیر این شورای قلبی را رد می‌کنیم :

- ۱- اینکه اکثریت افرادشورا کارمندان عالی رتبه و سرپرستها و بلوزآبی‌ها و بلوژطوسی‌ها هستند .
- ۲- اختیارات شورا غیردموکراتیک بوده است یعنی وقت به کارگران ندادند که فکر کنند با اینکه نماینده‌ها بدو ز گذشته خود حرف می‌زنند تا کارگران نخواستند نماینده واقعی خود را انتخاب کنند عوامل کارفرما فقط یک دقیقه فرصت می‌دادند که یک نفر بیاید و صحبت کند . بدین ترتیب آنها عوامل خود را جلو انداخته دست‌آخیز اختیارات را بجنب خودتیا می‌کردند .
- ۳- آقای جمیدحسینی که هم مدیرسندیکا و هم رئیس شورا است جزوعوامل کارفرماست . وی کارمندان کارخانه است و در گذشته معاون حمرقندی جلاد رئیس اختیارات بود که در دوران طاغوت جماعتی در دست کارفرما برای سرکوبی کارگران بوده است . چه جای آنکه او را از کارخانه بیرون کنند رئیس شورا و مدیرسندیکا شده است .
- ۴- اینکه تاکنون که چندما از تشکیل شورای کارخانه ما گذشته است شورا هیچ کاری برای کارکنان انجام ندادند و همه چیز را بجنب کارفرما و سرمایه‌داران شمام کرده است . مثلا هر کارگر و وام‌خوری‌ها وام مسکن میخواهد باید بروندوی صف ، حالا کی نوبت به ما برسد معلوم نیست ، یک سال ، دو سال ، یا بیشتر کسی نمی‌داند . ما خیلی چیزهای دیگر که شورا یعنی اکثریت عوامل کارفرما جلو کارکنان ایستاده است . ما می‌خواهیم این شورای فرمایشی منحل شود و زنا اختیارات آزادانجام بگیرد تا کارکنان نماینده واقعی خود را انتخاب کنند و شورای واقعی تشکیل شود .

بردن قسمت اجناس دوبا ره پس بگیرد . ولی خواهد فهمید که کارگران چون دیواری از آهن مقاومت خواهند کرد . دروزیم شاه و در قاضون طاغوتی وزارت کار ، این سودویزه‌ها زطر تا ۲۰ درصد زکل سودخالص کارخانه‌جات بوده است . آقا با نی همچون منی صدر دروا و ایل خیسام از پشت را دیو در احوست دیوم کارگران جنوب شهر سخرانی می‌کردند و میگفتند که تقسیم سود ویژه با بدینجا ، منجا ، یا خد . ولی اکنون که قدرت را در دست گرفتند ، می‌خواهند این سود را که دستمزدها است با مال کنند . با با بد به حقوق ما افاضه شود یا سودویزه‌ها ما برداخت گردد . ما مبارزه خواهیم کرد متحد و یکپارچه بر علیه قا رتگریهای سرمایه‌داران (۱) .

(۱) - "شورای انقلاب" از ترس مقاومت و عکس‌العمل کارگران فعلا و بطور موقت تصمیم گرفت که در سال جاری سودویزه برداخت شود .

علیه پیکاری عملی‌اندا انقلابی خواهند میشد و حتی برای آن از اجالات زندان را نیز شمیمین کرده اند . طبق صوبیت ماده ۹ قوانین "جرایم خدا انقلاب" توسط شورای انقلاب برای کارکنان آگاه و اعصابی از ۲ تا ۱۰ سال زندان شمیمین میشود .

طبقه حاکمه تحت این عنوان که ما اکنون حشوق حیا رزه با امپریالیسم آمریکا هستیم حیخواهد کارگران را فریب داده بطوری حیا رزه آنها را بر علیه سرمایه‌داران بگیرد . ولی حیا بی گوشیم سرمایه‌دار علیه امپریالیسم بدون حیا رزه با سرمایه‌داری وابسته شمای بوج است و شو- خالی و تا قطع کامل حیطه امپریالیسم بخصوص امپریالیسم آمریکا و ناپاودی سرمایه‌داری وابسته از پای نخواهیم نشست .

شماره اول وحدت کارگری "نشریه کارگران مبارز" منتشر شده است . در این شماره مقالاتی در باره ضرورت انتشار نشریه سودویزه آمده است . ما قسمتی از یک مقاله را در زیر می‌آوریم :

سود ویژه

رژیم حاکم سعی در پشت‌گوش انداختن سودویزه "در پس پرده‌ها" در این عنوان که اکنون که کارخانه‌جات ملی (بخوابید و ولستی) شده است و کارخانه‌جات مال خودتان است (بخوابید مال دولت است) ، دیگر لزومی ندارد سودویزه بگیرد . . . بدین ترتیب یعنی از دستمزدها را که نام سودویزه بر آن گذارده اند با مال کند . نظام حاکم که از افاضه کردن دستمزدها چندان دل‌خوشی ندارد سعی میکند آن چند غارت را که به حقوق مسافزوده است ، از طریق حذف سودویزه و مسافز

شماره ۷ "پیکان" نشریه عده‌ای از کارگران ایران ناسیونال اخیراً منتشر شده است . در این شماره مقالاتی تحت عنوان "قانون اساسی خیرگان زنجیری است برای زحمتکشان" ، "شورای فرمایشی ناسیونال منحل باید گردد" ، "منه‌ا و با شان و عوامل سرمایه‌دار کارگر" ، "شورای انقلاب برای کارگران شاخ و شانشه میکند" . . . آمده است . ما یک مقاله و همچنین قطعه‌ای از این شماره را در زیر می‌آوریم :

شورای انقلاب برای کارگران شاخ و شانه میکشه

برادران کارگر! جیر و جنجالهای بس اصطلاح ضد امپریالیستی هیئت حاکمه داد ما دارد بدون اینکه هیچ قدم عملی در راه ناپاودی حیطه امپریالیسم یعنی سرمایه‌داری غارتگر جهانی برداشته شود . وقتی هم که توده‌های زحمتکش و محروم میهن ما ن امیدشان از دولت قطع میشود ، و خود بخوابند با امپریالیسم و با بگاها ن یعنی سرمایه‌داری وابسته تصفیه حساب انقلابی بکنند ، دولت با کمیته و با مدار ارتش سر میرسد و فریاد "ای خدا انقلاب" ، "ای خراسکار" به آسمان بلند میشود و سرمایه‌داران سرمایه‌داران مفتخور و وابسته "حرام" و "خلاف شرع" اعلام میکنند . سهمین خاطر هم شورای انقلاب در بهام ۸/۲۶ خود هرگونه تظلمات و اعتراضات و تحصن و هرگونه مبارزه را از جانب کارکنان ممنوع (اعلام) میکند . به این ترتیب سرمایه‌داران بر علیه رژیم ماستم کار فرمایان ، مبارزه برای کسب حقوق منافی و



**گرامی باد صدمین سالگرد تولد
فرزند پرولتاریای روسیه
و رهبر کارگران جهان ،
رفیق کبیر ژوزف (یوسف) استالین!**

قانون اساسی "خیرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

خلق‌ها و مسئله ملی



گزارشی از درگیریهای اخیر زاهدان

هما نگونه که پیش‌بینی می‌شد خوانین بلوچ با همدستی "حزب اتحاد المسلمین" از یک طرف و با همه سیاست‌نویسان و ناخداها که عمدتاً همان سپاه‌داران می‌باشند از طرف دیگر، مردم زحمتکش بلوچ و سیاست‌پزیران را به برادرکشی کشانیدند، تا درجه قدرت و ولایت‌شان را در حفظ و نگهداری امنیت در منطقه به اربابان نشان بدهند. نتیجه چنین سیاست‌هاست که با بیش از ۱۴ نفر کشته و ۸۰ - ۷۰ نفر زخمی و بالاخره از همه مهمتر ایجاد نفرت و سوءظن زیاد بین توده‌های سیاست‌پزیر و بلوچ است.

روز چهارشنبه ۵۸/۹/۲۸ در اطلاعیه‌ای که از طرف "مولوی عبدالعزیز" رهبر حزب اتحاد المسلمین" صادر شد از "کلیه برادران سیاست‌پزیر و بلوچستانی و سایر همشهریان دعوت گردید" بود که جهت استماع سخنان "دکتر سزیدی" (دکتر سزیدی نماینده آیت‌الله خمینی بنا به دعوت "مولوی عبدالعزیز" جهت رسیدگی به مسائل منطقه به زاهدان آمده بود) در روز پنجشنبه ۵۸/۹/۲۹ در محل عیدگاه واقع در انتهای شمالی خیابان آزادی شرکت نمایند.

در روز پنجشنبه مردم بلوچ سوار بر اتوموبیل‌های باری و وانت... از ساعت ۶/۵ صبح بطرف عیدگاه رفته و دانش‌آموختگان و دانشجویان بلوچ نیز با راهپیمایی از جلوی دبیرستان رحیم بخش واقع در قسمت جنوبی خیابان آزادی بطرف عیدگاه با شعارهای بلوچستان مٹی ملک است، و تواجی می‌حک ما (بلوچستان سرزمین ماست، خودمختاری حق ما است) قانوں اساسی ناک است (قانون اساسی ناقص است) - پشنگرین پاسدار بدرکب چه مٹی ملک تھی (پاسدار فتنه‌گر، از سرزمین ما بر روی برون) مرگ بر آمریکا، مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع... حرکت نمودند. این گروه در حدود ساعت ۸/۴۵ صبح بداخل محوطه عیدگاه رسیدند قبل از آن تعداد زیادی از گروه‌های مردم بلوچ تجمع کرده بودند و در حال گوش دادن به سخنان "مولوی مدنی" بودند. در قسمت غرب عیدگاه روی تپه در حدود ۲۰-۳۰ نفر مسلح (وابسته به جبهه جدید لائسیست و مت بلوچستان - این جبهه بوسیله خوانین مزدور و ملاهای مرتجع و روشنفکران خود فروخته و بنیان‌گذاران و افراد مسلح آن بصورت مزدور در خدمت این جبهه قرار دارند. این اولین بار است که نام جبهه در منطقه معرفی می‌گردد و بنظر می‌رسد که جبهه مقاومت بخش نظامی حزب اتحاد المسلمین را تشکیل می‌دهد) در درون سنگرهایی که در روی تپه وجود داشت قرار داشتند. در این روز بلاک‌های "جبهه" مقاومت بلوچستان، حزب اتحاد المسلمین، و دانش‌آموختگان و دانشجویان بلوچ به چشم بقیه در صفحه ۸

خانهای درباری به کمک روحانیان مرتجع در مقابل دهقانان راهپیمایی جوانان زابل در دفاع از منافع دهقانان

اینگونه حرکات (معاذره اموال خوانین) بوده است. همچنین گندمهای معاذره شده "حبیب‌الله خان و علیخان سارانی" که در اختیار اداره تعاون و امور روستاها قرار داده شده بود تا بصورت وام در اختیار زارعینی که فاقد بذریه و در جریان خشکالی ۳۰ ساله منطقه "میانکنگی" از زراعت دست‌کشیده بودند توزیع شود، عمل خلاف اعلام توصیف می‌شود. عملیات بعدی که منتهی ال این مذاکرات صورت می‌گیرد حاکی از این است که به پاسن سرپرستان اختیار از دست‌بیشتری داده شده است زیرا آقای "ابراهیم بردلی" که مدت ۱۰ ماه فراری بوده و حکم جلب او نیز صادر شده، آزادانه در ملا عام ظاهر می‌شود. همچنین چند روز پس از این ملاقات یعنی در مورخه ۵۸/۹/۲۲ در ده "فجر" بین عوامل "محمد سارانی" کارمند سازمان آب‌کام ما مورسا و اک منحل و از سرپرستان رژیم شاه‌خان پیاده است و تعدادی از دهقانان که از ظلمت "سخرانی" بوده‌اند به خاطر کشت زمین‌های معاذره شده درگیری صورت می‌گیرد که در نتیجه عوامل "سارانی" اقدام به تیراندازی می‌نمایند و در نتیجه ۲ نفر از دهقانان مجروح می‌شوند که هم‌اکنون در بیمارستان زابل بستری هستند.

بدنبال این حرکت عناصر سرپرده رژیم منفور پهلوی از طرف جوانان مسلمان سیستان در روزشنبه ۵۸/۹/۲۲ دعوت به راهپیمایی می‌شود که شرکت‌دهندگان راهپیمایی از طرف روحانیون از جمله "سید محمد تقی حسینی" تحریم می‌شود ولی عناصر آگاه به تحریم آنها توجه ننموده و علیرغم تحریم آنها راهپیمایی صورت می‌پذیرد و دبیرستانها و مدارس تعطیل می‌شوند. راهپیمایی از مسجد "حسین آباد" شروع و پس از گذشتن از خیابانهای آیت‌الله طالقانی خیابان شهیدباقری و امام خمینی درجهای راه شهر، قطعنامه خوانده می‌شود. شعارهای این تظاهرات به قرار ذیل است:

"زیر بار رستم نمی‌کنیم زندگی، جان فدا می‌کنیم در راه آزادی - مرگ بر خوانین، مزدوران خون‌آشام - چه با لگد چه با مشت، خوانین را با بدگشت - چه با لگد چه با مشت، ابراهیم بردلی را با بدگشت - اعلام پیروز است، دستک‌توری نابود است - خوانین و برانگرا اعدام با بدگردد، سیستان و بیزانسه بقیه در صفحه ۸

بدنبال اعلام معاذره اموال تعدادی از خوانین "سیستان" از طرف دادستان انقلاب (۳) سیستان و بلوچستان تعدادی از خوانین و سرپرستان رژیم منفور پهلوی که از منافع قبل فراری بوده و تحت تعقیب قرار داشتند روانه "ترکز" می‌شوند. این افراد عسارت بودند از: ۱- محمد رضا خان بردلی که بدلیل اینکه در جریبا نهی ۱۹ بهمن ۱۳۳۲ از مخالفین محسوب می‌شده است خود را چهره‌ای مبارز می‌داند. و با استفاده از این موضوع درصدد بهره‌برداری می‌باشد ولی همکاری وی با رژیم پهلوی از سالهای ۲۰ به بعد برهنگان روشن می‌باشد. ۲- ابراهیم خان بردلی - نماینده چند دوره مجلس و همچنین آخرین نماینده در مجلس شاه ۳- محمد حسین خان ناروشی ضابطه شده چند دوره مجلس شاه ۴- غلام حیدر خان ناروشی. این عده "محمدخان بردلی" را به نمایندگی از طرف خود نزد "آیت‌الله خمینی" فرستاده و جریبان معاذره زمین‌های خود را با وی در میان می‌گذارند و آنچه در زیر می‌آید مشخص کننده این می‌باشد که توانسته اند برگ برنده‌ای بدست آورند.

بدنبال این ملاقات با امام در تاریخ ۵۸/۹/۲۰ این عده و همچنین بقیه خوانین سیستان از جمله "حبیب‌الله خان سارانی" و "علیخان سارانی" در منزل "آیت‌الله حاج آقا بزرگ طباطبائی" برابر "صدرالدین طباطبائی" جیره‌خوار "آیت‌الله علم‌دروازیل در حضور نماینده امام "حجت‌الاسلام شاهرودی" ملاقات می‌نمایند که نتیجه ملاقات آنها محکوم نمودن

(۳) - "بسی نجاریان" دادستان انقلاب سیستان و بلوچستان بخاطر یک سری موضع گیری‌های قاطع در باره غلبه ملاح‌خان‌ها و اقدام به تقسیم زمین بین روستائیان مورد تأیید اقلاری از مردم فقیر منطقه می‌باشد. ایشان دو هفته پیش بطول مخالفت‌خان‌ها و درگیری‌هایی که با دولت داشت از سمت خود استعفا داد و علت این استعفا، روشن نبودن مواضع دولت و شورای انقلاب نسبت به خوانین و فئودال‌های منطقه توسط ایشان قید شده بود. (پیکار)

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلق‌هاست

جنبش دهقانی



طوفان شمال آرامش ندارد

● یک روستای خطاب به باحداران: شما اگر خودتان را "حاجی" نامی دارید، پس چرا همسرای زمینداران خونخوار روستا آمده‌اید؟

● دشمن دهقانان، یعنی زمینداران روستای امیرآباد از طرف فرماندار و بیخوداران عهده‌داران شما بنده در شورای کثافت‌روزی مرکز انتفا ب شده بود؟

روستائیان بومرحله بر علیه زمین دار کمیته چی می‌روند

روستای "بومرحله" در ۲ کیلومتری شرق آمل قرار دارد. حدود ۹۰ خانوار در این روستا زندگی میکنند که ۵۰ خانوار آن بی زمین هستند. بیشتر اراضی این روستا، در زمان رژیم سابق بدست سرما بدهاران و تجار شهری افتاد. پس از قیام و سرنگونی نظام مطلقیت، دهقانان با راهب‌مراجع "قانونی" جهت بازپس گرفتن زمینهای بی‌کسب در زمان رژیم شاه و آژانس گرفته شده بود. شکایت کردند ولیکن همسایگان سایر سواران، از این "مراجع قانونی" چیزی عاید دهقانان بی زمین و محروم نشدند. روستائیان زحمتکش ما وقتی که از این درجه ناامید میشویم تصمیم می‌گیریم که از کشت زمین توسط مالکین معارضت کنیم. یکی از این مالکین "شمس رشیدی زاده" از سردمداران کمیته اصل و کسی که پرونده‌های بسیاری در مقامی مفت و... داد می‌بازد که ما ۱۵ هکتار زمینهای این روستا است. شمس رشیدی زاده وقتی اقدام جدید دهقانان را یعنی سرکشی و جلوداری از کشت توسط او را می‌بیند اما لکن می‌باید با استفاده از امکانات خود در کمیته و سپاه باحداران، در روز دوم آذرماه عهده افتراق باحدار و یک تراکتور بدهد می‌آید و مسئول کشت زمین میشود، اما با حقا و امت مردم روستا میشود و در پی آن باحداران شروع به خلبان هواپیما نموده و دوش از دهقانان را دستگیر میکنند و به زندان می‌برند. و با استفاده از وجود باحداران در طرف دوروز زمین را شخم می‌زنند و پس از دوروز دهقانان عمارت را آزاد می‌نمایند. اما این اعمال خائلی بر اراده روستائیان نگذاشته و آنها همچنان به مبارزه خود برای بازگشت زمین را ادامه می‌دهند و در طی همین مبارزه روز به روز مبارزیت و خستگی و فداانقلابی حیثیت‌ها کم‌کم کثیف می‌شود. چنین نقش "باحداران انقلاب اسلامی" کمیته انقلاب اسلامی" بی‌مبهره است.

در عطفی منظم به سراغ زمینهای مزروعی رفته و آنرا به تصرف دسته‌جمعی خود درآوردند. آنها کلیه وسایل کثافت‌روزی سرما بدهاران را از قبیل کمباین، تراکتور... پس از صورت‌سرداری ضبط نمودند.

سرما بدهاران دولت فعلی را با خود می‌بینند و خوب میداند فرمان آیت‌الله خمینی که در آن کثافت‌روزی را از صفا دره زمینهای زمینداران بزرگ منع کرده و ولایعه شورای انقلاب که حتی تا حد اعلا م برای روستائیان حق طلب‌ها زات ضمیمه کرده است به نفع آنهاست، در مقابل این عمل متحدانه زحمتکش روستائیان را نشسته و جهت طلب کمک به کمیته‌های منطقه رجوع کردند. حال که از این بود که آنسان همراه با پنج باحدار مسلح بعد از ظهر ۱۳/۹ یعنی همان روزی که دهقانان مزارع را عهده تصرف درآورده بودند و در روستا شدند.

زحمتکش روستاییان نیز آهنگار که در حال کار رهبری زمینهای بودند، با شنیدن این خبر به غضب آمده دست‌آزاد کردند و شعار گویان به روستا آمده و از کثافت‌روزی سرما بدهاران گذشته و از دست‌سختند.

روستائیان که تصرف زمینها را حق خود می‌دانند و رژیم فعلی را حاکم سرما بدهاران می‌بینند، در صدد برآمدند از حقوق خود در مقابل باحداران و سرما بدهاران دفاع کنند. آنها بدین منظور ابتدا باحداران را به مسجد فراخوانده و شروع به صحبت با آنها نمودند. یکی از باحداران گفت: شما باید از طریق قانون زمین بگیری، شما با این وضع نمی‌توانید کاری نکنید. یکی از دهقانان بی زمین در پاسخ به باحدار و طریق قانونی را که روستائیان در طی ۹ ماه گذشته دنبال نموده‌اند و بی‌فایده‌گی آنرا برای باحدار توضیح داد.

پس روستائیان دیگری شروع به سخن کرده و خطاب به باحداران چنین گفت: شما اگر خودتان را حاکم می‌بینید، پس چرا زمینهای بی‌زمین را عهده‌داران خونخوار روستا آمده‌اید. باحداران بی زمین شما را با نگرانی نگاه می‌کنند.

روستای امیرآباد در ۱۲ کیلومتری آمل قرار داشته و از توابع شهرستان نور می‌باشد. این روستا دارای ۲۳ خانوار است که از این میان ۲۳ خانوار بی زمین و ۸ خانوار کم زمین هستند.

زمینهای زراعی این روستا قبلاً از "اطلاعات ارضی" در اختیار شاه‌خان قرار داشت که پس از اطلاعات تکذیبی مذکور به دست زمینداران بزرگ بنامهای محمود نادی و فرج‌الله خورزاد فروخته شد.

جنگلیها متعلق به این روستا حدود ۳۰۰ هکتار می‌باشد که توسط سرما بدهاران نامحیرده دریا لایحه سرما بدهاران را توصیف دیگر به اسامی سرهنگ درویش، ابدالیه و قنبری، عباس سا لاریان فروخته شد که اینان نیز بی‌نامی بودند جنگل، آن را به زمین زراعی "دیمی" تبدیل نمودند.

پس از این عمل با نگرانی سرما بدهاران صاحب زمین، زمینهای "بی" صورت نفع‌گاری در اختیار خوش‌نشینان روستا قرار دادند و در زمینهای دیمی خود به طریق روزمزدی و غیرمزدی کار زحمتکش روستا را استعما ر نمودند. اعتراض دهقانان در برابر زورگویی و چپاولگری سرما بدهاران در شرایط سخت فغان و ترورهای ۲۰ در منطقه فغان شد. و سرما بدهاران همچنان به بهره‌کشی بی‌رحمانه خود از زحمتکش روستائیان و جلوداری تازه جنبش شده‌ها ادامه دادند.

روستائیان قهرمان "امیرآباد" در اوایل بعد از قیام مسلحانه به زمینداران تصمیم به تصرف زمینهای مزروعی گرفتند و پس از نشستهای با روستائیان اطراف در صدد برآمدند با نگرانی از طریق "قانونی" دنبال نمایند. جهت اینکار نامهای بی‌بافترا نام به نفع وزیر و وزیر کثافت‌روزی فرستادند که حاصل این نامه‌ها ۸-۷ ماه "صبر و انتظار" سپه‌نهاد و خالی از جوا بود. روستائیان که در عمل دیدند دولت فعلی به خواسته‌های عادلانه آنان "جوابی" نداد و با صبر و حوصله کار درست نمی‌شود، در روز سه‌شنبه ۵۸/۹/۱۳ بصورت دسته‌جمعی وجوب و اداس بدست

زمینداران نیست؟

آنگاه بصورت گفتگو به سرما بدهاران رسید آنان با ترس و لرز و جاپلوسی از روستائیان غشگین وارد مسجد شدند. و چون روستائیان اجازت حرف زدن به آنها دادند، یکی از زمینداران شروع به باه‌سراشی نمود و گفت: من یک فرد کثافت‌روزی و طرفدارم ندارم، بخشدا ربه عنوان شما بنده در شورای کثافت‌روزی مرکز (تهران) انتخاب شده‌ام و زنا فاع شما کثافت‌روزی دفاع می‌کنم. من تا بحال خیلی کارها برای شما انجام داده‌ام.

این جلسه که در حقیقت از جلسه محاکمه زمینداران بود، یکی از کثافت‌روزیان با سخنی بقیه در صفحه ۸

زمینداران نیست؟

آنگاه بصورت گفتگو به سرما بدهاران رسید آنان با ترس و لرز و جاپلوسی از روستائیان غشگین وارد مسجد شدند. و چون روستائیان اجازت حرف زدن به آنها دادند، یکی از زمینداران شروع به باه‌سراشی نمود و گفت: من یک فرد کثافت‌روزی و طرفدارم ندارم، بخشدا ربه عنوان شما بنده در شورای کثافت‌روزی مرکز (تهران) انتخاب شده‌ام و زنا فاع شما کثافت‌روزی دفاع می‌کنم. من تا بحال خیلی کارها برای شما انجام داده‌ام.

زمینداران نیست؟

آنگاه بصورت گفتگو به سرما بدهاران رسید آنان با ترس و لرز و جاپلوسی از روستائیان غشگین وارد مسجد شدند. و چون روستائیان اجازت حرف زدن به آنها دادند، یکی از زمینداران شروع به باه‌سراشی نمود و گفت: من یک فرد کثافت‌روزی و طرفدارم ندارم، بخشدا ربه عنوان شما بنده در شورای کثافت‌روزی مرکز (تهران) انتخاب شده‌ام و زنا فاع شما کثافت‌روزی دفاع می‌کنم. من تا بحال خیلی کارها برای شما انجام داده‌ام.

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

بقیه از صفحه ۶
گزارشی از درگیریهای ...
می‌خورد. بعد از پایان سخن "مولوی مدنی"
سردار مرتجع و معروف "عبدالله گمشا دزهی"
شروع به سخنرانی نمود (تا میرده یکگی از
گردانندگان نظرات موافق قانون اساسی
در زمان سخنرا خود فروخته بود. (بعد از سخنرانی
وی یکگی از دانشجویان بلوچ شروع به سخن-
رانی کرد و در طی آن با آوری نمود که
خودمختاری خلقها با بدرقانون اساسی گنجانده
شود. سخن وی بیشتر افشگری از حرکت‌های
بنیادین است. هیئت حاکمه در کردستان ترکمن
صحرانقده و بلوچستان و خرمشهر... بود تمام
سخنان او توسط توده مردم بلوچ با گفتن صحیح
است، مورد تائید قرار میگرفت. پس از اتمام
سخنرانی نما بنده دانشجویان یکی از دانش-
آموزان بلوچ پشت تریبون قرار گرفت و افتا-
گرایی در مورد اسناد اروپا مداران و ...
نمود. در ضمن سخنان او گروهی از افسران و
سیاست‌مداران در زیر پوشش "جامعه سیاست‌مداران"
شماره "پاسدار" با اسناد را خدنگه داشتند. میکشم،
میکشم دشمن خونخوار تو" و شعارها را در تاشید
استاندار... علیه دانشجویان و دانش‌آموزان
واقفتر متفرقی بلوچ موضع گرفتند. در این میان
ناگهان از سمت چپ عیدگا "عده ای ناشناس" بطرف
جمعیت سنگ پرتاب میکنند و دیدن بال آن تیر -
اندازی از هر طرف مردم شروع میشود. بنظر
میرسد که تیراندازان همان افرادی باشند که
قبل در سنگرها روی شبه موضعگیری کرده بودند.
علاوه بر این عده ای از افسران و سیاستمداران
با اسناد را که بطور مسلح در بین مردم میگشتند
اقدام به تیراندازی میکنند. در این موقع که
میتینگ بهم خورد بود، مردم سر اسیمه فرار
میکند، در حین خروج مردم از "عیدگا" "سلطنت
از دحام دونفر کشته و عده ای زخمی میگرددند.
بلوچها و "جمعه مقاومت بلوچستان" در خانه
"مولوی عبدالعزیز" خبا با تیر شریعت‌داری به
پشت با مهارت و سنگرمیگیرند. با اسناد را در
محل استقرارشان در میدان آزادی و مرکز شهر

و جامعه سیاست‌مداران در محل حسینیه سیاست‌مداران
و محله با با تیران سنگرمیگیرند. در این روز در
را به با همین سنگرمیگیرند و حرکتها چندین نفر
کشته و زخمی میشوند که به بیماران رسانها جهت
مداوا اعزام میگرددند.
۵۸/۹/۳۰ (جمعه)
در این روز نیز سنگرها بهمان شکل و بسا
همان فرم روز قبل با قیمت، عنایر مشکوکی در
این روز بطرف مردم عادی تیراندازی و فرار
می نمایند (بوسیله ما شین سمرغ) که در این
تیراندازیهای وحشیانه عده ای بجه و زون... کشته
میشوند مردم از ترس به خبا با تیراندازی
حالت ترس و وحشت بسر میبرند. در اثر تیراندازی
زی حدود ۱۰ - ۱۱ نفر (و شاد بدهم بیشتر) کشته
و حدود ۷۰ نفر زخمی میشوند از ساعت ۳ بعد از
ظهر تا توافقی که توسط مولوی عبدالعزیز و
آیت‌الله کفعمی و یزیدی انجام گرفت آتش بس
اعلام و بسا شکسته سنگرها جمع آوری شود و نیرو -
های انتظامی بجای گروههای مردم انتظامات
شهر را بجهده میگردانند.
از این روز بعد شهر آرام است و ارتش
در قسمت‌های از شهر مستقر شده است. آتش افروز
ان کا خود را کرده اند، سوختن و دیدنی بس
خلق بلوچ و مردم سیاست که به سوگ عزیزان
نشسته اند به حدی غمناک است. در حالیکه
نه خلق بلوچ دشمن مردم سیاست است و نه
مردم سیاست دشمن خلق بلوچ، بلکه بس
روحانیون مرتجع، خلقها و خانهای فدا خلق
و همدستان آنها، "سپاه پاسداران" هستند که
رودر روی خلق بلوچ و مردم سیاست قرار دارند
و برای رسیدن به اهداف فاشانه خود سعی می-
کنند توده‌ها را به جان هم بیندازند.
هم اکنون یزیدی این سرسپرده میرپا -
لبسم آمریکا برای با مطاح "حل مسئله مردم"
با مرتجعینی چون "مولوی عبدالعزیز" و خانها
و آیت‌الله کفعمی (امام جمعه شیمه ها) در
منزل مولوی عبدالعزیز رئیس حزب فدا انقلابی
"اتحاد المسلمین" به گفتگو نشسته است! ■

بقیه از صفحه ۷
ظوفان شمال ...
زمینداران بر سر مدعا را چنین داد: اولاً شما نمی-
توانید نما بنده ما باشد چون که دهقان نیستید
بلکه یک زمیندار بزرگ هستید. ثانیاً ما از شما
نمی‌خواهیم برای ما کاری انجام دهد، چونکه
اگر شما بخوانید که در اینجا مدعیید جز در جهت منافع
زمینداران چیز دیگری نخواهد بود... مالک
دیگری که در بر مدعا می‌پروسی دست‌کمی از
قبلی نداشت، گفت: من حاکم زمینهای
خود را طبق روال سابق یعنی بصورت نصفه -
کاری در اختیار کشاورزان بی زمین و کم زمین
قرار دهم. یکی از روشها این که در اینجا قبل
روی زمین نصفه کاری میکرد، چنین پاسخ داد:
اینکار را هر زمینداری قبول دارد، چرا که غیر
از ما کشاورزان بی زمین، شما کسی دیگری ندارید
که روی زمین شما مفتخورا کار کند و در آخر کار
محصول را تحویل بگیرد. نه خیر آقای سرمایه-
دار، شما برای ما دلسوزی نکنید. ما میخواهیم
بحق مسلم خودمان که چیزی جز تصرف زمینها
نیست، برسیم.
پس از این جلسه حاکم زمینداران و
قدرت‌مندی روستایان در برابر سرمایه‌داران
دهقانان خطاب به پاسداران گفتند که ما به
مقامات مسئول دوا راه روز مهلت می‌دهیم که
به این موضوع رسیدگی کنند. زمین در اختیار
ماست و شما به اسناد حق و زود به آنرا دارند.
در حال حاضر دهقانان با روحیه ای عالی
هر روز دسته جمعی در روی زمینها کار میکنند و
شبه در گروههای ۵ نفری از روستا پاسداری می-
کنند. دادگاهها لوس که در زیر فشار روستایان
قبول کرده تا یک هفته به شکایت روستایان
رسیدگی کند، تا اکنون هیچگونه پاسخی نداد است ■

توضیح و تصحیح:
در بیکار شماره ۳۴ خبری در مورد مسائل رزات
دهقانان "نبارده" (امل) درج شده بود. این خبر
بصورتی که آمده بود نادرست بود و از این باب است
خوانندگان بپوش می‌خواهیم و تصحیح خبر را بشماره
آینده موقوف می‌نمائیم.
در اینجا بار دیگر از کلیه رفقا و هواداران که
خبر برای ما می‌فرستند می‌خواهیم که در فرستادن
خبر نهایت دقت و توجه داشته باشند و از سرخورد
غلط‌آمیز پرهیز نمایند.
بقیه از صفحه ۶
خانهای درباری به کمک ...
آباد با بدگردد - دهقان دهقان بیروز است،
فشودال فشودال نا بود است - سیاست ویرانه
آباد با بدگردد، محمد حسین خان سی‌ایمان
اعدام با بدگردد.
پس از خواندن قطعه‌ها جمعیت به طرف
بیمارستان حرکت می‌کند و پشتپانی خود را از
دهقانان بستری شده در بیمارستان، اعلام
نمودند. بعد از مدتی جمعیت با
همان شعار متفرق می‌شوند. در قسمتی از این
قطعه‌ها آمده است: "ما پشتپانی خود را از
موضع انقلابی داستان انقلاب نسبت به خوانین
اعلام می‌نمائیم و قاطعانه خواستار برپا
دولت مرکزی موضع خویش را نسبت به ما داره و
تقسیم اموال و اراضی خوانین و سرپرستگان
رژیم قبلی بین زارعین بوسیله اقتساد و
سازمانهای دیمطاح اعلام نماید." ■

بقیه از صفحه ۱۷
"شورای انقلاب" تصویب قانون سود ...
تصویب قانون این چنینی سود ویژه از طرف
شورای انقلاب، از یک طرف نشان دهنده فشار
جنبش مردم و جبهه مقاومت بلوچستان و توده‌ها است
و از طرف دیگر نشان دهنده ما بهت فدکا رگری رژیم
حاکم میباشند.
رفقای کارگر:
ابتدائی ترین کار مجت‌الحاق حقوق
خود در این زمینه، داشتن شورا با سندیکای
واقعی خود میباشند. با توجه به اینکه شوراها و
سندیکا های غیر واقعی کارگران، طی ۱۰ ماهه
فعالیتشان بخوبی در نزد کارگران افشاده اند.
با افشگری بیرونی و سود ویژه این موضوع
که این شوراها و سندیکاها نمینخواهند و نمیشوند -
توانند حقوق حقه کارگران را از حلقوم سرمایه-
داران بیرون کنند، اقدام به تجدید انتخابات
و تشکیل شوراها و سندیکا های جدید نماید!
شوراها و سندیکا های کارگران از جمله ما زمان-
های شوه‌ای کارگری است که در مقابل بیور ش
فدا انقلاب میتوانند نقش مهمی را ایفا نمایند



اخبار و مسائل جهانی

همدوش با انقلاب فلسطین تا پیروزی کامل

جنبه از صفحه اول

ما طی شماره‌های گذشته پیکار پیش از دهه مقاله کهر که ادعای آزادی از مات انقلابی و قهرمانان خلق فلسطین را نمکتن می‌کشد انتشار داده‌ایم، نوشته‌های امیرالمیسم و ارتجاع علیه این خلق رزمنده را افشا کرده، در معرفی و حمایت از این خلق که ۱۵ سال است مشغول انقلاب مسلحانه بوده‌ای را در این منطقه فرزان نگاه داشته، عظامی در اختیار خلقهای قهرمانان گذارده‌ایم.

در این شماره بطور بسیار مختصر به معرفی سازمانهای مقاوم فلسطین که در حال حاضر فعالیت دارند؛ از جمله جبهه آزادی‌بخش فلسطین، جنبه ملیک در خدمت فلسطین، کوتا می‌باید تلفی شود، تحلیلی و معرفی بیشتر را به فرصت‌های آینده می‌توانیم.

۱- سازمان آزادیبخش فلسطین

در سال ۱۹۶۴ (۱۳۴۳ شمسی) حران کشور - های عربی در قاره عرب تصویب کردند که سازمان آزادیبخش فلسطین که اداره می‌شود، نمایندگی سیاسی آوارگان فلسطین را عهده دار باشد می‌تواند. در طول دهه‌ها سال جنگ بین دستجات شورویستی و صهیونیستی که اصل انگلیس و آمریکا بر خود را می‌نهند از یک طرف و خلق فلسطین از طرف دیگر صدها هزار نفر از مردم فلسطین از وطن خود رانده شده‌اند. کشور - های حجاب و عربی لبنان، سوریه، اردن و سایر کشورهای دیگر بنا نهاده شده‌اند. بورژوازی عرب که از این نیروی کارزان در استناد حتی احتمال می‌کند دو یا بخشی از بورژوازی فلسطینی که از وطن رانده شده، به امید همکاری و جلب منافع بیشتر، احساس همبستگی می‌نمود، به تدریج از وجود این همه آواره‌ها می‌انگاشت و با لایحه انقلابی احساس خطر کرد و با انگیزه مها کردن فلسطینی‌ها در یک چهارچوب رسمی و در عین حال پاسخ‌ناپذیر به خواست‌شده‌های فلسطینی که حاضر نبودند هویت ملی‌شان با مسائل نوشته‌های امیرالمیسم و صهیونیسم و کمسوت رضایت آمیز ارتجاع عرب گردد، این سازمان را (سازمان آزادیبخش فلسطین) ایجاد کرد. از طرف دیگر وجود چنین سازمانی و نفوذ آن برای عبدالنا مرود دیگر رژیمهای مدعی منطقه با صهیونیسم این موقعیت را ایجاد می‌کرد که بهتر بتوانند بر سر پیش‌حسابت از این سازمان مبارزه خلق فلسطین را در چهارچوبی که خود می‌خواهند بنا کرده‌اند و وسیله‌ای برای اعمال فشار و متنازل گرفتن از امیرالمیسم و صهیونیسم در این سازمان بکنی از سایر سازمانان

فلسطینی بنام احمد قسبر قریز داشت که بسیار متعصبان که اغلب تابع سیاست میداننا هر بود. جل مسئله فلسطین را بطریق مذاکرات و زوالهای سیاسی آنهم در چهارچوب جامعه دول عربی و برای درگیری نظامی احتمالی بلتر استی خود را یعنی جرینگ منظم و قدرت ارتشهای کلاسیک عرب گذاشته بود. این سازمان از سال ۶۴ از سوی دولتها ی عربی خنما می‌نموده بسیار خلق فلسطین بی‌دینا زمان جنگ ژوئن ۶۷ که اغلب تحت نفوذ عمر قرار داشت، جمهوری خلقی این سازمان تحت عنوان ارتش آزادیبخش فلسطین در کشورهای مصر عراق و سوریه با دگانها گسی داشتند و جوانان فلسطینی مشمول خدمت نظام در این مناطق با دگانها و بر اساس آموزشها و بنا است کشورهای حیزمان خدمت می‌کردند. سلسله مراتب ارتش هر یک از این کشورهای در آن بخش از ارتش آزادیبخش فلسطین نیز مشمول بود و در واقع اجنهای تابعی بودند از ارتش حیزبانان این سازمان خبیری چریکی غیر منظمی هم داشت بنام جنبه‌های آزادیبخش که سازمان در چهارچوب سیاست کشورهای عربی محدود به آن فعالیت می‌نمودند (مثلا انجام عملیاتی عملیات ابتدائی علیه اسرائیل) پس از شکست ژوئن و پیروزی جنبه‌های عقاب فلسطین رهبری و ترکیب این سازمان خنمتر گردید و صورت جنبه‌ای در آنجکه کلیه سازمانهای انقلابی فلسطینی با حفظ استقلال سازمان خود، در آن شرکت نمودند. کمیته اجرایی این سازمان از شورایی ملی فلسطین (که می‌تواند با رلمان فلسطین است و قریب ۵۰۰ عضو دارد) انتخاب می‌شوند. در این صورت خنم کلیه سازمانهای فلسطینی بطور رسمی شناخته شده‌اند. خط‌های اساسی سازمان آزادی

دولت سوریه علیه ایران رای داد

منابع مطلع اظهار میدارند که بهنگام طرح مسئله گروگانهای آمریکائی در سوریه امنیت دولت سوریه علیه ایران و بی‌طرفی آمریکا رای داده است.

این موضعگیری بنویسه خود ما جهت متعصبان کسانیشان چمران، طباطبائی، بسزنی، قطب زاده و... را افشا میکند که برای ایجاد بهترین روابط با جمهوری ایران و رژیم حافظ امد حاضر شدند. هم‌اکنون حتی علیه انقلاب فلسطین در جنوب لبنان، خطوه‌ها کشند طباطبائی سوریه را تنها کشور انقلابی منطقه می‌نامند در حالیکه طبق توافق شاه و حافظ امدت همین او را خرمای مورین ساواک پلیس امنیتی - سیاسی سوریه را آموزش میدادند!

امسال تعداد مهاجرین یهودی از شوروی رگورده است

می‌گویند در حال عمده‌ای از اسرائیلی - یهودی که گمهای مالی و وطنی آنها را آمریکا است و یهودی که به اسرائیل مهاجر است، مهاجران یهودی از شوروی که غالباً تحصیل کرده و کارآمدند. صیها شد (مثلاً گلداما، هرچک مهاجر روسی (بود) اعراب عموماً آبدلیل و استیکهای که به شوروی از لحاظ سیاسی و نظامی بداند کمتر سر و دمان در مورد این کمک شوروی به اسرائیل بلند می‌شود. بهر حال امسال (۱۹۶۸) تعداد یهودیان مهاجر از شوروی که غالباً به اسرائیل می‌روند با صورت پشت جنبه آن در کشورهای دیگر عمل می‌کنند، رگورده است. در حال ۷۳ این تعداد ۳۳۵۰ نفر بود. اصلاً امسال به ۵۰۰۰ مهاجر را رسید.

جدیدیت ما اینست که شوروی می‌تواند جنبه حیزان صیها را قابل توجهی جلوی مهاجران یهودیان را بگیرد. اما در چهارچوب قراردادها یهودانی با آمریکا می‌تواند این اجازه را بگیرد. می‌دهد.

بخش را همین شور و هیاهو است شورایی که از سوی خلق فلسطین به رسمیت شناخته شده شمعین می‌شاید در حال حاضر این سازمان جنبه عنوان جنبه‌ای است که بنا به سبب سیاسی و دیپلماتیک خلق فلسطین را ایجاد دارد و از سوی قریب ۱۱۵ کشور به رسمیت شناخته شده است. این موقعیت سیاسی به آنانی خدمت نیاید و حامل وحدت ملی فلسطینی‌ها از یک طرف و مبارزه مسلحانه بوده‌ای وسیع سیاسی و استفاده از امکانات صیها می‌تواند دیگر بوده است. مهم‌ترین سازمان در درون این جنبه، "الفتح" است که به لحاظ اهمیت سیاسی، نظامی، مالی و نوده‌ای ستون فقرات سازمان آزادیبخش فلسطین را تشکیل می‌دهد (قریباً ۷۵ درصد آن رهبر الفتح (با سرعفات) رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش می‌باشد. وی امسال ۱۹۶۸ به این سمت انتخاب شده و تا کنون بارها مجدداً انتخاب گردیده است.

بقیه در صفحه ۱۸



با سرعفات، رئیس کمیته اجرایی سازمان آزادیبخش فلسطین

زیگراگهای ضد انقلاب و انعکاس يك جانبه آن در صنف انقلاب (۲)

حزب طبقه کارگری نمود، ولی در عمل بدنیا ل بورژوازی لیبرال و ستایش از "اقدامات مثبت" او ترگرم بود.

گرایش "چپ" شبه تروتسکیستی

کدهرها هنگی نایک خط سیاسی راستا کونومینستی عمل میکسرد اول بورژوازی لیبرال را که نیروی خدا نقلابی بودا رتجای خوانسده و خه مغوا ستخوان مستقیم و غیر مستقیم و بسته به امیریا لیم می شمرد و بسا ز زبانی ضد خلقی از آن آتزا جزوهیست حا کمه بشما آ ورده و نا جا را ز طرح شعار رتایویدی فیزیکی آن بود. (۱) تا نیا بهمراه خط سیاسی راستا کونومینستی با تکیه بر اختلاف قاجانیش کا رگری از کل جنبش دموکراتیک جنبش کارگری را از جنبش خلق جدا کرده و تحت این عنوان که این جنبش از همزبونی حزب طبقه کارگر محروم است از شرکت فعال در آن سوزا می زد.

همگرایش راست و همگرایش "چپ" جنبش توده ای را بحال غسود گذاشته و عملا از شرکت فعال کموتیستها در آن با بغای و طایفه کمونینستی جلوگیری کرده و از این رو جنبش را تحت آن شرایط از همان مقدار محدود (با توجه به بیگانه محدود آ نهادر میان توده ها) نیز که طبقه کارگرو اید - شولوزی آن می توانست بر آن اثر بگذارد، محرومی کردند.

دوره دوم

دردوران قدرت دوگانه لازم بود که کمونینستها همچنان به افشا و طرد بورژوازی لیبرال خدا نقلابی بردا خسته و با طرح مسئله ارتجای شدن آن بخش از بورژوازی لیبرال که قدرت دولتی را بهمراه سخن غیر بوروکرات کمپرا دورهای سابق بدست آورده بود بسا ست ها و تضایلات ضد خلقی او را در با زلسازی هر چه سریعتر بسبب سرما بهداری و بسته و ما شین دولتی غریبه دیده از انقلاب توده ها همه جا شبه افشا کرده و با حمایت مشروط (بسیار مشروط تر از زوره و ل) از ارگان های قدرت خرده بورژوازی مرفه سنتسی و کمیته ها، مددگاه انقلاب و ... با حمایت از اقدام ها و اوکی ها و فرماندهان هار خلاش ارتش و دیگر مزدوران رژیم سابق و افشای سازشکاری این نسبت به بورژوازی و عملکردهای خدا نقلابی اش در مقابل بهما بهیترت انقلا ب و مرکوب حرکت کا رگران و زمینکشان و طرح شعار ترفیقه کمیته های ایستام مستحیل شدن این ارگان را در ارگان قدرت لیبرال - کمپرا دورها به عقیسه می انداختند. علاوه بر این با افشای بیگیرا نه ما هیت نازشکا رانه و گرایش خدا نقلابی خرده بورژوازی مرفه سنتسی در زندگی روزمره، در نکستن سنتوهم توده ها تلاش کرده و بسا شعارا بجا دشورا های خلقی بعنوان یک شعار عملی در مناطقی همچون کردستان، ترکمن صحرا و ... و اقدام فعالانه در این زمینه و مرا بجا دسا زمانهای توده ای در تمام ایران و دفاع از این نهاد های دموکراتیک، بر شد نظفه های دموکراتیک در بین جامعه کمکی می کردند.

درا نضمره گرایش راست و "چپ" هر دو در نهایت قدرت دوگانه را نمی بستند اگر چه هر دو جنبه ای از آن سخن می گویند.

گرایش راست از یک موضع تحت تاثیر گرایش لیبرالی با دفاع از دولت در مقابل "فودسری کمیته های ایستام، مسئله عملکردهای انقلابی ارگان قدرت خرده بورژوازی مرفه سنتسی را در کنار عملکردهای خدا نقلابی است در کنار ما هیت خدا نقلابی و ارتجای دولت بظ هر لیبرال بازرگان نمی بیند و با دفاع از دولت در برابر ارگانهای خرده بورژوازی مرفه سنتسی عملا زمینه یگان نشدن قدرت دوگانه را بنفع قدرت ضد خلقی تسهیل میکند. (خطابیه رفقای فدائی به آقای بازرگان ۵۸/۱۲/۲۴ در کار شماره ۲)

و این در حالی است که جریان روبرویونیم خروچیفی "حزب توده"

ما در مقاله "زیگراگهای خدا نقلاب و ..." در ضمیمه بیگانه شماره ۳۴ بطور جمالی به بررسی دلایل بوروکراتیست راست و "چپ" در جنبش کمونینستی در دوره اخیر پرداختیم. اینک دنباله مقاله را در این شماره ادامه می دهیم.

نتیجه گیری از گذشته

اکنون لازم است قبل از اینکه به برخورد مشخص و مشروح با انحرافات راست و "چپ" در برخورد به حرکت اخیر "فک" امیریا لیستی "هیتت حا کمه بهردا زیم" و ارتباط این نحوه برخورد را با آن خط مشدی که در تمام طول سه دوره انقلاب کنونی گرایشها و برخوردهای گذشته آنها را به برخوردهای کنونی پیوند میدهد نشان دهیم، مختصراً به جمع بندی برخورد گرایشها راست و "چپ" در هر سه دوره انقلاب بهردا زیم.

دوره اول: لازم بود که کمونینستها بهما افشا و طرد بورژوازی لیبرال پیدا ختم و ما هیت خدا نقلابی آن را بسازی توده ها افشا میکردند. از خرده بورژوازی مرفه سنتسی حمایت مشروط کرده و او را شاه آنجاشی کمونینست به نقلابی و افشاداری نشان میدادند و در حمایت قرار داده و با افشای تائیه گریها و سلازش کارتها پیش در عملیات از در غلطیدن آن بهدما مان بورژوازی لیبرال و انحراف جنبش در حوضان خویش تا شیری گذاشتند. جنبش طبقه کارگر را جدا از جنبش دموکراتیک و خدا امیریا لیستی خلق ندیده و از فقدان حزب طبقه کارگرو همزبونی آن بر جنبش خلق بهر ها کردن و بنفی این جنبش نمی رسیدند بلکه با توسعه هر چه بیشتر فعالیت تبلیغی و ترویجی سوسیالیستی و دموکراتیک، جنبش طبقه کارگری و پرولتاریا را بنفش خویش در انقلاب دموکراتیک و خدا امیریا لیستی آکا میکردند و با تلاش بیگیرا در تشکیلات دهنی طبقه کارگر در حوضان خویش بهما ستقلال سیاسی پرولتاریا در انقلاب با ری می رسانند.

درا این دوره گرایش راست از دو موضع ولی با یک ماهیت مسئله افشا و طرد بورژوازی لیبرال را ندیده گرفت و بدون توجه به لزوم تکیه بر سیاست و شعارهای خاص طبقه کارگرو تلاش عملی در باغی و وظایف کمونینستی به دنباله روی از خرده بورژوازی مرفه سنتسی و حتی سوزوازی لیبرال می رسد و عملا توده ها را به بدنیا ل بورژوازی می کشاند:

۱- گرایش راستی که رفقای فدائی با میسر تمام خلقی و با تمامیل به و تا شیریدری از جریان روبرویونینستی خروچیفی، با تبلیغ شعارهای "تیردسا دیکتا توری" و "ما کمیت خلق" در مقابل شعارهای دموکراتیکم پرولتاریائی "جمهوری دموکراتیک خلق" و لزوم همزبونی طبقه کارگر بر انقلاب دموکراتیک و ایجاد حزب طبقه کارگرو ... به دنباله روی از خرده بورژوازی و سوزوازی لیبرال ترگرم بود.

۲- گرایش راست نیز جنبش فکری اتحادیه کمونینستها که از دکامتسیم روشنفکرات و اگلو سازی از انقلاب چین و با تمایل و تاثیرپذیری از رویزونیسم نوپا (سجها نی) منشا می گرفته، با خت سرما نه داری وابسته ایران را با ساخت نیمه مستعمره نیمه فئودال چین اشتباه گرفته و بسته حمایت مشروط از بورژوازی لیبرال خبانت بیسته دست می زد، و از اینرو تغییر عم آنگه در حرف صحبت از جمهوری دموکراتیک خلق و با شعار ایجاد

توضیح

ما در مقاله "زیگراگهای خدا نقلاب و ..." در ضمیمه بیگانه ۳۴ در بررسی گرایش "چپ" نام رفقای راه کارگر را در کنار اردو ست ا پورتونینست "حزب کمونینست کارگران و دهقانان! ذکر کرده ایم که این سهیچوجه بمعنای همردیف قرار دادن رفقای راه کارگر با این اردو ست ا پورتونینست نیست.

(۱) - دیدگاهی که در پیام اسفندماه ۵۶ (بها به انقلابیون دمکرات و کمونینستها انقلابی ...) بخش منشعب از زمان مجاهدین خلق آشکار بود که در اطلاعیه مهر ۵۷ بخش منشعب س.م.خ. مورد تقدیر گرفت.

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

در این دوره که هیئت حاکمه دست به تاختنیک سرکوب خا شنا نه خلق کرد
زد طی مدت اجرای این تاختنیک از طرف هیئت حاکمه گرایش را است
عمدتاً در برخورد با هیئت حاکمه کمتر خود را نشان میداد و جلوه های آن
بهیشت در برخورد با حزب و جریا نهی سیاسی بورژوا و خرده بورژوا خود
را می نما یا ندوگرایش "چپ" هم از این تاختنیک هیئت حاکمه بهیشت

● شکل و نحوه برخورد "انحاده کمونیستها" صرفنظر از شکل گیری
روشنترتسا میز سیاسی وایدئولوژیک میان ما و آنها، نمی توان از
بروز اختلافات عدیده ای بر سر مسائل مربوط به وحدت جنبش
کمونیستی که در "کنفرانس وحدت" شکل گرفته است، جدا باشد.
همچنانکه از تظاهرات برخی سینه های انجراحی و روشنفکرانه رایج
در خارج کشور، که مبارزه ایدئولوژیک را مستجاب به ازای درجهت
بر آوردن مسائل شاعیالات گروچی و فرقه ای و روشنفکرانه و تبدیل آن
به وسیله ای برای رقابت با دیگر نیروها تلقی میکنند سینهی که
"انحاده" میدان و ایست است جدا نیست.

حاکمیت فاشیسم را بر ایران نتیجه می گرفت. با تداوم بحران انقلابی
جامعه و شکست سیاسی هیئت حاکمه در سرکوب نظامی خلق کرد
عوا قب سیاسی آن خفا نهی درون هیئت حاکمه میز شد بدست با انحصار
تاختنیک جدید و اجرای آن به استکبار جناح خرده بورژوازی مرفه سینهی
گرایش را به خود را بطرز نسبی بر سر جسته ای نمود؛ راست و روبرو سینهی
خا ش حزب شده ای خا شنا نه در مرگ گردانی خدا انقلاب و پیرا کردن مسوم
ایدئولوژیک خویش پیش از بهیشت فرمت را غنیمت شمرند.

گرایش راست در اشکال مختلف هجوم خود را آغاز کرد. با استدلال
حقایق کودتای "خدا خیر به الهیستی" خرده بورژوازی مرفه سینهی علیه جناح
بورژوازی و اجتماعی هیئت حاکمه، با زنگشت اما بهیشت خود و ... حرکت
انضباطی هیئت حاکمه را هدایت می نمود؛ و در نهایت با تداوم حمایت
خرا ویدادند. گرایش راست از آنجا که بهیشت خرده بورژوازی مرفه سینهی
و ایدئولوژی انقلاب شخصی نمی دهد، چنانچه قدرت دوگانه را نمی
سپند و هنوز به برای خرده بورژوازی مرفه سینهی ارگان مستقلی قائل است
که اگر (با قیامت خدا) این ارگان مستقل در کمته های ا ما مدهد
گاه انقلاب و ... متجلی شود، حالادر "مرجمت" شیعه و با حوزه علمیه
نهم تسلط ورده است! سیدین گونه افشا نه "کودتای خدا" مهربا الهیستی خرده
بورژوازی مرفه سینهی علیه بورژوازی لیبرال و راجع به این داخسی
بپرداخته میشود و بهیشت تاختنیک هیئت حاکمه را انعکاس یک جانه خود را در
سنان گرایش راست بصورت دنیا لهر روی آنها از بورژوازی می باید
گرایش "چپ" نیز با سیدین نشانه های خا ش جناحی و مختلف
هیئت حاکمه سنان گنه و وحدت و همگونی کامل دیده و در مقابل تاختنیک اخیر
هیئت حاکمه آنها شوطنه ای از بهیشت ضمیمه شده توسط امیر بهیشت ارزیاسی می کند
و با در شکل دیگر خود که از آغاز زیدنا قیام خرده بورژوازی مرفه سینهی
را بهکتابت و سرگردن هیئت حاکمه می دید با درک شمه ترو سینهی خود
فاشیم رژیسم جمهوری اسلامی ایران را یک حکومت فاشیستی تمام عیار
و سبیل "راست" فاشیستی می خواند و همچنانکه با قائل "او را میبر"
با بهیشت ایران "سخن می گفت حالا او هم از فاشیسم ایران سخن میگوید.

خودها در ما از بی با بورژوازی و سیمت و ایست با مهربا بهیشت شرکت فعال
در سرکوب خا شنا نکا رگرا ن، خلقها و ... نیروی خدا انقلابی شده و بهیشت
خا ش در بهیشت انقلاب دمگرا شیک و خدا مهربا بهیشت توده ها تبدیل
گردیده است.

باعتلا در انقلاب بورژوا - دمگرا شیک فوریه تزاریم، ارتجاع و
بورژوازی لیبرال (کا دتیا) انقلاب بود، در حالیکه در انقلاب اکتبر
بورژوازی ارتجاع و دهقانان میان نه خا و خرده بورژوازی میان
(منشویک ها و اس - ارها) خدا انقلاب بودند، بلشویک ها در این مرحله
منشویکها و اس - ارها ی خدا انقلابی را بسنوا ن آنها بندگان دمگرا سنی
خرده بورژوازی خدا انقلابی افشا و منفرد میگردند. حال آنکه پس از پیروزی
انقلاب اکتبر در سالهای ۲۰ - ۱۹۱۹ پرولتا ربا بسمت دهقانان میان نه خا ل
سنگینی نمود و برای خا شمان سوسیا لیسم به "انحاده" مستحکم "با دهقانان
متوسط دست زد.

این مطلب نشان میدهد که مسئله خدا انقلابی شدن یک نیروی زود
مفهوم ضد خلقی شدن آن نیست، برای روشنتر شدن مسئله به جزود "پیرا مسون
مقاله ای از ارگان یونند" (دما خبر ۱۹۶۶) از نسین و اصول لیسنیم نعلل
استراتژی و تاختنیک از استالین میتوان مراجعه کرد.

از مردم و طبقه کارگری خواهد که گامی در پشت سر دولت لیبرالها و
کمپرا دورها و گامی در پشت سر ارگانهای خرده بورژوازی مرفه سینهی
جمع شده و بقایای ارتجاع محمدرفا شای را در هم کوبند!
روبو سیمت سینهی نیز همان را هی را می رود که روبرو سیمت
خوشچینی می رود. اما علاوه بر آن که خلق را به حمایت از رژیم برای
نابود کردن بقایای ارتجاع محمدرفا شای دعوت میکند در سر لوجه این
تفا با سوسیا ل امیر بهیشت بورژوازی را نیز قرار می دهد.

گرایش راست از موضعی دیگر از کمونیستها می خواهد که در کمته های
اما از داخل نفوذ کنند و بدون در نظر گرفتن خودمانا ت خدید خرده بورژوازی
مرفه سینهی میان انقلاب و خدا انقلاب در این دوره، این ارگانها را بهیشت
ارگان های دمگرا شیم انقلابی گذاشته و سیدین مان کمونیستها را بهیشت
دنیای لهر روی از آنها خرا می خوانند.
گرایش "چپ" از همان ابتدا در تزاریم صورت میگرفته است و
سیدین توجه به متناهی سیاسی خا م و از ریش جدید نیز و های سیاسی خا ش
هیئت حاکمه بهیشت را با تغییر جزئی در قدرت می بیند و با در شکل دیگر
ارزیابی از قدرت آن را ارگان خرده بورژوازی مرفه سینهی که راست
شده است می نامد.

بهاره ای از گرایشها ت شبه ترو سینهی دیگر از طریق ما دلالت دیگر
سیدین نتیجه می رسند. یکی اصول آیت الله خمینی را شنا سینهی خود
خا ش دانند و سیدین طریق سینهی "راست" و از چپ می کنند. و دیگری اگر
چه می پذیرد که و شنا سینهی خرده بورژوازی مرفه سینهی است، ولی مطرح
میکند که و بهیشت رسیدن به قدرت شاعیالنگی این طبقه را از دست داده و
بصورت شنا سینهی بورژوازی کمپرا دور در آمده است!

شکلها ی استدلال مختلف است ولی نتیجه گیری عملی آن یکسان
است: "خرده بورژوازی مرفه سینهی ارتجاعی، ضد خلقی است."
سیدین ترو سینهی گرایش "چپ" خودمانا ت خرده بورژوازی مرفه سینهی
را خدیده و با ارتجاعی از برای کردن و تاختنیک بورژوازی را
بها صحت بهیشتی صحت خدا انقلاب هل می دهد. کارای که گرایش راست
خا دنیا لهر روی از بورژوازی لیبرال و با خرده بورژوازی مرفه سینهی سینه
شیوه دیگری خرا می کنند.

دوره سوم، یعنی پس از تلمیق "شورای انقلاب" در دولت و
میگانه شدن قدرت دوگانه (ارگان قدرت خرده بورژوازی مرفه سینهی و قدرت
دولتی لیبرال - کمپرا دورها) هیئت حاکمه رژیم جمهوری اسلامی ایران
تشکیل می شود که همونی آن با لیبرالهای مطرح شده است اگر چه خرده
بورژوازی مرفه سینهی نیز همرا با بورژوازی کمپرا دور هم بورژوازی
سابق در این هیئت حاکمه شرکت دارند که همگی در سرکوب انقلاب اشتراک
دا رند. خرده بورژوازی مرفه سینهی بطور عمده ترو سینهی است. این
دوره ضد خلقی شده است (۲) سیدین ترو سینهی ترو سینهی
انقلابی خود بدون هیچ شکی تا گزیرا ز سرنگونی هیئت حاکمه ای که بصورت
شاعی بزرگ رشد انقلاب در آمده و برای حفظ طمع سینهی و لیبرالیسم
سیمت مهربا بهیشتی و ایست به مهربا لیسم سینهی رود ز روی آنها ایستاده
است، هستند. امری که در درجه اول به شکست شدن شوها ت بوده هسا و
خوشبازی آن ها بود و عیدها و "الوحت" این رژیم سینهی دارد.

(۲) در اینجا لازم است گفتا و ت میان ارتجاع و با ضد خلقی را با سینهی
انقلاب روشن ما زیم، ارتجاع با ضد خلقی عبارت از آن نیروی طبقاتی ای
است که در مرحله انقلاب (دمگرا شیک یا سوسیا لیستی) بلحاظ موقعیت سینهی
ش در ساخت اقتصادی - اجتماعی حاد فاع مناسبات کهنه بوده و مانع رشد
نیروهای مولده است. حال آنکه خدا انقلاب شامل آن نیروی طبقاتی ای نیز
هست که در زمان اعتلا انقلابی مانع رشد نیروهای انقلاب و تحول انقلابی
است. ارتجاع خدا انقلاب هم هست ولی نیروی خدا انقلابی لزوماً ارتجاع
نیست. ارتجاع سینهی سیاسی - مناسبات کهنه است و سرنگونی آن بهیشت
استراتژیک انقلاب است. حال آنکه نیروی طبقاتی ای که تحت شرا سینهی
منش بلحاظ براتیک و موضعگیری اش در مبارزه طبقاتی برای نابودی
انقلاب از طریق منحرف کردن و سنا ش کشاندن آن تلاش میکند خدا انقلابی
بوده و با سیدین ای شحق هدف استراتژیک مرحله انقلاب تئوریهی ضد
انقلابی آن را خنثی کرده و او را منفرد ساخت.

مثلا خرده بورژوازی مرفه سینهی بطور عمده موقعیت اقتصادی اش در
ساخت سرما بهیشتی و ایست و تزاریم منافع با این ساخت تحت شرا سینهی
منش یعنی در دوره دوم انقلاب کنونی ما بلحاظ براتیک سیاسی و موضعگیری
در مبارزه طبقاتی جامعه (شرکت در هیئت حاکمه، تلاش در سبیل کشاندن

وروبه اعتدالی جامعه‌نده است، یکی از این بهج های حرکت سیاسی جامعه می باشد. این تحولات سبب گشت تا خطوط سیاسی و بدشولوزیک میسان نیروهای سیاسی جامعه و بیوزیه نیروهای کمونیت با برجستگی بیشتر خود را نمودار سازد. "اتحادیه کمونیستی ایران" از مزه آن نیروهای است که از تشریفات ناشی از تغییر و تحولات در روشن تر شدن خطوط فکری و سیاسی شان و بروز تغییراتی در آن. بنفع گرایشات رویزیونیستی، برکنار نهادند است. تجلیات این گرایشات رویزیونیستی را در مواضع اتحادیه که البته بهیچ وجه از پیشینه مواضع سیاسی و اعتقادی این جریان جدا نمی باشد، بروشنی می توان در شعارهای اخیر ارگان "حقیقت" مشاهده و جزه ۱۵ شماره ۴۵ ببیند، مشاهده نمود.

● "حقیقت" ... با درک یکجا نبه و لیبرالی خود مرز بین انقلاب و ضد انقلاب را مقدوش و توده ها را در نیل تا کتیک های ضد انقلاب، خلع سلاح می کند.

البته بیروزیان تغییرات معین تنها در مواضع سیاسی "حقیقت" انعکاس نیافته است، بلکه همچنین مابا بیروزیان گیری روحیات معینی در این "تشریه"، که در شکل و نحوه برخورد با بیروزیان نیز به همین جنبش کمونیستی و بیوزیه سازمان ملا، خود را نشان می دهد، هستیم. این شکل و نحوه برخورد صرفنظر از آنکه ناشی از شکل گیری روشن تر شدن تشریفات تسلیسی و بدشولوزیک میان ما و آنهاست، نمی توان نادیده گرفت. اختلافات عمده ای بر سر مسائل مربوط به وحدت جنبش کمونیستی، که در گذر اخیر و وحدت شکل گرفته است و تبلور آن خود را در شکل نامحیی در نحوه برخورد با "تغذای" این رقیبانی گذاشته است، جدا باشد. همچنین نمی توان از تشریفات ناشی از برخی سنتهای انحرافی روشنفکرانه در خارج کشور، که مینا رزه بدشولوزیک را به مثابه آزاری در جهت برآوردن ساختن تضیلات گروهی و فرقه ای و روشنفکرانه تبدیل آن به وسیله ای برای رقیب و رقابت با دیگر نیروها، و لاجرم تبدیل آن به وسیله ای برای ایجاد تضیق و وحدت در میان نیروها مورد انتقاد قرار می دهد، متاثر نباشد. که البته این دوشی آخری در اینجا مورد بر خورد نمی آید و خواهد بود در آینده و در موقعیت مطلوب و مناسب با آنها نیز برخورد خواهد نمود.

بهر حال، در ابتدا می گویند تا خطوط اصلی موضع گیریهای سیاسی اخیر "حقیقت" را در قبایل تحولات سیاسی جدید که در شمارهای اخیر این "تشریه" منعکس شده است، با استناد به نهاد در کمال انحصار، ببینان کنیم. سپس در مقالات بعدی به تشریح این مواضع و روشهای عمومی تشریفات آن بپردازیم.

"حقیقت" در زمانی که هیئت حاکمه در صدد است خود را از آن بیرون بکشود و یکا به وسیله بیرون آمدن از این انزوا و استیصال را در بهره گیری از موقعیت و نقش سیاسی - مذهبی آیت الله خمینی می داند. سیاست و موضعی را اتخاذ می کند که بدین بهره گیری "باری می رساند. این نتیجه درست در تشریفات یکی که همگامی ظاهری بخشی از هیئت حاکمه و ضد انقلاب با جنبش ضد امپریالیستی توده ها، امواج توهم نسبت به ما هیت و مگنا نسیم این همگامی و همصدائی ظاهری را در میان مردم می پراکند، در تشریفات که توضیح تغییر در تا کتیک این بخش از هیئت حاکمه می آید. به خاطر جلوه گیری از مقدوش شدن موازات و ضد انقلاب، به ضرورتی مبرم تبدیل میشود. و بالاخره در تشریفات یکی که در بدین برده دروغین ضد امپریالیستی از چهره هیئت حاکمه، به وظیفه مهم کمونیستها تبدیل میشود، می نویسد:

"این مهم نیست که عده ای در بالا از این حرکت برای مقاصد خود سود جستارند. آنچه که مهم می باشد آنستکه انتظارات مردم را برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا زهر کنی که امروز در اس حکومت قرار دارد، بالا می برد" (تا کید از ما است، حقیقت شماره ۴۵).

بدین ترتیب "حقیقت" بر یکی از مهمترین وظایف کمونیستها در این شرایط که اتفاقا همان جدا کردن "بالا" از "پائین"، توضیح علل سرور چنین حرکتی در "بالا" و مقاصد آنها فد کوه مدت و دراز مدت آن است، برده می افکند. و با درک یکجا نبه و لیبرالی خود مرز بین انقلاب و ضد انقلاب را مقدوش و توده ها را در مقابل ما نورها و تا کتیک های ضد انقلاب، خلع

سخن آخر اینکه، تداوم بحران انقلابی جامعه، شکست تا کتیک سرکوب هیئت حاکمه در این دوره، انعکاس آن در "بالا" و تشدید تدهای درونی هیئت حاکمه، بهیترت و موفقیت های جنبش توده ای ضرورت تغییر تا کتیک را با اجاب میگرد و در همین رابطه اشغال لانه جاسوسی آمریکا، به ابتکار جناح خرده بورژوازی مرفه نیستی برای بند زدن بر بحران انقلابی جامعه و عوام مغربسی و حفظ وادامین زدن به توهم توده ها انجام شد. حرکتی که از موضع ضد انقلاب انجام شد و بهیچ وجه خطیبت شرقی خواهانهای نداشت. این تغییر تا کتیک از رقیب فدا شوی و رقیب اتحادیه کمونیستها با گرایشات تداوم خود به کودتای خرده بورژوازی ضد امپریالیست بر علیه ارتجاعیون و لیبرالها و با جاد "خط ضد امپریالیستی" انجام "تغییر می - کند. آنها خواهانها را خواهانها به بدین حال رویزیونیستیهای خروچنیسی و بهیچانی روی بند و در کتیک کنند که این اقدام ضد امپریالیستی در وجه تقطی از زمان و تحت چتر ایطی روی داده است. و به این امر توجهی نداشتند که "فروریات" تکامل جنبش و جامعه و تغییر و واقع سیاسی، طبقات حاکمه را بطور عمده و بیوزوازی را بطور خاص ناگزیر از تغییر تا کتیک های خود می کنند. ... تا ساری حفظ مواضع و فرمائش خود شیوه های مختلف مبارزه را اتخاذ کنند: شیوه زور، شیوه در کتیک هرگونه نرم و شیوه لیبرالیسم که در جهت رفرم و امتیاز ... قدم برمیدارد. شیوه های کتیک گاهی با هم تقوی می شوند و گاهی هم متضاد می باشند. در واقع می شوند. از این دو گویا بتر است، گسترش انقلاب و جنبش توده ای را کند و بهیچانی دفاع از گسترش انقلاب به بدین الیه روی از یادها بردن انقلاب کتیکه می شود. بدین گونه است که "حقیقت" گرایشات بهیچانی خود را به متناهی می گذارد. مسئله دیگر را عمده کرده و بدین گونه به تقلید از موازات رویزیونیستیهای سمجانی گرایش عمده را در جهان نهاد انقلاب بلکه جنگ دیده، به جای مبارزه طبقاتی به موازات طبقاتی می افکند.

این تغییر تا کتیک را "جبه" های مابطریق دیگری انعکاس میدهند آنها انقلاب را می بینند جنبش با نیستی ها را می بینند ولی شکاف در بالا را نمی بینند، آنها در کتیک کنند که هر جنبش انقلابی توده ای در پائین، بالائی ها را با یکدیگر می اندازد و آنها را ناگزیر از تغییر شیوه مبارزه علمیه توده ها می کند.

تغییر تا کتیک به هیئت حاکمه در این دوره علیه رفرم تکتیک درونی جنبش انقلابی کمونیستی، سرگشتگی های بسیار از من ز دولتی از بیرون نظرا همیشه تا کتیک میزند. در اینجا موازات بهیچانی از تشریفات بهیچانی راست رویزیونیستی (چما ز نوع سمجانی و چما ز نوع خروچنی) و نیز انحراف "جبه" شمشیر و کتیک، جنبش کمونیستی جوان ما را تهدید می کند. اهمیت مبارزه بدشولوزیک را بهیچانی از هر وقت بشما موجه نشان دهد.

زیگرا کهای ضد انقلاب و انعکاس آن در حرکت اتحادیه کمونیستها

... و هر مسئله ای که تا حدی "تا زکی" داشته باشد و هر تغییراتی در حوادث که کمی غیر منتظره و پیش بینی نشده باشد، ولو فقط سرموشی و برای مدت کاملاً کوتاهی می نشی اصل کل مل را تغییر داده می باشد، تا گزیر و همیشه موجب پیدا یی انواع مختلف رویزیونیسم خواهد گردید.

(لنین - مارکسیسم و رویزیونیسم) پیچیده تر شدن تکامل انقلاب و گذار از مراحل مهمی چون دوره کنونی سبب روشن تر شدن خطوط مختلف سیاسی در جنبش انقلابی و بیوزیه در جنبش کمونیستی میماند گشته است. تند بهیچانی ناشی از شدت و پیچیدگی های جریان مبارزه طبقاتی همواره بهترین نمک برای شناخت جریان است صبح از نا صبح، رویزیونیستی از بیرونی و در مجموع تفکیک انواع گرایشات سیاسی که خود را ز روندهای فکری و بدشولوزیک متفاوت متنا می گرد، می یابد. در این تند بهیچانی های سریع، این روندهای فکری و سیاسی بسیار بیشتر و عربیان تر از مواضعی که جامعه مسیر آزادی را می بیند، خود را میان می سازد. تحولات سیاسی اخیر جامعه، که بر اساس بیوزیونیستی در مسیر حرکت هیئت حاکم و ضد انقلاب پدیدار گشته است و منجر به تغییراتی در تا کتیک و روش سیاسی آنان در بیان شرایط متحول

همه قرارداد های اسارت آور امپریالیستی باید لغو گردد!

اگر چه در واقعیت این چنین قرار داده‌ها بی وجودی و خا رجی ندارند. داخل پراخترا ز حقیقت است) ولی باید تا کید کنیم که این نیرو قاطعانه از حرکت جدا نمیرد. مردم پستی بیای کرده و بر آن دمیده است و در صورت تعمیق و گسترش این مبارزه و تشیقات اما میربا لیسما نیروهای انقلابی همگامی خواهد کرد. - (حقیقت شماره ۲۷)

● حقیقت " درک آلوده به گرایشات روبریونیستی و لیبرالی خود را که ریشه در دنگما تسم فکری و درک الگوما زانه آنها از انقلاب چین دارد، در آنجا که قیاس مع المفاذی میان شرایط جامعه ایران و کشور شیلی و همچنین حکومت ملی آئند و رژیم فیدلخی اسپران می کنند، بیرونی بنمایش می گذارد (و به همین لحاظ) از شوروی انقلاب می خواهد تا! از تجربه شیلی بدرستی بیسی بگیرد!

حقیقت " در تقسیم بندی های خود، "احاطه کمونیستها" را در زهره آن نیروها بی قرار می ده که اتفاقاً! این تقسیم ساسی یک وجه مشترک مهم نیز دارد. رده آنها نسبت به قدرت سیاسی و عینی، دارای شوهنات و انگار لیبرالی هستند! و آب تطهیر بر ما بخت میثی از بهشت حاکمه می ریزند. "حقیقت"، "احاطه" را در کنار نیروهای دموکراتی قرار می دهد که به سبب سیاست لیبرالی خود خواهان ایجاد یک جبهه واحد انقلابی خط امام خمینی هستند. اما گفتا رفیق نشان بی دهد "احاطه" هنوز بطور مشروط و پیرو خط انقلابی امام است تا این خط را "تعمیق" دهد.

حقیقت " درک روبریونیستی خود را! از نتایج شفیبرات اخیر در ترکیب و سیاست هیئت حاکمه چین شوفیح می دهد: "بورژوازی لیبرال و نماینده اش ما زرگان که بسیار از انتصارات عظیمی بنگونه و تکامیت می کنند ولی خود در رقیه مگردن و آنها را قدرت تر استند است؛ ۹. احاطا مخرده بورژوازی را بر علیه طبقه کارگر و نیروهای انقلابی حتراند و جهت اصلی مبارزه را بر خنرفساخت. ولی ما افغانان جبهت مبارزه بیرونی خط صحیح، غربی ایی در بخور در ما یافت داشت" ("حقیقت شماره ۲۴")

عبدین خرتیب حقیقت " بر لاین نظیر است که اولاً جنبش انقلابی خودمها و "مبارزه" آنها تاکنون (در این ۹ ماه) در جهت غیر صحیحی حرکت می کرده است و سمت اشراالی داشته است. اما ما به خود آمدن پستی از خرد بورژوازی (که البته در بهشت حاکمه هم می ایستد) که تا آن زمان اصبرست بورژوازی لیبرال بود و کشاندن جهت حرکت خود هابه بصبر در سمت ضد لیبرالیستی "و شمدین" در این مبارزه، خودمها را از افغانان بیشتر در ورطه مبارزه اشراالی بونا "صحیح" جاری پشاند است!

بوشاخا، در نتیجه همین خودبیا بی خرد بورژوازی، بوقرا بنگرفتن در مسیر صحیح مبارزه، بورژوازی لیبرال از گردونه قدرت بدر آورده و تجربه ای در بخور دریافت "کرده است!" این درک "حقیقت" از نتایج شفیبرات و تحولات کنونی که در لشر این درجه را خوب یک سیستم حکومتی، چندمهر دستخون جا جاشی بی خوشدو برخی از مهم ترین مهرها (خطیر ما زرگان) نیز از روی صحنه (دولت) به پشت صحنه (شورای انقلاب) می خزند، معلومه آن استنباطی که از مواضع خرد بورژوازی ار اراشه میدهد، حیثی بر اینست که جناح خرد بورژوازی که بوسیله جناح غیر دور اندیش (بورژوازی لیبرال - ملی) بگول خورده بود، اکنون به حرکت قبلی خودبیا زمی گردود در مسیر حرکت و مبارزه خودمها قرار می گیرد، جموعاً شمی خوانند تا شبرات خود را در میز خوردن این نیرو به انقلاب ایران، باقی نگذارد.

"انقلاب ایران پس از یک سیرا هه ۹ ماهه که از رکتو سرما زش کاری محافل بورژوازی، جا روحنا ال ارتجاعی دسته های عینی از روحانیون مشروعه می و با داخلات عمال ما کدا رژیم سابق و فرما ندانان ارتش حاصل گشته بود، اکنون می تواند دوباره بد راه و مسیر اصلی تکامل خود را باز یابد" (حقیقت ۲۲)

شما چیزی که حقیقت از تفریح مستقیم آن جنم پوشیده است اینست است که بگوید این پیمایش "مسیر اصلی تیکا مل" "انقلاب"، تحسنت رهبری داها به خرد بورژوازی خودمها مدد در راه آن آیت الله خمینی صورت می گیرد!

بعید در صفحه ۱۹

صلاح می کند و آنها را یکجا با ما ن صدا انقلاب می افکند. صدا انقلابی که فردا، فردای نه چندان دور ما خندد بیروز، بحکم منطق طبقاتی و قوانین اجتناب ناپذیرتکامل مبارزه طبقاتی، بسج و تجدید قوای کنونی را به بسج و نشاطی آشکار بر علیه جنبش انقلابی جامعه، انقلابیون و کمونیست های ایران تبدیل خواهد نمود، آنها را "مبارک" می فلسدند و خواهد کرد و دستور "جها دبا کفار" را برای سرکوبی آنان مجدداً صادر خواهد نمود.

حقیقت " درک آلوده به گرایشات روبریونیستی و لیبرالی خود را که ریشه در دنگما تسم فکری و درک الگوما زانه آنها از انقلاب چین) بسا تمام شناختی که در جریان مبارزه کردن این الگوها در شرایط اسپران در جاز می شوند و بعداً اثر نشان خواهد داد) دارد، در آنجا که قیاس مع المفاذی میان شرایط جامعه ایران و کشور شیلی و همچنین حکومت ملی آئند و رژیم فیدلخی اسپران می کنند بیرونی بنمایش می گذارد. "حقیقت" از "شورای انقلاب" می خواهد تا از تجربه شیلی به درستی درس بگیرد! و ناراحتی فقط این است که چرا "شورای انقلاب" از این تجربه درس "بدرست" و غلط می گیرد، و بدین جهت میگوید شما با بیرونی غیر طبقاتی او را واداره "بندگرفتن" شما به:

"چندی است که دولت و شوروی انقلاب و مسائل تبلیغاتی شان مرتباً تجربه شیلی را بر خ ملت ما می کنند. اما ما متاسفانه در سهای نادرست و رهنمودهای اسرا با آشنا آمیزیم مردم ما از این تجربه تلخ می دهند. " (تاکید از "حقیقت"، عقاله "از تجربه شیلی بدرستی درس بگیریم" حقیقت شماره ۲۷)

لین درک غیر طبقاتی و روبریونیستی در بخور خردمهورژوازی حرفه سنتی و نمایندگان سیاسی - فکری آنها بخصوص آیت الله خمینی، بیخوردوا این چنین نشان میدهد:

شعی اختلاف بین شورای انقلاب و دولت از یکسو و آیت الله خمینی از سوی دیگر در رابطه با مبارزه با امپریالیسم کابلاغیان است (از نظر حقیقت اما بجز آیت الله خمینی، دولت و شورای انقلاب هم با امپریالیسم مبارزه می کنند!) - (تاکید از "حقیقت" شماره ۲۷)

حقیقت " شمی خوانند در کتیکه آیت الله خمینی بمعنای برجسته ترین رهبر روحانی و ایستاده جناح خرد بورژوازی حرفه سنتی، جزئی عوشر از بهشت حاکمه ایران است و ته جدا از آن، در طی دوره چند ماهه حاکمیت ایران، حتم عمل کرده و سیاست فیدلخی دولت ما زرگان و شورای انقلاب، ما خندد لکتیکی میگردانند و بوی کسوب خلق فالور عکود و ... ما خاک میسند و گناه به آیتکزار او بصورت گرفته است و می گیرد. اما "حقیقت" ما جدا کردن این عناصر را این جناح از مجموعه هیئت حاکمه و با جدا کردن تبدیل هیئت حاکمه به دو بخش خوب و بد، آب تطهیر بر همه لکرها و سیاستهای صدا انقلابی لین بخش - بخش خوب "قدرت حاکم" می ریزد.

حقیقت " در ارتباط با دسته بندیهای موجود در جنبش انقلابی و جا یگا خود چنین بی گوید:

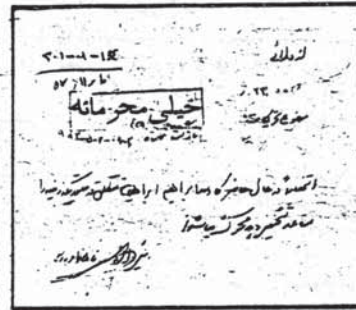
"... نیروهای انقلابی چون سازمان مجاهدین خلق، جنبش مسلحانان مبارز، خودد اشجویان بیرو خط امام و برخی از نیروهای جب مانند احاطه کمونیستهای ایران و ... (آیا این دسته بندی در سیاست که در آن "احاطه" در کنار نیروهای دموکراتی که در سیاست و بخورد خود نسبت به قدرت سیاسی و بویژه خمینی دچار شوهنات لیبرالیستی هستند، قرار می گیرد، اتفاقاً است؟) همه آنها این حرکت را تا شنید کردند، بلکه بداند من زدن این مبارزه در بین خود مردم نیز هست گما شدند این نیروهای انقلابی تنه آنها از خواست بحق استرداد محمد را با جانی حمایت می کردند بلکه جفا طر متعمق و گسترش این مبارزه خواسته های اساسی چون افشا ... را بمانان کشیدند." و نیروهای دیگری که حامل تجربه درونی روحانیت میباشند نیز ما مت و نما پندگی آیت الله خمینی این حرکت خدا میربا لیستی را تا شنید کردند و لیکن خواسته اصلی خود را استرداد شاه خاشن قرار دادند. این گفته ما را می توان از سخنان آیت الله خمینی برداشت نمود که صراحتاً و قاطعانه هرگونه مذاکره و عقد قرار در امور موقوف به استرداد شاه کرده اند و از ظاهر ظاهر شده اند که پس از آن در مورد قرار دادها تصمیم گرفته خواهد شد و آنها بی کسودا بران است" باقی خواهد ماند

ماسک آزاد یخواهی و ضد امپریالیستی لیبرالهای سلطنت طلب دیروز را از چهره آنان برداریم

فرماندهان ضد حتمی در رأس کارها

با بگای دریا شوی بنوهر:
 نامه شماره ۱۶۴-۵۱-۳۰۱ که فتوکپیسی
 آنرا ملاحظه میکنید مربوط به با بگای دریا شوی
 بنوهر (دراشی) می باشد که ۱۲ روز قبیل از
 بقوط رژیم شاه در جواب بخشنامه ضداطلاعات
 با بگای که شماره ۲۳۰ ز (کفدا) اطلاعات با بگای
 دریا شوی بنوهر) منضم میگردد نوشته شده است
 و یکی از کارمندان با بگای را نمیتوان محرک به
 ضداطلاعات معرفی نمود.
 در سال ۵۷، چهار نفر از کارمندان در
 اعتراض به اقدامات ضد انقلابی و استغناء می
 دهند و این امر را پرونده مبارزات کارمندان
 و کارهای با بگای بنوهر علیه آنان به ضد
 اطلاعات ثابت می نماید. رئیس دارا شوی

مذکور (نا خدا سوم بوسی) هنوز در دست خود باقی
 است و به اقدامات ضد انقلابی خود علیه پرسنل
 مترقی و میهن پرستان را ادامه میدهد. منتها
 این مرتبه طبق رهنمودهای چمران و مدنی ا



افشاء نکردن اسامی ساواکیها، بازی گرفتن خون شهداست!

سندی را که در روز ملاحظه میکنید دریا رسیده
 اسامی ۶۰۰ نفره در دهه ۶۰ است که از تهیه ۳۳
 نهاده مسا و اکانتال با افتخارند. این سند
 در مقابل اسنادی که رژیم از ما واک و عواقتل
 "سیلا" در دست دارد همچون نظریه است در مقابل
 دریا ولی رژیمها کجا کتون ریبسی در حالیکه
 بیشتر از دهها ز قبیل شکوهن بنیمن ما می
 گذرد در مقابل خواست بحق خنده های میلیونی
 خلق سیرختی و مقاومت بخرج داده و عملا به
 انبویا لیبیم چنل بنگا آمریکا که پنجمه بر
 علیه آن شعار می دهد، خدمت کرده است. در
 حالیکه فقط در رابطه با واک اسامی ۲۵
 هزار نفر افشاء آنرا (بقول بی صدر) در
 دست دارند. هیئت حاکمه نتنها به خواست خلق
 و امرا روتا کیدنیروهای مترقی و انقلابیون

کمونیست را بر سر افشای اسناد رژیم گذشته و قلمی
 ننهد بلکه غافلانه آنها را "غدا انقلاب" عمل
 بیگانه و "و" نامید. مردم ما هنوز فراموش
 نگردند آنکه در مقابل افشای نیروهای
 انقلابی نسبت به امرا نظام این سرسپرده
 آمریکا چگونه زرگان غافلانه نموده آسان
 ساختند و از اسامی "سیلا" با توصیفاتی چون
 دوستی، تالی و بهترین دوست، حماست
 برخاست.
 امثالینروهای انقلابی و توده های خلق بر
 عکس هیئت حاکمه از هرفرستی برای افشای
 عوامل "سیلا" مزدوران امپریالیسم استفاد
 میکنند. وتهمت ها، بوجبه ها و فعلی ها و
 تشبیهات رژیمها آنها را از ما محرک صبح
 و بختشان باز نخواهد داشت.

مبارزه پرسنل لشکر ۹۲ اهواز با اطاعت کورگورانه

در حالیکه هیئت حاکمه با تبلیغات
 فراوان دم از مبارزه با امپریالیسم آمریکا
 میزند، هر روز در گوشه و کنار میهنمان تا حد
 اقداماتی هتیمکه بنوعی روشن فرسکاری و
 رباکاری هیئت حاکمه را نشان میدهد.
 یکی از آخرین اقدامات ضد خلقی هیئت
 حاکمه در روزهای اخیر، اخراج و دستگیری سرگرد
 "پرویز شمار" و همچنین بازداشتن دیگر
 از پرسنل لشکر ۹۲ زهی اهواز میباشد که جرم
 شان سرپیچی از اطاعت کورگورانه و مبارزه با
 روابط و روابط ارتجاعی ارتش میباشد.
 امرا و روسای سرسپرده ارتش که متحلمان
 مزدوری خود را در ارتش ها هشتای بخوبی پس
 داده اند، امروز مددند تا هرگونه حرکت متر
 قبا نه را در درون ارتش سرکوب نمایند. ولی در
 مقابل این مزدوران، پرسنل مبارز ارتش
 قرار دارند که دیگر حاضر نیستند کورگورانه تن
 به روابط ارتش ها هشتای بدهند.
 پرسنل مبارز لشکر ۹۲ زهی اهواز طی
 اطلاعیه ای اقدامات ضد انقلابی امرا ارتش را افشاء کرده و
 اعلام نموده اند که به همراه خانواده خود در حال تحصن
 هستند و از همه مردم و نیروهای مبارز خواهش
 پشتیبانی از مبارزات برحق خود شده اند.

بقیه از صفحه ۲۱
 گرامیداشت خا طره...

از پای نشینیم و درفش خونینی را که اسپن
 زقهای شهید و دیگر شهدای بخون خفته خلق
 برافراشته اند، تا رسیدن به پیروزی کامل
 همچنان در اهتزاز نگه داریم.
 (۱۱ پیام گروه بنیاد برای رها نشی طیفه کارگر:
 در قسمتی از پیام آمده است:
 "در دوران سیاه دیکتاتوری - فاشیستی
 رژیم سرما به داری وابسته و در سالهای که همه
 مملکت اندیشان و معاضد کاران مذهبی، همه
 نیروهای لیبیرال و تسلیم طلب، با به حریم
 امن سکوت و سازش خیزیده و با دربی انباشت
 توشه ای از پس مانده های جوان بخنای امپریا -
 لیستی به تجارت و باج دگر را خاندن و گرفتن جواز
 کسبه های دانشگاهی روی آورده و با لایحه -
 ای همکار از مسئولیتها خطیرا انقلابی،
 گسیدن براندیشه و بدشلولوژی پرولتاریا و
 جنبیت فروشی از قبیل آن را وجه همت خود قرار
 داده و در روبا های سیاسی خود در کافه های رما -
 نشیک و جنجال زده روبا دوری زند.
 آری در این دوره فرزندان آزاده و پرشور
 خلق ما آنانکه اگر دانش والای سیاسی ندا شده
 اگر به اندیشه علمی پرولتاریا تصور که با سد
 صلح نبودند، اگر بیکی از سموات فرهنگی
 و بدشلولوژیکی جا همه طبقاتی منزه نبودند،
 اما عشق به خلق را در شربان اندیشه و ذهن بنا
 تمامت دارا بودند، از پای نشینستند و در
 سیزی نابرا برپا استند و تسلط و با تسلط
 امپریالیستی به مقاومت ایستادند."
 (۱۲ در این مراسمها میهای دیگری نیز خوانده
 شد. از جمله:
 پیام عده ای از کارگران و زحمتکشان
 ساکن دروازه غار، پیام گروهی از کارگران
 بیکار و...)

سرسری

در صورت تصویب در کمیته امضا فرمائید.
 ماده ۲ دستور ۱۱۶۱ تب ۲۲ تب ۲۲
 تعداد ۶ نفر اسرو ۱۰ نفر درجه دران شریفه برین از تاریخ ۲۵/۳/۶۰ تا اختتام این مراسم در ۲۲/۳/۶۰
 شماره هتل برگردن ۲

ردیف	نام و نام خانوادگی	رتبه	نام و نام خانوادگی	رتبه	
۱	حسن لنگری	سرتیپ	۲۱	گرمهانی	سرتیپ
۲	محمدتقارزاد	سرتیپ	۲۲	محمدتقی	سرتیپ
۳	محمدتقی	سرتیپ	۲۳	محمدتقی	سرتیپ
۴	محمدتقی	سرتیپ	۲۴	محمدتقی	سرتیپ
۵	محمدتقی	سرتیپ	۲۵	محمدتقی	سرتیپ
۶	محمدتقی	سرتیپ	۲۶	محمدتقی	سرتیپ
۷	محمدتقی	سرتیپ	۲۷	محمدتقی	سرتیپ
۸	محمدتقی	سرتیپ	۲۸	محمدتقی	سرتیپ
۹	محمدتقی	سرتیپ	۲۹	محمدتقی	سرتیپ
۱۰	محمدتقی	سرتیپ	۳۰	محمدتقی	سرتیپ
۱۱	محمدتقی	سرتیپ	۳۱	محمدتقی	سرتیپ
۱۲	محمدتقی	سرتیپ	۳۲	محمدتقی	سرتیپ
۱۳	محمدتقی	سرتیپ	۳۳	محمدتقی	سرتیپ
۱۴	محمدتقی	سرتیپ	۳۴	محمدتقی	سرتیپ
۱۵	محمدتقی	سرتیپ	۳۵	محمدتقی	سرتیپ
۱۶	محمدتقی	سرتیپ	۳۶	محمدتقی	سرتیپ
۱۷	محمدتقی	سرتیپ	۳۷	محمدتقی	سرتیپ
۱۸	محمدتقی	سرتیپ	۳۸	محمدتقی	سرتیپ
۱۹	محمدتقی	سرتیپ	۳۹	محمدتقی	سرتیپ
۲۰	محمدتقی	سرتیپ	۴۰	محمدتقی	سرتیپ
۲۱	محمدتقی	سرتیپ	۴۱	محمدتقی	سرتیپ
۲۲	محمدتقی	سرتیپ	۴۲	محمدتقی	سرتیپ
۲۳	محمدتقی	سرتیپ	۴۳	محمدتقی	سرتیپ
۲۴	محمدتقی	سرتیپ	۴۴	محمدتقی	سرتیپ
۲۵	محمدتقی	سرتیپ	۴۵	محمدتقی	سرتیپ
۲۶	محمدتقی	سرتیپ	۴۶	محمدتقی	سرتیپ
۲۷	محمدتقی	سرتیپ	۴۷	محمدتقی	سرتیپ
۲۸	محمدتقی	سرتیپ	۴۸	محمدتقی	سرتیپ
۲۹	محمدتقی	سرتیپ	۴۹	محمدتقی	سرتیپ
۳۰	محمدتقی	سرتیپ	۵۰	محمدتقی	سرتیپ
۳۱	محمدتقی	سرتیپ	۵۱	محمدتقی	سرتیپ
۳۲	محمدتقی	سرتیپ	۵۲	محمدتقی	سرتیپ
۳۳	محمدتقی	سرتیپ	۵۳	محمدتقی	سرتیپ
۳۴	محمدتقی	سرتیپ	۵۴	محمدتقی	سرتیپ
۳۵	محمدتقی	سرتیپ	۵۵	محمدتقی	سرتیپ
۳۶	محمدتقی	سرتیپ	۵۶	محمدتقی	سرتیپ
۳۷	محمدتقی	سرتیپ	۵۷	محمدتقی	سرتیپ
۳۸	محمدتقی	سرتیپ	۵۸	محمدتقی	سرتیپ
۳۹	محمدتقی	سرتیپ	۵۹	محمدتقی	سرتیپ
۴۰	محمدتقی	سرتیپ	۶۰	محمدتقی	سرتیپ

مدرک نامه شماره ۱۰۰۰۲۱/۰۳/۶۰
 رتبه سرتیپ اول
 در صورت تصویب در کمیته امضا فرمائید.
 ماده ۲ دستور ۱۱۶۱ تب ۲۲ تب ۲۲
 تعداد ۶ نفر اسرو ۱۰ نفر درجه دران شریفه برین از تاریخ ۲۵/۳/۶۰ تا اختتام این مراسم در ۲۲/۳/۶۰
 شماره هتل برگردن ۲

بقیه از صفحه ۲

مبارزه کارگران مبارزان ستروبلر...
روابط و روابط گذشته را احیا کرده و بسط
استثمار رژیم وابسته به امپریالیسم شاه
جلاد را از بین ببرد و همانطور که می‌گویند
از عمل هر کسی با بدعهدی چندمرده علاج است
نه از حرف وی، بنابراین ما این مسئله مصداق
دارد. سخن گفتن از مبارزه با امپریالیسم در

ظواهر و کوشش در بیان در جهت تثبیت حاکمیت
حرام به داری وابسته به امپریالیسم بیبا نگر
ما هیت هیئت حاکمه است و نشان می‌دهد که در
مبارزه با امپریالیسم چندمرده علاج است.
نا بودیا در مبارزه داری وابسته به امپریالیسم!
هر چه مستحکم تر باشد اتحاد و
همبستگی طبقه کارگران!

توضیح:
ما قصد داشتیم در ادامه مقالات قانون
آسای و موقع گیری نیروهای سیاسی به
موضع گیری نیروهای دموکرات مذهبی و
مرخی نیروهای چپ نیز برخورد کنیم ولی
بدلیل اهمیت مسائل دیگر برخورد به
موقع گیری این نیروها را به فرصت
دیگری موکول می‌کنیم.

خرم شهر - حرکت انقلابی و پیرومندان کارگران پارتیسی

کارگران شرکت با روحی جان دراز منتهای
قبل خواسته‌های داختمند که با راه باقیات
شرکت، فرماندار و روشی اداره کار در زمین
گذاشته بودند ولی آنها هر با رینحوی جواب رد
داده بودند حتی یکبار روشی اداره کار خرمشهر
بهشترمانه اظهار داشته بود اگر شما خواهشید
بخواسته‌ها پتان دست با بیدمن سراغ می‌ی
مالد.
در چنین وضعیتی شرکت از پرداخت حقوق
نیمه دوم آبان تا اواخر آذر ماه مقرر می‌شود و
این موجب خشم و عصبانیت کارکنان این شرکت
می‌شود. روزیکشنبه ۵۸/۹/۱۸ شورای کارگران
برای آخرین بار به دفتر مدیریت مراجعه و
خواستار رسیدگی به خواسته‌ها از جمله پرداخت
حقوق عقب افتاده کارکنان می‌شود ولی
هیچان مانند گذشته جوابی در می‌نمایند کار
گران همبراجا بی‌شمار شده و دست به یک اعتصاب
متحدانه و انقلابی می‌زنند. آنها مدیریت عامل
(شیراخی) را همبراجا و دیگران را مسئولین
بنام تخلفات و "معیل" به کارگران گرفته آنها
را تحویل داد و رسیدگی‌های خیلی زود متوجه
می‌شوند که مقامات قضاوی کسی جز جاحیان همین
زادگاران نیستند. از این رو تصمیم می‌گیرند
جدیداً کارکنان را تحویل گرفته و در صورتیکه
دادگاه هم مخالفتی کرد و از تحویل کارکنان
سرما زده خود و راهم جگرگان نگیرند ولی
دادگاه و خراج چنین کاری را نداشته و
کارکنان را تحویل میدهد. آنها سپس بیش از ۲۰
نفر کارمند را نیز به این عده اضافه
کرده همه را در ساختمان شرکت نگه می‌دارند.
از این زمان به بعد تلاش فرماندار و مقامات
برای فریب، تهدید و... شدت می‌گیرد و ولی
وحدت و یکپارگی کارگران از یکطرف و پشتیبانی
و پشتیبانی آن که از جانب دیگر کارگران و

زحمتکاران بخشهای مختلف بندر (سندیکای
کارگران ایران) در زمینهای کارگری
خطوط کشتیرانی (سنگو) و... صورت اعلام
همبستگی با آنها شد. از طرف دیگر موجب گردید
کارگران با روحی موفق شوند در تاریخ ۱۸/۹/۵۸
بخش اول خواستهایشان را بگیرند.
مجموعی از خواسته‌های کارگران که در وقت
کوتاه مدت و در امدت طرح شده عبارتند از:
الف - خواسته‌های کوتاه مدت
۱ - پرداخت حقوق عقب افتاده
۲ - همسطح کردن حقوق کارگران این
شرکت با سایر شرکتهاى مشابه و...
ب - خواسته‌های بلندمدت
۱ - رسیدگی به وضع اموال شرکت
۲ - پرداخت کلیه بدهی‌های کارگران که
قبلاً در شرکتهاى کشتیرانی بوده‌اند.
...
روزیکشنبه ۱۸/۹/۵۸ اعلامیه پشتیبانی
"سندیکای کارگران ایران" در زمینهای "رایس"
مجموعی از خواسته‌های آنان می‌آوریم:
"ما ضمن محکوم کردن سیاستهای ضد کارگری
شرکت ایران در زمینهای ضمن اعلام خواسته‌های
خود عمل انقلابی شما را که کارگری متحدی
از شما به داری از این جهت تحسین می‌کنیم
تقدیر از این پشتیبانی کرده و تا آخرین لحظه در
کنار شما می‌ایستیم."
۱ - محاکمه، تعقیب و پورسیته‌های جاحیان
۲ - اعمال حد کارگزاران
۳ - پرداخت مبالغه‌آمیز و متعصبانه وزارت
کار و از اول فروردین ماه ۵۸
۳ - بازگشت کلیه کارگران اخراجی به کار
حرک بر سر ما به داری از اول فروردین
مستحکم باید صفوف کارگران

اما این خواست اکثریت کارخانه را خنک کردند.
اما روزیکشنبه وقتی کارگران بوزارت مراجعه و
صافان، مراجع کردند، با بی‌تفاوتی مسئولین
وزارتخانه، زیر و رو کردند. آنها که جزا میدادند
رسیدگی فوری دادند. آنها که بی‌تفاوتی
مسئله "شما مسئله" کارگران را فراموش کردید.
وزارت کار مربوط می‌شود. به آنها مراجع کنید.
کارگران خشمگین و آگاه تر از روز قبل نسبت
به توطئه‌های عوامل ارتجاع و جاحیان سرمایه
داری، به وزارت کار مراجعه کردند. ولی آنها
خیز آنها را اطلاع‌رسانی کردند و از کار فرما دفاع
کردند. کارگران خود را برای خصی دیگری
آماده می‌کردند که به دنبال شکایت عبیدی از
کارگران به دادگستری جاحیان اشغال کارخانه
و شکستن درء و ماحور از دادگستری به کارخانه
آمده و خواستار محاکمه جاحیان شدند.
این دو ماجرا در پی هم نشدند که همه کارگران
بخش ۵ نفر هم کارگری کردند متاهل بودند
۵ نفر تحقیق شود کارگران در پی هم نشدند
رای گرفتند و بر اساس خواست اکثریت به سر
کار خود برگشتند. اما پس از باز شدن مجدد کار
خانه به زوری خواسته‌های خود (با زنگت همه
سرکار و ایجاد شور) جاحیان کردند آنها
حتی به دستاخی نیز در کارخانه دست از کار
کشیدند. برانجام تحت فشار همبستگی کارگران
نمایندگان دادگستری طی نشستی با حضور
نمایندگان وزارت کار و کارفرمایان جاحیان
گردیدند که خبر دیگری را خود برگرداندند. کارگران
این پیروزی عظیمی را خود را با خریدن شیرینی
جشن گرفتند. این جریان روی کارگران قدیمی
تا شهر زیاده‌ای گذاشته بود.
بعد از این پیروزی عبیدی دست به توطئه
ناز آبی می‌زند. وی کارمندان را که از
مبارزات کارگران حمایت کرده بودند، اخراج
کرده و با اختیار ایشان را محدود می‌نماید. عمل
اوپا مخالفت شدید کارگران و پیرو می‌شود.
مطوریکه کارگران نسبت به این مختلف دست از کار
می‌کشند. کارفرمانا چاره دو راه عقب نشینی
کرده و کارمندان اخراجی را به سرکار
می‌گرداند.

پیروزی کارگران اخراجی و متحد کارخانه دکتر عبیدی

در پی کارخانه ۲۴ گفتیم که کارگران
اخراجی کارخانه عبیدی طی مبارزات خود در
کارخانه محصن شدند. در زیر گزارش داده
مبارزات آنها را ملاحظه خواهد کرد.
پس از تحسین کارگران چند نفر از وزارت
منابع و معادن به کارخانه می‌آیند و طی سخنانی
می‌گویند: "عمل شما نادرست و ضد انقلابی است

شما به خانه‌های پتان بر رویه، نماینده‌ها دنبال
کارتان را خواهد گرفت. وزارت منابع و معادن
هم به کار شما رسیدگی خواهد نمود و حتی اگر
لازم بود عبیدی را عوض خواهد کرد." کارگران
تحت تاخیر حرفی را فریبند. آنها قرا گرفتند
و بدنبال شنیدن صحبت‌های موافق و مخالف
نمایندگان و کارگران، پس از آزادی گیری بر-

پس از این پیروزی، کارگران جاحیان و
ایمانی بیشتر به پیروزی جاحیان طبقه کارگر
شروع به کار کرده و تصمیم می‌گیرند برای
تشکیل شورای واقعی خود، مبارزاتشان را
ادامه دهند.
بر توان باد دستهای متحد
کارگران کارخانه عبیدی

نان ، مسکن ، آزادی

بقیه از صفحه ۳
 "شورای انقلاب" با تصویب قانون سود...
 قانون سودویژه، اما سابقاً قانونی استثنای گران است. تصویب و اجرای این قانون در زمان شاه خاشاک، هدفی جز تحقق کارگران، سرکوب آنان و تحمیل فزونی بر آنان، سرکوب کردن کارکنان سودی و سرمایه‌داران را از دولت برگرداند. کارگران و اتحادیه‌های وادستی در میان آنان ندا شده است. شورای انقلاب، از آنجا که در مقابل کارگران مافقر رادار، از ابتدا همان توانمندی دوره خاندان پهلوی را که عامل خانگی خرابی ملیونها کارگر و صنعتی میهن ما شده بود، به اجرا گذاشت. از جمله این قوانین، قانون سودویژه مصوب سال ۴۱ می باشد.
 اکنون دیگران همان رژیم شاه خاشاک از تصویب این قانون بر کسی پوشیده نیست. رژیم پهلوی با نبرد سختی از دست سزد ما را نگاه کارگران و سپس پرداختن به تمام "سودویژه" اهداف زیر را دنبال می کرد:
 - به مشروط کردن سودویژه به میزان تولید کلاه سودی سرمایه‌داران به کارگران، سرکوب شدن می شد. اگر تولیدیها سطح کم بود، سود اولیه، کسادی با از آن استن گزین. انبساط یعنی کیفیت کار... که گاهی با فستنه این کارگران بودند که کارکنان سودی سرمایه‌داران را می پرداختند.
 - به مشروط کردن میزان سودویژه به اختلافات ۳ نظریه و بهره‌وری کارکنان، اختلافات میان کارگران را از میان میزدند و کارگران را زود روی یکدیگر قرار می دادند و به این ترتیب به متشنگی کارگران فریب میزدند.
 - به مشروط کردن سودویژه به میزان تولید، کارگران را وادار به افزایش تولید می نمودند و به این ترتیب میزان استثمار را افزایش می دادند و کارگران نسبت به تولید بیشتر، دستزد کمتری دریافت می کردند.
 - به پرداختن قسمتی از دستزد کارگران به صورت "سودویژه" یا بر مبنای کارکنان (نظیر حق اولاد، بیمه، اما فکری و...) چون بر مبنای دستزد رسمی آنان پرداخت میگردید، میزان قابل توجهی گاهی می یافت.
 - به ادعای اینکه کارگران با تصویب این قانون در سود کارخانه سهم شده اند. یعنی میگردند و بر شاگردان و سرمایه‌داران می پوش گذاشته، جلور شد آنگاه کارگران را سز نماند.
 - اکنون شورای انقلاب با تصویب دوباره این قانون کذا شد، همین اهداف اساسی را دنبال میکنند و این هنوز تمام قضیه نیست. طبق قانون جدید سودویژه:
 ۱ - سودویژه بر اساس آخرین پیمان دسته جمعی کارگران و سرمایه‌داران پرداخت می گردد و در صورت نبودن این پیمان، بر مبنای دستزد جمعی کارکنان مشابه عمل می شود. این بدان مفهوم است که شورای انقلاب پیمانها را به رسمیت می شناسد که ما بین کارفرمایان سابق و نمایندگان سابق کارگران منعقد شده

است! یعنی تمام اجاعات و کلاه برداریها می که توسط عوامل مزدور کارفرمایان بنام - بندگان کارگران انجام شده، تا شده است. (بدینست بدانند که حد اکثر سودی که طی سالهای گذشته به کل کارکنان موسسات تولیدی پرداخت می شده از ۳ الی ۴ درصد موسسات بیشتر نبوده است) یعنی شورای انقلاب، شوراها و سندیکاها یعنی کارگران را (سودویژه اینکه تعدادی از این شوراها و سندیکاها واقعی میباشند) به رسمیت شناخته، نمی خواهد که همه پیمانهای دستجمعی جدیدی بین کارگران و سرمایه‌داران بسته شود. زیرا این خود زمینه دیگری برای گسترش مبارزات صنفی-سیاسی کارگران است. ما بین ترتیب است که شورای انقلاب قصد دارد و میخواهد که همان شرایط فلاکت‌باری را که کارگران قبل از قیام داشتند، به آنها تحمیل کند. همان قوانین، همان شرایط همان سندیکاها، همان پیمانها و همان استثمار را این است منطقه شورای انقلاب بدین ترتیب شورای انقلاب سعی میکند دستزد و معایق قیام را از چنگ کارکنان بیرون آورد و در این راه از حقوق صنفی کارگران هم نمیگذرد.
 ۳ - سودویژه مبتنی بر شورای انقلاب صنفی از همان سودویژه دوره رژیم سابق نیز کمتر خواهد شد، چرا که میزان کارکنان و رشد تورم چند ده درصدی طی یک دهه گذشته، افزایش یافته است. دستزد هاست. ما میزان تورم به میزان سرمایه‌زایی از ارزش پول کارکنان و قدرت خرید کارکنان را نشت کرده است. بدین ترتیب قانون سودویژه شورای انقلاب، حتی قدمی به عقب نسبت به قانون سودویژه رژیم فداکارگری قبلی است!
 ۳ - شورای انقلاب تحت عنوان "مقررات جدید پرداخت سودویژه کارگران" که همان مقررات رژیم سرنگون شده قبلی را به جز در مواردی از جمله در بند "جدول ضمیمه" است: "مالیات مربوط به ۳۰۰۰ ریال در حق سهم معادل ۱۰ درصد است که به حساب شرکتت شعوشی مصرف و اریز می شود و نسبت به مسازاد ۳۰۰۰۰ ریال مالیات به ده ریالی پرداخت می میگردد."
 ملاحظه میکنید که نسبت به کمه فعلی دقیقاً به درجی، پای رژیم قبلی میگذارد، بجای آن تا میزان توجه شرکتها و تعاونی از جهت سرمایه‌داران، این بود که کارکنان هستند که کسب میباشند و سود هر شرکتت شعوشی را تا میان نماینده بدین ترتیب است که کسب کارکنان تمام میماند. ناشی از کمبود اجناس گزاشی آنها و... سر دوش کارگران قرار میگیرد. این "شورای انقلاب" است با "شورای فدا انقلاب"!
 ۴ - به ما سرمایه‌داران می توان در یافت که نسبت سهمی که کارگران در مقابل سندیکسین و کارمندان عالیرتبه تعلق میگیرند نسبت به مالکها قبل بر مراتب کمتر است. توضیح اینکه جمع امتیازات انحصاری یک کارگر ساده (که حداقل دستزد و امتیازات با تعلق میگیرد) طبق جدول پیشنهادی انقلاب، ۴۵ واحد است و این مقدار برای کارمندان و

مهندسین عالیرتبه حقوق آنها سه ۱۵۰۰۰ تومان هم میرسد، بیش از ۱۷۵ واحد خواهد بود! یعنی بطور متوسط نسبت امتیازات استحقاقی یک کارگر ساده به یک مهندس در حدود یک به چهار (۲۵ / ۱۷۵) میباشد. (چون حقوق روزانه مهندسین عالیرتبه بیشتر از ۲۵۰۰ ریالی است که در جدول ذکر شده است) این امر نشان دهنده آن است که میزان پولی که به عنوان سودویژه به کارمندان و مهندسین عالیرتبه تعلق میگیرد، حدوداً ۴ برابر سود ویژه ای است که به کارگران ساده تعلق میگیرد.
 ۵ - با توجه به اینکه کارگران بدلیل مشکلات فراوان زندگی خود همواره روزهاشی از ماه غنیمت میکنند (و این مورد مهندسین و کارمندان عالیرتبه صدق نمیکنند) با زهد میزان امتیازات استحقاقی کارگران ساده نسبت به مهندسین و کارمندان عالیرتبه از هر نظر کم بوده و موجب اجاع فزینتری به کارگران ساده و کارکنان می شود. یعنی آنها که بیشتر در رندار و شوراها که وسیع زندگی بسیار میدارند، فقیرتر خواهند شد. این است سیاست عمده و پشیمانی "منصفین" از طرف شورای انقلاب!
 ۶ - مورد دیگری که در کارکنان سودویژه کارگران موثر است، آذینها، کلاهیها، اجاعات و ساختن پها خنهای کارفرمایان و ما مورسین عالیرتبه و کارکنان دولت است! سودی در کارخانه‌های کشور استندیکسای کارگران، نظارتی بر خرید و فروش کسالی کارخانه‌ها و رده‌ها شورای سندیکاها که رخصت فلابی و فداکاری است، امکان اجاعات بر کارکنان بیشتر می شود. کارفرمایان می توانند انواع حیلها در کارخانه‌های قبلی دست بدهند، میزان کل حق انبساط و ویژه را با شین آورند.
 کارخانه‌های کشور با سندیکای کارگران نظارتی بر خرید و فروش و کلاهیها و رده‌ها شورای سندیکاها که رخصت فلابی و فداکاری است، امکان اجاعات بر کارکنان بیشتر می شود. کارفرمایان می توانند انواع حیلها در کارخانه‌های قبلی دست بدهند، میزان کل حق انبساط و ویژه را با شین آورند.
 ۷ - در بند "جدول ضمیمه" این قانون آمده است: "در مورد سرپرستان و همسران، منصرف از امتیاز کارکنان را اعطای میکند. این سندیکسین حق کارکنان میباشد. با این بند "شورای انقلاب" می فهماند که شوراها سندیکای واقعی کارگران حق نظارت بر امور تولیدند و رند و نحوه رفتار سرپرستان و همسران و تمهین امتیاز کارکنان آنان ندارد. بسیار دیده شده است که مدیران ویا سرپرستان به تولید آشنائی نداشته و کار نمیکنند، بلکه فقط برای کنترل رفتار کارکنان و برای با صلاح حفظ نظم کارخانه‌ها رگما رده می شوند و عملیات را جاتوس و مزدور کارفرمایان در می آید.
 سندیکاها شورای کارکنان حق دارد بر تولید و فروش، بر میزان سود کارخانه‌ها

کارگران برای کم کردن شدت استثمار خواهان نظارت و کنترل بودیویت کا و خانه میباشند

بوده شرکت تعاونی با بد زحیب سرما به داران تا مین گردد.
۵ - فرب غببت با بد زشویه برداخت سود ویژه محو گردد.

رفقای کارگر!

قانون سودویژه مصوبه رژیم شاه، که شورای انقلاب، بدان صحت داده است، قانون استعمار امپریالیستها، سرما به داران وابسته سرما به داران تا زه بقدرت رسیده، زکا رگران است! معدا زکوشتهای فراوان هیئت حاکمه مبنی بر برپاداختن سودویژه به کارگران، تحت فشار روزافزون کارگران، و در مجموع گسترش مبارزات خدا، امپریالیستی - خدا رنجای خوده های زحمتکش خلق ما، هیئت حاکمه اقدام به عقب نشینی نمود و به گذشتن شئی کوچک برای حفظ اساس حاکمیت خویش، راضی شد.

درکنار برپاداختن سودویژه گذاشتی به کارگران - آن درکنار معادله اجباری اموال مستعبدان معدودی از سران خونخوار رژیم قلمی، درکنار افشای عنا صر مزدور سرسپرده امپریالیستها، اجبار نظام، درکنار برپاداختن سروصدای زیادهای درمبارزه با مباحث خدا، امپریالیستی هیئت حاکمه همچنان اقدام به سرکوب و کشتن کارگران و زحمتکشان مبارز (کشتن علی اکبر رضایی، کارکنان دارو، رضا رگداری، راجحاشی کشتن دوشنر از کده داران زحمتکش در جنوب با رک ملت) حمله به تظاهرات وسیع مردم در محمودآباد، اقدام به انواع تهدیدها از جمله تهدید جانها و شئی که نشنیا تا اختلافی راجاب میکنند، تهدید به سرکوب و حتی اعدام زحمتکشان - شئی که اقدام به معادله در زمینهای زمینسداران بزرگ و آبا رنجانها و خانه های سرمایه داران وابسته میکنند، تدابیر برای حمله مجدد به کردستان و برپاداختن جنگ خانمانسوز داخلی و تصویب طرح ضد خلقی "خودگردانی تجاری" خود مختاری و سایر لایحه حفظ فراقاداهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با امپریالیستها و... - معینا بد، اینها نشان دهنده عقب نشینی های محدود هیئت حاکمه در مقابل گسترش روزافزون جنبش خودی ای از یک طرف، سرکوب جنبش خودی ای تا آنجا که ویرانگرانه میخوانند از طرف دیگر میباشد.

همانطور که کمونیستهای واقعی و نیروهای واقعا مبارزان با رها گفته اند (و با رها در تجربه خود خوده ها با ثبات رسیده است) رژیم حاکم نه میخواهد و نه میتواند به خواسته های سرخ خوده های زحمتکش ما و در راستای آن کارگران پاسخ مناسبی دهد، طی این مدت، کشتار و رنجها سرکوب کارگران، سرکوب دهقانان رنج دیده و فرونشاندن حرکات اعتراضی کارمندان و سایر اقشار زحمتکش خلق ما، بخشی ماهیت این رژیم را نشان داده است.

همانطور که ما هیئت قانون سودویژه و تصویب آن از شورای انقلاب نشان میدهد همیشه حاکمه میکنند در مقابل فشار رنجدهای، حداقل عقب نشینی ممکن را انجام داده، حتی الامکان چیزی ندهد، کارگران آگاه میدانند که این عقب نشینی ها تا زمانیکه این هیئت حاکمه در رأس حکومت مساند محدود، موقتی و بنا به بد است و مردم امکان بازپس گرفتن آن میباشد بقیه در صفحه ۸

کارگران هیچ نقش مشورتی و کنترل ندارند و تا نیا به سندیکا های جدید حق بستن پیمانهای جدید سودویژه را نداده است.
با توجه به مسائل بالا، نتایج عملی زیر بدست می آید:

- ۱ - در آینده، قانون سودویژه که عبارت از قانونی کردن استعمار کارگران است با سند لفظی و میزبان حداقل دستمزد کارگران مطابق هزینه متوسط زندگی یک خانواده ۵ نفری تعیین شود و افزایش یابد.
- در حال حاضر با بدجهت بر حسب درصدهای دستمزد و جهت بر حسب چند ماه از دستمزد (حداقل ۵ ماهه در سال) - میزان سود اجباری کارگران در نظر گرفته شود.
- ۳ - با بدترتیبی اشخاص خود سودویژه کارمندان و مهندسان و سرپرستان، برعکس میزان حقوقشان افزوده گردد، میزان آن حد اکثر ۱/۵ برابر بر مبنای سود یک کارگر ساده بیشتر نباشد.
- ۴ - با بدستما، خرابی، گمناست و امتیاز کارایی و تقابل هزینه ها و وابسته آنها و تضییع محسوب میشوند و تعیین سودویژه حذف گردند.
- ۴ - مالیات از سودویژه نباید کسر گردد.

موسسه بر استخدا مدیران و سرپرستان جدید و نحوه مدیریت کارخانها و موسسه نظارت و کنترل کند.

بنابراین از بررسی قانون سودویژه مصوبه شورای انقلاب نتایج زیر حاصل میشود:
الف - اساس تصویب این طرح عملی است انقلابی و ضد کارگری است. زیرا ماهیت این قانون هدف آن چیزی جز استعمار هر چه بیشتر کارگران و غرض از بدنه شکل و مبارزات آنسان نیست.

ب - هیئت حاکمه به تمام قوانین و قرار دادهای رژیم قبلی حکمی شده است. از این لحاظ اساسا تعیین میزان سودویژه طبق این قانون خادرت است و نمیتوان آنرا پذیرفت.

ج - میزان ۱۰٪ مالیات مطابق همان قوانین رژیم سرنگون شده قبلی است و قابل پذیرش نیست. سرما به شرکتها و شئی باید ازجیب سرما به داران تا مین خود.

د - رژیم اساسا و ما هیئت شوراها و سندیکا - واقعی کارگران را مورد سؤال قرار داده است. زیرا اولاً در تعیین میزان ملاحظه است مدیران و سرپرستان، شورا و سندیکا واقعی

مقررات جدید پرداخت سودویژه به کارگران



شبه ۲۴ آذر ماه
۱۳۵۸ - شماره ۱۶۰۳۶

جدول توزیع حق السهم کارگران در سال ۱۳۵۸

کلاس	تعداد	مجموع سهم	میانگین سهم
۱	۱۰	۱۰۰	۱۰
۲	۲۰	۲۰۰	۱۰
۳	۳۰	۳۰۰	۱۰
۴	۴۰	۴۰۰	۱۰
۵	۵۰	۵۰۰	۱۰
۶	۶۰	۶۰۰	۱۰
۷	۷۰	۷۰۰	۱۰
۸	۸۰	۸۰۰	۱۰
۹	۹۰	۹۰۰	۱۰
۱۰	۱۰۰	۱۰۰۰	۱۰

کلاس	تعداد	مجموع سهم	میانگین سهم
۱	۱۰	۱۰۰	۱۰
۲	۲۰	۲۰۰	۱۰
۳	۳۰	۳۰۰	۱۰
۴	۴۰	۴۰۰	۱۰
۵	۵۰	۵۰۰	۱۰
۶	۶۰	۶۰۰	۱۰
۷	۷۰	۷۰۰	۱۰
۸	۸۰	۸۰۰	۱۰
۹	۹۰	۹۰۰	۱۰
۱۰	۱۰۰	۱۰۰۰	۱۰

کلاس	تعداد	مجموع سهم	میانگین سهم
۱	۱۰	۱۰۰	۱۰
۲	۲۰	۲۰۰	۱۰
۳	۳۰	۳۰۰	۱۰
۴	۴۰	۴۰۰	۱۰
۵	۵۰	۵۰۰	۱۰
۶	۶۰	۶۰۰	۱۰
۷	۷۰	۷۰۰	۱۰
۸	۸۰	۸۰۰	۱۰
۹	۹۰	۹۰۰	۱۰
۱۰	۱۰۰	۱۰۰۰	۱۰

انتخابات استحقاقی سریشهای کارگر در کارگری - جمع انتخاباتی اکتسابی هر نفر روزهای کارخانه در سال

ارزش رهایی هر امتیاز سهم حاصل کل انتخابات استحقاقی حق السهم هر نفر در ارزش رهایی هر امتیاز استحقاقی، هر نفر

بقیه از صفحه ۹

به رسمیت شناختن این سازمان بعنوان تنها نماینده قانونی خلق فلسطین بویژه از این لحاظ اهمیت دارد که راه بر توطئه گران که میکوشند تنها مطلق فلسطین سخن گویند و در زدوبندهای بین المللی همچون مصادات و ملگ حسین و... جهت نابود کردن آرمان فلسطین با دشمن وارد مذاکره شوند، می بندد.

۲- فتح جنبش آزادیبخش ملی فلسطین

آغازگر مبارزه مسلحانه فلسطین در اول ژانویه ۱۹۶۵ می باشد. پیش از این تاریخ هیچ مبارزات مردم فلسطین در راه مبارزه با یسویست ها و یسویست ها در فلسطین، بطور عمده شکل خود بخودی و سازمان نیافته داشت. قیومت کشورهای عربی برای حل مسئله فلسطین امری تعیین کننده بود. یعنی مثلا عبدالناصر و پاپانداها و روسای جمهور کشورهای عربی دربار فلسطین تصمیم گرفتند خنثی فلسطینی ها را از ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۵ همین شیوه عقیم ادا مداخلت و امپریالیسم همین را میخواست. چرچیل نخست وزیر انگلیس (در جنگ دوم جهانی) زمانی گفته بود: "فلسطینی ها را چندان در اردوهای آوارگان نگه دارید، وطن از یادشان خواهد رفت." شروع مبارزه عامل مهمی در فتح سرآب کردن این روپای امپریالیستی بود.

الفتح خود در سال ۱۹۵۹ بوسیله عده ای از روشنفکران مهم پرست فلسطینی پایه گذاری شد و در سال ۱۹۶۵ که جناح نظامی آن (عاصفه) مبارزه مسلحانه را آغاز کرد کمتر کسی از وجود آن اطلاع داشت. تا این سال، فتح توانسته بود حدود ۴۰ نفر را عضوگیری کند. در دوران این جنبش ملی گرایانه و مختلف ایدئولوژیست و طبقاتی وجود دارند. در این جنبش ملی ایدئولوژی خاصی مطرح نیست. ما تریالیست، مارکسیست، مسلمان، مسیحی و... در کنار هم اند. فتح یک جنبش غیر مذهبی (لائیست) است. همچنین از کارگرویدگان گرفته تا عناصر دموکرات و حتی لیبرال. آنچه آنها را در کنار هم جمع میکند استراتژی واحد از دادن فلسطین از طریق مبارزه مسلحانه و ایجاد "دولت دموکراتیک فلسطین" است. با پیگانه عده ای جنبش را دهقانان تشکیل میدهند و آوارگان، روشنفکران و حتی کارگرانی که تا شیرات منشا دهقان خود را کاملاً حفظ کرده اند.

بطور کلی از عملکرد الفتح در پهنه مبارزه انقلابی فلسطین میتوان نتیجه گرفت که این جنبش بدلیل پیگانه وسیع توده اش، عموماً خلقی دموکراتیک ضد امپریالیستی ضد صهیونیستی را دنبال میکند. اما این جریان بدلیل ماهیت و ترکیب طبقاتی رهبری آن دارای گرایشهای مشخصی است که تا بحال فریاد مهمی هم به جنبش زده و مسلماً در آینده نیز خطراتی برای انقلاب فلسطین بساز خواهد آورد.

۳- جبهه خلق برای آزادی فلسطین

این جبهه در اوایل سال ۱۹۶۷ در نتیجه متلاشی شدن "جنبش ناسیونالیستهای عرب" بوجود آمده. جنبش ناسیونالیستهای عرب که در سالهای ۱۹۵۰ بوسیله برخی از مبارزین

عرب منجمده دکتر زورز حیش تا سپس شده و یک حزب سراسری عربی نیرومند را تشکیل میدهد. سپس از شکست تجربه های وحدت دول عربی و نیز شکست تجربه ناصریسم در مقابل اسرائیل (ژوئن ۱۹۶۷) از هم پاشید. رهبران و اعضای فلسطینی این جنبش، "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" را بنیان نهادند. و پیروزی از خط مشی مارکسیسم لنینیسم را رسماً اعلام نمودند.

بدون شک این تحولی بزرگ از فرمیسم به انقلاب، از ایده ایسم و انقلابیسم به لیسم دبا لکتیک بود. این جبهه معتقد است که برای حل مسئله ملی (آزادی فلسطین و حل تضاد بین صهیونیسم و خلق عرب و نیز تضاد بین امپریالیسم و خلقهای تحت تسلط) راه ای جز اتخاذ خط مشی مارکسیستی لنینیستی نیست. این جبهه که میکوشد تدریج بصورت یک سازمان مارکسیستی لنینیستی درآید در مجموع عملکرد انقلابی، دموکراتیک دارد و عمدتاً با پیگانه روشنفکری و از اقل تا متوسط آگاه فلسطینی است. مواضع مشخصی و مبارزاتی این جبهه بخصوصی ژورژ جیش مورد قبول و اجرا مینماید. این گوناگون است. این جبهه هر چند دارای اختلافات ایدئولوژیست و سیاسی مشخصی با الفتح می باشد و رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین انتقاداتی صریح میکند، اما خود در دوران شورای ملی فلسطین و نیز سازمان آزادیبخش فلسطین عضویت دارد و در موسسات توده ای وابسته به این سازمان نظیر اتحادیه های کارگری و دهقانی، دانشجویی و... و نیز بوجه عمومی، عضو است و فعالیت دارد. این جبهه در رابطه با الفتح سیاست وحدت مبارزه را دنبال می نماید، که در هر مقطع زمانی یکی از اینها غالب است.

نه این جبهه و نه دیگر سازمانهای فلسطینی که ایدئولوژی خود را مارکسیسم لنینیسم می دانند با رویزیونیسم یا مقوله موسیال امپریالیسم، مرزبندی ندارند. همه آنها با اتحاد شوروی روابط حسنه دارند. برخی از آنهاست فرمت طلبانه حتی شوروی راه پیمان استرا-تژیک فلسطین می نامند یا اینکه بر همگان روشن است که اتحاد شوروی اسرائیل را در دوران مرزهای سال ۶۷ به رسمیت می شناخت و خواستار آزادی کل فلسطین نیست. ما در آینده مقالاتی



دکتر زورز حیش، رهبر جبهه خلق برای آزادی فلسطین

از جبهه خلق برای آزادی فلسطین در پیکار خواهد بود تا خواهد شد. این جبهه مواضع این سازمان انقلابی فلسطینی آشنا شوند. مناسباتاً قاطعانه و بی هیچ تردید و بنا بر اصل لنینیستی حق خلقها در تعیین سرنوشت خویش از مبارزه عادلانه خلق فلسطین در راه آزادی و استقلال و مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع پشتیبانی می کنیم. وجود این جبهه با آن انحراف در سازمانهای رهبری گذشته که با آن مرزبندی می کنیم هرگز موجب آن نخواهد شد که ما نسبت به همانها از انقلاب خلقهای تحت تسلط امپریالیسم اندکی تردید بخورد راه دهم و گرنه در همان وره همان انقلابی "جبهه ای" خواهد بود.

۴- جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین

این جبهه در سال ۶۹ از اشاعه در جبهه خلق برای آزادی فلسطین بوجود آمد. رهبری این جبهه را باقی عده ای که تمهید داده اند. مواضع این جبهه از لحاظ ایدئولوژیست و سیاسی، بسیار به مواضع حزب توده ایران نزدیک است و تا بدین حد اشاره کافی باشد. بوجود آمدن این جبهه یک اشاعه بپورتونیستی "جبهه" بود که سرانجام به مواضع راست (مثلاً زمانی به حذف مبارزه مسلحانه) انجام میداد. البته این جبهه هم با دیگر سازمانهای فلسطینی در داخل و خارج مرزبندیهای اشغالی عملیات انقلابی مسلحانه ندارد. آخر در پهنه مبارزه فلسطین آنکه عملیات مسلحانه تا حدی شده است، تمیزی ندارد. این جبهه بطور رسمی از اشغالی مشکلاتی و تشویریکات مناسی برخوردار است و عمدتاً با پیگانه آن روشنفکری است.

۵- العاصفه

این سازمان را میتوان شاخه فلسطینی "حزب بعث سوریه" معرفی کرد. این سازمان از جمله سازمانهای است که در نتیجه مداخله گری رژیمهای عربی در مسئله فلسطین و جهت تامین نفوذ آنها در دوران جنبش مقاومت به وجود آمده. از این سازمان کاری بیخ فلسطین ساخته نشده و هر چه کرده پس لای چرخ انقلاب فلسطین بوده است. این سازمان تنها در سوریه و فعلاً در لبنان وجود دارد و واقع تابع ارتش سوریه است. البته قدرت چندانی ندارد که در مسیر انقلاب فلسطین اثری بگذارد. این سازمان در جریان تجاوز سوریه به لبنان (سال ۱۹۷۶) از درون انقلاب فلسطین و نیز از لبنان تمغیه و مداخلت کرده شد. و رهبران و رهبران محسن که چندی پیش ترورش را از لبنان فرا کردند بعد به کمک سربازهای سوریه به لبنان بازگشت.

۶- جبهه آزادیبخش عرب

این هم نظیر ما عده است، لیکن ساخته عراق. کاری در زمینه مبارزات انقلابی فلسطین ندارد و تنها نفوذ و تمایل عراقی چند کرسی در مجلس ملی فلسطین و یکی هم در کمیته اجرایی دارد که البته کاری از آن بر نمیآید.

۷- جبهه مبارزه توده های

این جبهه، در سال ۶۹ بوجود آمده و رهبری آن را دکتر سمر غنوشه به عهده دارد. بقیه در صفحه ۱۹

حزب توده، حزب معامله است، نه مبارزه

"مردم" ارگان مرکزی حزب آمده بود. لازم نبود مدتهاي مدیدی مثلا با زده روز آری فقط بازده روز بگذارد تا شاهد باشیم که همراه با حرکت اربايان روسی اش بناگهان ۱۸۰ درجه تغییر موضع دهد و در مورد حقیقت الهامین چیزی را بگوید که بازده روز قبل از آن دست عکس آن را ببلغور می کرد. در "مردم" شماره ۱۳۰ مورخ یکشنبه ۹ دیماه در مقاله ای را جمع کرده است افغانستان از جمله چنین می خوانیم:

"... متأسفانه خدا انقلاب خواسته بود در داخل رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان. بنیز خفونگند، اوج توطئه خدا انقلاب بمسورت اقتل بدون حاکمه شور محمدشکرکی در ۱۶ سبتمبر ۱۹۷۹ توسط حفیظ الهامین سرور کرد. (البته آقای کیا نوری هم امروز متوجه چنین توطئه ای شده اند!) ... اما نیروهای انقلابی افغانستان که از پشتیبانی توده های عظیم زحمتکشان برخوردارند، بموقع متوجه این خطر شدند و توطئه گروه خدا انقلابی به رهبری حفیظ الهامین را خنثی کردند و ..."

(تاکیدها و هراسنخترها از مات - چکار) برای اینکه خواننده ما دیگر هیچگونه خردی در دودوزمه بازی این دلان خندوده را بخود را ندهد، اظهار نظر سردلال این حزب معامله گر یعنی آقای کیا نوری را از روزنامه کیهان خنثی ۸ دی ماه نقل میکنیم. او هر باره حوادث افغانستان می گوید: "به عقیده ما حاصله افغانستان یک امر داخلی است (چرخش سمت! لیداشا لگران روس هم سر همین عقیده اند!) که طی آن یک جریسان امپریالیستی سرکوب شده است."

اری درست ۱۵ روز قبل از این اظهار نظر آقای کیا نوری و حزبش متفق بودند که ما بد این دست را (دست امین جریان امپریالیستی را) بشرد !!

"مردم افغانستان علیه امپریالیست ها و عمل آنها علیه اربايان و نشودا لها قیام کردند و دولتی که اکنون دارند در خدمت توده های مستضعف افغان است و می خواهد استقلال آزادی و رفاه را برای اینها تا مین کند و ریشه امپریالیست ها و خاشها و مالکان بزرگ را بکند" - جملاتی را که خوانندید از "مردم" شماره ۱۲۱ مورخ چهارشنبه ۲۸ آذر، از مقاله ای تحت عنوان "دستی که باید بشرد" برایشان نقل کردیم. نویسنده گان مردم در این مقاله ضمن شرحیست و تمجید از حفیظ الهامین و دولتی گشته او و رهبریش را می کنند، از سخاات امیرانی می خوانند که دست امین دولت را که "در خدمت توده های مستضعف افغان است و می خواهد استقلال ... را برای اینها تا مین کند و ریشه امپریالیست ها را ... بکند"، بشنا رندا غافل از آنکه اربايان روسی شان چنان خوابی برای امین دولت "صدا امپریالیست" و "در خدمت توده های مستضعف" دیده اند که روح آقای کیا نوری و حزبش از آن خبردار نیست:

سوسال امپریالیسم روس تصمیم می گیرد دست حفیظ الهامین را که دیگر "امین" نیست قطع کند. نه برای آنکه چون سموی هیئت حاکمه ایران دست دراز کرده بلکه حرف آیه لیل دلیل ساده که دیگر کاری از او بر نمی آید. و چنین بود که در یک چشم بزمزدن حفیظ الهامین عامل "امپریالیسم آمریکا" از آب درآمد تا راحت تر حرش زیر آب رود!

کودتای که در پنجشنبه گذشته صورت گرفت سومین کودتای زنجور روسی بود که در ۲۰ ماهه گذشته در افغانستان بموقع پیوسته در عین حال امین اولین کودتای بود که با کمک مستقیم دهها هزار سرباز روسی که از قبل راهی آن دنیا رفته بودند، جامعه عمل بخود پیوست. ما در بالا جملاتی را از قول حزب توده نقل کردیم که درست یک هفته قبل از کودتای در

بقیه از صفحه ۲
چرا امیرانتظار ما ...

بورژوازی و بدخلقی خود را به کرسی بنشانند و قطب زاده میکوشد با چسبیدن خود به خمینی سیاستهای ارتجاعی رهبران قدرتمند مذهبی را نسل به نسل دنبال نماید. در این میان همه این سیاستها و روشها تحت تاثیر فشار جنبش توده ای و در عین داشتن محورهای مشترک بسا یکدیگر متما می کنند و در کوتاه زمان درگیری های راحیان گروه بندیهای حاکم موجب میشوند. از این جهت است که می بینیم ما هم امیرانتظار مواج حال او مورد حمایت وسیع رهبران خرد بورژوازی واقع میشوند اما در شرایط خاص و بحرانی امروز و زویر فشار جریان شیرومنندی از سوی توده ها و نیروهای انقلاب، انسداد و استیجی امین به سبب امپریالیسم روس میشود. چرا که اکنون اوضاع متحول و بی ترتیلام، بحرانی - های عمیق اقتصادی و سیاسی وجودتفا دها و اختلافات درونی جناحهای حاکم را می جزایم در مقابل خرده بورژوازی نمی نهد که ما را ندن مقطعی و نا بیکباره چهره های رسوا و آشکارا ضد خلقی و وابسته به استیجیست رانجات بخشد، اما همین امر بسبب خود اوضاع از زاده و نیروی هر کدام از گروه بندیهای حاکم خنا قفای درونی سیستم را دامن زد. به متلاطم شدن بیشتر اوضاع می انجامد. چرا که این خنا قفای تها عسوف کردن جبهه های وابسته به حاکم است. لیبیرال حل شدنی است نه با روی کار آوردن عناصر سرکوبگر و فاشیست. وجود رهبرانهای درونی هیئت حاکمه، مراحتساب نا پذیر است که ریشه اش را با بد حفظ سیستم سرمایه داری وابسته و ما هیئت خدا انقلابی هیئت حاکمه و تفا ده همه جانبه و عمیق آن با خلق جستجو کرد.

مدین ترتیب که پیش میرود بنظر میرسد با دورانی بر تحول و متلاطم که با تا کشیکهای کوناگون هیئت حاکمه از عقب نشینی گرفته تا سرکوب او و جگیری بیشتر و بیشتر جنبش انقلابی در ابعاد بی مراتب عظیم. ترا گذشته روسیرو باشیم.

بقیه از صفحه ۱۸
عبدوش با انقلاب فلسطین ...

علیرغم حجم کوچک، مواج نسبتاً مترقیانه ای دارد که با مواج جبهه خلق نزدیک است.

۸- جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی عمومی

در امل انشعابی بودا ز راست، که در سال

۹- جبهه آزادی بخش فلسطین

این جبهه در جریان جنگ داخلی لبنان در سال ۷۶، از انشعاب جبهه فوق پدید آمد. مواج امین جبهه از جبهه ما درش را دیگالتس است. رهبری امین جبهه را ابوالعباس و ظلمت بمقبوب بعهده دارند.



این نظرات رو بزیونیستی و لیبیرالی که مدت کوتاهی است در موق "تحدیه کمونیستها" بطور آشکارتری انعکاس یافته است و سیستم فکری او را بطور برجسته تری به نمایش گذاشته است. بدون شک بکاره شکل نگرفته و بکاره بوجود دنیا آمده است. رشته منظم و ظریفی این مواج راه مواج پیشین امین شیرومنی اپورتونیستی و بی عملی خارجه نشینسی آنان در زمان دیکتاتوری رژیم شاه و مجموعه سیستم فکری - سیاسی و ایدئولوژیک آن که در یک کلام در تفکر دکما تیک روشنفکرانه و الگوسازی از انقلاب چین گرایشات رو بزیونیستی قبلی آنها خلاصه می شود، متصل می سازد. با در مقالات آینده خواهیم کوشید تا ضمن اشارات مختصر به امین پیشینه، و توضیح نظرات آنها در دوره جدید و بطور متروخ سردر مقطع کنونی، رشته بحث را دنبال کنیم.

ادامه دارد

۶۸ در جبهه خلق برای آزادی فلسطین بوجود آمد. امین جبهه بیشتر دارای جنبه نظامی بوده و مبارزات قابل توجهی چه در مرزها و چه در داخل سرزمینهای اشغالی داشته است. رهبری امین جبهه را احمد جبریل بعهده دارد. در جریان دخالت سوریه در لبنان (۷۶) او از سوریه پشتیبانی کرد و در سالهای اخیر و انشعاب حاصل شد.

بقیه از صفحه ۱۳
زیکزاکهای خدا انقلاب ...

آری این سخنان نه از آن کسبته مرکزی حزب توده بلکه گفتاری است از حقیقت ارگان اتحادیه کمونیستهای ایران، "حقیقت" بسا گشودن چنین جبهه ای در عرصه سیاست آبه آسیاب رو بزیونیستها می ریزد. شکفتن آوری این است که در شانین گرایش رو بزیونیستی در مواج سیاسی "حقیقت"، که او را محبوره تبعیت متروخ از خط امام خمینی شده است، اخبار آیه نحوه گفتار و بکارش امین نشانه نیز تمعیم پیوسته کرده است بطوریکه در مقالات آن از کلماتی نظیر "نظان بزرگ آمریکای جنان بنگار" (حقیقت شماره ۴۶)، "این نظان بزرگ بین المللی" (حقیقت ۴۶) ویا "در صحن مبارزه با ارتکازی و افشای منحرفیسیسی و متناقضین (ص ۲ حقیقت ۴۷) و ... استفاده می شود!

گرامیداشت خاطره هر شهید خلق پاسداری از خون تمامی شهداست



بعد از ظهر روز پنجشنبه ۵۸/۱۰/۶ سال سن ورزش داشت که پلی تکنیک هزاران نفر را در دل خویش جای داده بود. همه گرد آمده بودند تا خاطره رفقای شهید، ۱۵ ستاره پروزان آسمان جنبش خلق را با سدا دهند. تما و بر صمیمی رفقای ما بر درود و پوارا لیل نقش بسته بود. بر فراز هر تصویر ستاره ای می درخشید به فروزندگی آرزمان تما می شهدای راه خلق. این تصویرهای گرمی نظاره گرسوردها و پیا پیا وسوگندها می بودند که از فضای سالن می تراوید، و با خودشور میا ززه داشت. آری، میا زرات شهدای ما با تما می کاستی هایش، کوله با راه آینه است و هر شهید تمسختما می شهدای و تجمیع آرزمان خلق است. فضای سالن از عشق انباشته بود، لبالب از مهر و شور، گروه گرسوردها و نده بر طنین پیا پیا می ازجا نسب زمانهای انقلابی، کارگران و زحمتکشان مبارز، سربازان انقلابی، دانشجویان و دانش آموزان مبارز، خواستنده شد. تما می این پیا پیا بر ضرورت ادا مه مبارزه خلق تا نابودی کامل امپریالیسم جهانی و به ویژه امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق ما، وروهای از سلطه این دیو جهان خوار، تا کسید داشتند، و مبارزه ۱۵ رفیق پر شور ما را در جهت این آرمانهای مقدس، گرامی داشته بودند. تما می پیا پیا سرشار از رنگ و نغز و بهما زش کاران و رضا انقلابیونی بود که راه مبارزه خلق را سد می کنند و در جهت منافع کثیفشان بسنه انحراف می کنند، و تما می پیا پیا وظیفه ترویج های انقلابی و خامه کمونیستها، این پیگیرترین بیگانه را در سطح خلقی را در ارتقا مبارزات، زحمتکشان با زکومی نمودند.

فرست طلبانی را که به قدرت خویسته اند طرد و مشتاقان را بازمی کند. در داده مهیا مضمین گزارش کوتاه می از زندگی و مبارزات رفیق شهید هاشم و شوق پور چنین آمده است: "زندگی تو با زنج از شخصیتی محکم و با اراده ساخته بود، و او را در مبارزه پیگیر و بی امان می نمود. وی با کینه و نفرت سرشاری که از جامعه طبقاتی و اختلاف طبقاتی داشت و از مناسبات اجتماعی در جامعه طبقاتی می برد و در پی تماشای نزدیک با طبقه کارگر و زحمتکشان به بدشولوی طبقه

کرد، عربده، ترکمن میا زواتمی علیه امپریالیسم سوسیالیسم خلقی همدمت امپریالیسم زنده و جا و پیداد راه شهدای ما در مراسم بزرگداشت خاطره ۱۵ رفیق شهید، از طرف گروهها و سازمانهای مختلف و همچنین خانواده شهدای پیا پیا فرستاده شده بود که قسمتی از این پیا پیا را در زیر می خوانید: (۱) بهرام سازمان بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر

بهام سازمان بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر بهما سبب بزرگداشت خاطره ۱۵ تن از رفقای شهید بخش منتمب از سازمان مجاهدین خلق ایران، دوستان و رفقای گرامی! امروز در اینجا گرد آمده ایم تا با رفقای شهیدمان را گرامی بداریم. شهدای که در روزهای سیه و زرد بیکتاتوری شاه مزدور و تا آخرین نفس در راه آزادی و استقلال میهن از یوغ امپریالیسم و ارتجاع داخلی وروهای زحمتکشان از قید و بند استعمار رزمیدند و در این راه ویرانگوهان با خشن، درود بر همگی آنان! ۱۵ شهید بیگانه، رفقا: هاشم و شوق پور، حسن سبحان الهی، صادق فرید، نقوی، سیمین جبریری، فرخس قجر عبدالو، مصدحاج شفیعیها، رفعت افراز، محبوه افراز، بهرام آرام، اکرم صادق پور، فاطمه تفتکچی، حوریه محسنیان، احمد صادق قهاره، و رفیق شهید بقیه در صفحه ۲۳

کارگر گرامی. (۳) بهام سازمان ده رفیق شهید بهرام آرام: در این پیا که توسط برادر رفیق شهید بهرام آرام قراش شد، ضمن بزرگداشت یاد شهدا و کوشندگان و بیگانه رومیان راه آزادی و استقلال که در سالهای سیه هفتاد و سه از مبارزه با امپریالیسم و سگان زنجیری اش فروگذار نکردند و تجلیل از شرفگان راه آزادی آمده است: "یکی از این شرفگان مبارزه و ایثار بهرام بود. بهرام را در زمان دانشجویی، در زمان بلوغ فکری اش این چنین با طرمی آورم که در خرداد سال ۱۳۵۰ بود که او با طرا بیگانه

(۲) بهام سازمان ده شهید هاشم و شوق پور: "امروز در اینجا گرد آمده ایم تا یاد تلاش قهرمانانه ۱۵ رفیق شهید را گرامی بداریم، گرد آمده ایم تا خاطره شهدای را زنده کنیم که در سالهای سیه گذشته مظهر راه انقلابی و تلاش خستگی ناپذیر خلقی ما شده است. بهام سازمان شهیدانی با دکتیم که آشتی ناپذیری و شهادت انقلابی شان، همه انقلابیون و مبارزان را آزادی را توان میبخشد. چهارمین سالگرد شهادت هاشم و شوق پور بیگانه دیگر از فرزندان خلق را در شرایطی گرامی می داریم که خلق قهرمان ایران با سزوات خود امپریالیستی و مومکرا شک خود را هر چه پیگیرتر و با شکوه تر به پیش می برد و با زشکاران و

استمرار طبقاتی هست مبارزه انقلابی بوده‌ها هم خواهد بود . وما درآستانه‌نگرامیداشت با ۱۵ شهیددلاورخلق و دیگر شهیدان راه آزادی طبقه‌کارگر ، سوگند می‌خوریم که به آرزای سرخ‌شان وفاداریم و راه انقلابی سرخشان را با بیوندبا زحمتگشان و بی‌بیزه طبقه‌کارگر ، تساهنا بودی کا مل امیربا لبسم و پس تا بیستن خورشیدسوسیا لبسم متحد و سرخشت میبیمایم .

دانشجویان و دانش آموزان هوادار ما زمان نیکو در راه آزادی طبقه‌کارگر (۸) ما زمان نیکو در راه آزادی طبقه‌کارگر و رفقای انقلابی !

۸- هماغام با شما بزرگداشت‌ها طره ۱۵ شهیدی که در سالهای سپاه خلق در راه آزادی خلق جان باختند ، گرامی می‌داریم و زنده‌تان انقلاب دموکراتیک و فدا امیربا لبستی خلقهای قهرمان ایران ، میمان می‌بیندیم تا پیروزی نهائی انقلاب و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق آزادی‌اش هستیم .

زنده‌ها و با یاد ما شهیدان خلق ! خلقهای زر مند ، امیربا لبسم میبرد ! سرکمیسترا امیربا لبسم و ارتجاع داخلی ! "اشخا دیه‌دا دانشجویان ایرانی در او شوش حوش" (طرفدار ما زمان نیکو در راه آزادی طبقه‌کارگر) ۵۸/۱۰/۳۰

۹- هماغام زمان نبوده انقلابی دانشجویان و دانش آموزان (مستاد) ؛ در این هماغام ضمن تحلیل از شهیدای راه آزادی و استقلال ایران آمده است :

"۱۵ شهید زنده‌ها که امروز ما بدان گرد هم آمده‌ایم ، اکثران آستان سپاه سالنیای ۵۸ هستند . سالها طی که ما زنگاران و معاشات جهان در پوسته‌ها به استعاره نوشته بودند و صبر و استنظار رنظا و گرامی و طاع میوند ،"

در قسمت دیگری از این هماغام آمده است : "تباران شهیدمان فرزندان نبوده‌های زحمتکش میهن اندو بزرگداشتان نیز می‌باشد از سوی نبوده‌ها بزرگوار شود ، و اگر امروز چنین نمی‌بوده‌ها اگر امروز می‌گوشند تا خلق را از فرزندان نشان جدا کنند و اگر امروز می‌پروهای انقلابی و شهیدان میبشمان نه می‌تواند ، فدا ما بر برای شهیدی زحمتگشان ، جمهوری دموکراتیک خلق ، نبوده‌ها فوج فوج ما با فرزندان دلیران گرد خواهند آمد ."

۱۰- هماغام "دانشجویان نیشگام بللی تکنیک" : هماغام با بیگانگی تحلیلی به وقایع کشور و تا کید بر لزوم تعمیق مبارزه فدا امیربا لبستی نبوده‌ها و افشای لیبرالیها و فاشین به مردم آغاز می‌شود . در هماغام دانشجویان نیشگام از جمله آمده است :

"در این لحظات دوران سازود شرابستی که مبارزات خلق قهرمانمان بر علیه امیربا لبسم و سربردگان نشا و ج تازه‌ای یافته‌اند و در شرایطی که کارگران و زحمتگشان میهنمان با اشخا خود ، با اراده یولادین و ما زوان برستوان خود می‌روند تا بر سرخ پیروزی را در قله آزادی برانداشته‌اند ، سوگند می‌کنیم که برای بازسازی از خون شهدا و ادامه دادن راه آنها که همانا راهی کارگران و زحمتگشان میهنمان از ستم امیربا لبسم و سرباهای و پنا ایرانی آزادی دموکراتیک می‌باشد ، لحظه‌ای

درد ما زده در زحمتگشان با سرخشت استیم و

و ایرانا سالگرد شد تا ۱۵ شهید زنده بخون خفته در راه آزادی طبقه‌کارگر ، گرامی می‌داریم با شردوزی که با ما زوان برشوا ن طبقه‌کارگر راه پیشتازان راه آزادی را هر چه سرخ کون تر کنیم .

زنده‌ها در راه شهیدان بخون خفته آزادی مرگ بر امیربا لبسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای ایران

پیروزی ما مبارزات راستین خلقها به رهبری طبقه‌کارگر

برقرار امیربا جمهوری دموکراتیک خلق (۷) هماغام دانشجویان و دانش آموزان هوادار ما زمان نیکو در راه آزادی طبقه‌کارگر درود میگیران بر همه شهیدان راه آزادی و

استقلال میهن ، درود میگیران بر همه شهیدان راه آزادی طبقه‌کارگر .

اکنون در آستانه نگرامیداشت با ۱۵ شهید دلاور خلق ، پاس به دار مبارزه ما زان دلاوری را که با فیربا دمرگ امیربا لبسم و سپاه های گرم و سرشا و رخن به زحمتگشان در فدا می‌بدهد خفقان آریا عمیق در میدانهای خیره‌دهنده نهای های خیره‌دهنده و سرخ فریادی آزاد میهن را زحمت میگردند . دلاورانی که هر چه به پیش پرولتری دست خنیاخته نبوده‌اند ، اما عاشق به پرولتران و آرمائهای سرخ او ، با جانهای غریزی‌های میگیران خویش ، در شکنجه‌ها ، در میدانهای خیره‌دهنده کوچه‌های رنج خنیاخته‌های خلق ، آرمائهای سرخ خلق را با دلاوری می‌شدند .

اکنون از شهادت امیربا لبستی محدث زبانی نمی‌گذرد . اما جنبش خلقهای قهرمان میهن مسیادرسها همه انقلابیون آموخته است . دیگر کمونیستهای میهن میدانند که ما با خلق و درگنا خلق ، زمین مبارزیدن سوسیا لبسم علمی جیدرون جنبش طبقه‌کارگر با این هماغام به طبقه تا به آخر انقلابی در آیم به رهبری جنبش دموکراتیک میهن به رهبری طبقه‌کارگر و رهبری جمعی شاخه‌های امیربا لبسم تاخت . اما علی‌رغم این درسیها ، کمونیستها همواره ما دعا و دانسته این شهیدان خلق را پاس می‌دارند . دلاورانی که ما شهادت و جسارتی خلقی و انقلابی ، می‌بدهد . ما با امیربا لبسم و روش می‌برند و خواست و اراده‌ای در حقیقت جشدین به آزادی و خلق نداشتند . ما جانبا زیمان را پاس می‌داریم و در راه خلقهای قهرمان میهن چون آنان آسمانها جانبا می‌دهیم ، ما از مبارزات شهیدان قهرمان ما نبیم . ما از مبارزه کمونیستها که خستون سرخشان پرچم کمونیسم را رنگین ساخته است ، هستیم . خون ۱۵ شهید اکتون ما بخون هزاران شهید دلاور خلق در دهان ما خیره‌دهنده است . شهیدان دلاوری که برای ما بودی امیربا لبسم جنگیدند ، ما با پس از هزاران شهید هنوز در نیمه راه انقلاب دموکراتیک میهن به علمت خنیاخت بورژوازی لیبرال و نیمه‌کاری خرده بورژوازی مرفه ، مانده‌ایم ، خلقهای ما ما این همه شهید هندی جز سرتوگی رژیم سرزمینه‌داری وابسته و برتراری جمهوری دموکراتیک خلق نداشتند . اما هنوز سیستم سرمایه‌داری وابسته با سرخاست و در هیئت خاکه هنوز سوگران امیربا لبسم از معاش پشیمانی ، بزدیها ، جبران - ها و قطب زاده‌ها و ... و دیگر مزدوران ستم می‌خورد . اما ما امیربا لبسم در کشورمان نبود

دارد ما زده در زحمتگشان با سرخشت استیم و

میخواست همچنان درستگردان نگاه به مبارزه خودند و ما بخند ، در آغوش امتحانات با لبسان تحصیلشان شرکت نداشتند و مبارزه خود را بر علیه امیربا لبسم و احیاناً مزدورانی خلیش از امیربا لبسم و سرتوگی خود را در دهان ما دلاوریها می‌دهد . که پس از فترت که به جبهه مبارزاتی میسر و دوستانش در جریان جنبشهای تحمیلی و منحوس شاشتهای وارد شد ، او دیگر خنیاخته‌ها را نخواستند ، ما آقا ز زندگی جفی ، قدم به راهی گذاشت که ما شما وجود ما را طلب بود ."

در قسمت دیگری از هماغام آمده است :

"تکی از میسگان که ما که در راه امیربا لبسم در سال ۵۳ دستگیر و به حبس آمدیم کمونیستها بود

خرچ عیدان که وقتی برای شنا ما می‌جسد امیربا لبسم کمونیستها بردند و دستهای او را که از زنج قطع شده بودند همه نمودند و بر این جلادان دیو سفت از نقطه دور دستهای ما را هدف اما بیت گلوله قرار دادند تا در به هیچ عملی نبوده و زنده ما را هر زمان گرفتار آید . اما از بدن متورم و سباحش این چنین مشهور بود که ما سرخا خود را کرده بود و آنها هیچ وقت به مقصود نرسیدند

خرچیدند و این چنین ستاره فرزندان دیگری در آستان مبارزات را بیخ خلق درخشیدند گرفتند . اما امیربا لبسم از زنده‌ها زنده‌اند زنده در هر طبقه‌ای که ضربه می‌دهد . از خلق سوسیا لبسم زحمتگشان میهنان زبا نمی‌کنند ، زنده در خا رو بود نیکو رجوی کارگران و محرومانی که در راه‌های خلق می‌روند و ما را به خیره زنده در طبقه قلبهای که برای آزادی و لبستی نبند ."

۴- هماغام "تباران حیدر عمو و غلی" :

در این هماغام ضمن نگرامیداشت‌ها طره ۱۵ رفیق شهید و تحلیلی از مبارزات نشان آمده است :

"امیربا لبسم کمونیستها با این هماغام از ما خواستند تا در زمان خنیاخته‌ها بزرگانها و بیخنا رها و ... همه حشاطه گیری امیربا لبسم و رژیم سلطنتی حشوفول بودند و دست ما جلادان خلق ندید می‌کردند و آنگاه ما که بزبدها و قطب زاده‌ها و امیربا لبسم در راه‌های زنگشت به امیربا لبسم رفتند ، در مقابل امیربا لبسم و ارتجاع داخلی قدم کردند و هر چه می‌خواستند بر زمین زده‌ها ما را برافراشتند ."

۵- هماغام "اشخا دیه‌دا در راه آزادی طبقه‌کارگر در این هماغام که ما درود به همه شهیدان راه آزادی زحمتگشان آقا زنده" ، چنین آمده است :

"رفقا ! ما به نگرامیداشت خاطر هماغام کمونیستهای قهرمانی گرد آمده‌ایم که در تاریکترین دوران حیات خلقمان ، در زیر دیکتاتوری جنایتکارترین رژیم جهان ، به مبارزه برخاستند ، ما تمام نیروها بستادند و تا آخر پسن قطره خون خود را در راه آزادی طبقه‌کارگر در راه کمونیسم نشان زدند ."

رفقا ! هر چه شهیدان ما ، در آن روز خود رهروانی کم‌تجربه بودند و به کوره‌های گرفتار شدند ، لیکن آنان با تلاش پیگیران ، بسا فداکارشان با استوارشان و ما تمام زندگی - شان ما آموختند که چگونه با بدر راه آزادی ما اجتماع می‌خورش مبارزه کرد و از جان خود گذشت . آنان در همه جا جسس کردند ، در میدانهای اعدام در زیر شکنجه‌ها و در هر لحظه زندگی خویش ."

۶- هماغام "ایران" : وکاشی ایرانا : ما گروهی از کارگران کارجات تولیدی

مبارزه در زحمتگشان با سرخشت استیم و

درد ما زده در زحمتگشان با سرخشت استیم و

بقیه از صفحه ۲۴

کرامی با دخاطره...

رهاش زنان را درنا بودی رژیم سرمایه داری
و بسته به امپریالیسم و سرانجام درنا نبود
جامعه طبقاتی میدید. رفیق لیلی یکس از
افتخارات زنان مبارزانست که در آرزوهای
سیاه فغان و شکنجه و اعدام - که بسیاری از
مدعیان انقلابگری امروز را حتی بسیاری
اندیشه میا روزه نبیود - پیشتا از نه وصیما نسه
به هر که مبارزان انقلابی پیوست.

رفیق لیلی زمره در آشنده ماه سال
۱۳۳۸ در خا نواده ای مرغه و مذهب متولد شد. از
دوران دبیرستان در معارف و معالسی مذهبی
تظلمی صمیمه ارشاد... شرکت می نمود. پس از
طی دوره دبیرستان در آموزشگاه عالی خدمات
اجتماعی با قبول او "موسسه مدکار" به ادامه
تحصیل پرداخت. تحصیل در این مدرسه و شرکت
در فعالیتهای نظری و عملی و تحقیقاتی آن برای
رفیق لیلی شرایط نسبتاً مساعدی بودتا بتواند
از دیدگاههای علمی غربی مسائل اجتماعی درود
وریج مردم آتش شود. او میگفت: "تحصیل و کار
در این موسسه علیرغم هدفی که دنبال میکنم
برای بسیاری از دانشجویان منجمله من فرصت
خوبی بودتا هم از لحاظ معیشتی با پدیده های
نظام سرمایه داری آشنا شوندهم با چنان خود
عوارض اجتماع آترا مشاهده نمایم..."

آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی بسیاری
موسساتی نظیر کارخانها، دانشگاهها، بیمار-
ستانها و... مددکار اجتماع "ترمیم میکند."
رفیق در یکی از گزارشاتش در باره این موسسه
در سال ۵۲ مینویسد:

"وظیفه اساسی ای که به مددکاران محول
میشود، اینست که با ایجاد تماس و آشنا شهی های
نزدیک با کارگران، دانشجویان و... ضمن حل
برخی مشکلات موضعی و موقتی آنان از طریق
جلب کمک از موسسات بورژواشی و سازمانهای
"خبریه" ذهن آنان را از توجه به ریشه های اصلی
مشکلاتشان منحرف ساخته و اینطور نمودمی -
کنند که: گویا همه بدیتهای و ناسامانیتهای
مردم از خودشان و ناشی از عقب افتادگی،
بی ارادگی، بی فرهنگی و... فرودرد آنهاست
نه ناشی از نظام اجتماعی موجود. در این نظام،
همراه با حلها موجود است و این خود فرد است که
بواسطه تنبلی، ناآگاهی و... به آن دسترسی
ندارد. همچنین مددکاران موظفند با تهیه
گزارش از وضع مردم و ناهایتهای موجود در
بین آنان به رژیم کمک کنند تا قبل از آنجا
اعتراضات و تخریب گیری جریان تا نذر رژیمی،
منفی سیاسی، از آن اطلاع حاصل گسوده و
اقدامات پیشگیرانه بعمل آورند. همچنین برخی
از مددکاران با با آواک همکاری میکنند، در
حالی که کم نیستند کسانی که با استفاده از
موقعیت شغلی خود به روشنگری سیاسی و
آگاه نمودن کارگران و... می پردازند."

در سال ۳۹ زمانیکه هنوز دانشجوی بود در
ارتباطات سیاسی تیزانی با سازمان مجاهدین خلق
ایران قرار گرفت. پس از دریافتی که در شهریور
۵۰ به این سازمان وارد آمد، ارتباط رفیق
قطع شد. اما علیرغم مشکلات محدودیتهای
زمانی که داشت از تلاش برای خودمأزی و تجدید
ارتباط با سازمان بازنابستا. آسارت برادر
معتمد و اغشاء نهادند. ... اعتراضات شد...

۵۰، برای او محلی ساخته بودند تا بتواند در
ارتباط با جلسات خانوادها ای شهدا و زندانیان
سیاسی شرکت نموده. هم در فعالیتهای اعتراضی
و افتخارات آنها شرکت نماد بودهم از این طریق
ارتباط صمیم خود را با سازمان حفظ کند.

در اسفند ۵۱ زمانیکه پس از پایان دوره
دانشگاه به عنوان مددکار در بیمارستان کورش،
(در منطقه عودلاجان تهران) بکار مشغول شده
بود در پوشش یک کارگرنیا زنده نگه داشت، با او
تماس گرفته شد تا اینکه در حوالی نوروز ۵۲ به
بها نامه ساعت عبدا رخا نواده اجداد خود به زندگشی
مغنی پیوست.

رفیق لیلی بسیار با هوش، با استعداد،
فعال و پیرا نرژی و در برخورد با مسائل مبارزه
بهیگر و فعال بود. او به تکیه فعالیت پر شور و
استقامت در سرتیرو خود و همچنین آموزش
مارکسیسم - لنینیسم و کار در زمینه دگرگاری -
خانه ها توانست بر بسیاری از مشکلات غلبه نموده
و در گردن نه نهی و از خود معیاره بدست آورد.
او در دوران کار، بخشی از درجه های کارآموزی
و پس درجه رچوبه کلی تر کار رسیدی - تشکیلاتی
بخش متشعبه سازمان مجاهدین خلق ایران
در درون طبقه، به کارگری در کارخانه ها پرداخت
حدوداً ۵۲ شیز ۵۲ مدتی در کارخانه داروسازی
دکتر عبیدی واقع در شاه کج در قسمت بسته -
بندی به کارگری پرداخت. همچنین از زمستان
۵۳ بسمه متناوباً به مدیریت در کارخانه نسجه
قرقره زهیا، کفش ملی و... ادامه داد و گزار -
شات قابل توجهی نیز برای سازمان تهیه نمود

در ۱۳ دیماه ۵۵ یعنی پس از تقریباً ۵ سال
کار مخفی انقلابی در عالیگه به عنوان یک کارگر
در کارخانه کار میگرد و از این طریق به اساس
ارتباط سیاسی - تشکیلاتی بخش متشعبه از
سازمان مجاهدین با طبقه کارگر کمک رسانید.
در راه انقلاب دمکراتیک - فدا میریالیستی
ایران، در راه آزادیهای وادی طبقه کارگر،
بدست مزدوران شاه جنایتکار رشتها دست رسید.
مردمی که عمر روز ۱۲ دیماه ۵۵ از حوالی
شوش - شهیا میگذشتند، زنی چادر بر سر را در
خیابان دیده بودند که پس از رها شدن از سرپوش
کارگری کارخانه، از درون اتومبیلهای کمپیوت
هدف رگبار مسلسل واقع شد و در خون خود در غلغله
رژیم، شها دست رفیق لیلی (مدیقه) راهم -
چون شها دست بسیاری دیگر از انقلابیون مسکوت
گذارد، در حالیکه توده های انقلابی آگاه ما
هرگز با دا و دیگر شهیدان راه آزادی و استقلال
ایران را از یاد نخواهند برد.

خاطره این رفیق شهید را ارج میگذاریم و
با خون او مجدداً پیمان می بندیم که سینه
توده های زحمتکش همواره وفادار باشیم.



**توضیح مجدد در مورد هویت
ایدئولوژیک تشکیلاتی
رفیق شهید فاطمه تیفکتچی**

همانطور که در بهام روز بزرگداشت ۱۵
شهید زنده با تدوین و تدوین، ما از یک طرف
شا هدیمیرا هن عثمان کردن اشتباهات گذشته و
کوشش برای لو ت کردن خون شهیدان همان هستیم
و از طرف دیگر شا همیم که چگونه تنگ نظران بسه
نا درست برخی از شهیدای افتخار آفرین بخش
منشعب را بخود نسبت می دهند، هر چند که در
مؤا بردی مجبور نبوده اید اما ای خود را پس
بگیرند. غافل از اینکه شما شهیدای راه آزادی
و استقلال در پیش ما عزیزان و پیگانه برخورد
به هویت ایدئولوژیک و تشکیلاتی این رفقا
قبل از هر چیز تنگ نظری این مدعیان را بسه
نمایش می گذارد. انتخاب رفیق شهید
تیفتکتچی بخود، یکی از پیگانه برخورد
محدود نگارنه است. در اینجا با دیگر تکرار
می کنیم، که همه شهیدای راه آزادی و استقلال
میهن امما زهرام و مسلکی در پیش ما عزیزند.
اما ما هرگز اجازه نمی دهیم که هویت ایدئولوژیک
تشکیلاتی شهیدای خلق فرصت طلبانه تحریف
گردد، ما همانطور که عمل آپورتونیستی و
شهادت سازمان انقلابی را در انتخاب شهید
که با توطئه ما واک - نها ونیدی به شهادت رسیده
افشا می کنیم (شماره ۳۵ پیکار) و همانطور
که عمل مرتجعین "حزب جمهوری اسلامی" را که
شهیدای انقلاب دمکراتیک و فدا میریالیستی
خلق را بدون هیچ توضیحی به اسم خودشان چلی
و بخش می کنند و از این طریق می خوا هند برای
خود آپورتونیستی کسب کنند. محکوم می نما شیم
در اینجا نیز نمی توانیم از حقیقت دفاع کنیم
با این توضیح که این اولین بار هم نیست که
ما با تحریف هویت ایدئولوژیک و تشکیلاتی
رفقا بمان- روبروی شویم. قبل از این نیز
جمل واقعت در مورد رفقا شی چون رفیق شهید
حسن آلابوش و رفیق شهید محبوبه متجددین مواج
بوده ایم و هنوز هم هستیم، چرا که عکس آسمن
رفقا با آرمان سازمان مجاهدین خلق ایران در
کوی برزیده میشود و روزها مدت (ارگان
جنبش مسلمانان مبارز) که سدا افترا آتش شده
حالی که خود سازمان مجاهدین بد رستی ازنابا
این شهید بخود، خود را میبندد، کوشش مینماید
رفیق حسن آلابوش را مذهبی معرفی نماید.

در مورد رفیق شهید تیفتکتچی نیز از آنجا
که رهبری سازمان مجاهدین خلق ایران در بر
خورد به جریانات و تغییرات تحولات دورنی سازمان
بین سالهای ۵۴ - ۵۲ نمی توان از زاویه
عکلی به قضا برخورد و گندبنا برای بد در تحلیلی -
های خود ز مسائل این دوره و انتقادات وارد
به عملکردهای اشخاصی، به موقع بگیریم
غیر سیاسی و تنگ نظران نمی افتد، نا آنجا که
در بررسی و تحقیق سابق این رفیق شهید نیز
دچار اشتباه شده و به تحریف هویت ایدئولوژیک
تشکیلاتی وی می پردازد. ما در اینجا بسرا ی
اینکه جای هیچگونه شهید را باقی نگذاریم
به گوشه های آرزندی رفیق پس از سال ۵۳
اشا ر می کنیم و سازمان مجاهدین خلق ایران
نیز می خواهیم که با برخوردی مجدد و با تحقیق
منصفانه و تصحیح اشتباه خود در این مورد مانع
بغض، د. صفحه ۳۴

بقیه از صفحه ۲۲

توضیح مجدد در مورد ...

از بحث ها و جدلهای غیر لازم و فرعی در بیست و نه توده ها گردد .

رفیق شهید شیفکتگی از اوایل سال ۵۳ تا اوایل سال ۵۴ با مجاهدین ابرای هم کلاس بود و تحت مسئولیت رفیق شهید منبیه افتخاری کار میکردند پس از جدائی مجاهد شهید حسن ابرای از زمان در اوایل سال ۵۴، رفیق شهید شیفکتگی که به بخش منبیه پیوسته بود حاضر نشد و همراه وی از زمان بیرون رفت. رفیق همچنان تا اوایل سال ۵۴ تحت مسئولیت رفیق افتخاری بود و در نهایت کسری تمام کارگرشماره ۱ (از انتشارات نخست منبیه در آذرماه سال ۵۴) نقش فعالی داشت پس از جدائی رفیق شهید در اسفندماه سال ۵۴ رفیق در قسمت انتشارات سازمان فعالیت انقلابی خود را ادامه میدهد و در نهایت و چاب ویژه نامه‌ای (منتخب از) قیام مگر (کسبه حدود ۷ شماره از آن در سال ۵۵ چاپ و منتشر شد) و همچنین تاپ و چاب قیام مگر (نقش بسیار فعالی داشت همه رفقای که او را (با اسم حشمتار رفیق مریم با رفیق) بخاطر داوطلبانه بدرستی میدانند که او با چه شور و شوقی و با چه هراسی برای اینکه اعلامیه ها و مقالات هرچه زودتر آماده گردند روزانه گاه ۱۶ ساعت خایب میرزا چرا که او بدرستی میدانست نقش آگاهی در او و جگرگیری مبارزات طبقه کارگر چه نقشی دارد و در بخش قیام مگر روزنامه آن به بخشهای مختلف سازمان نیز نقش فعالی ایفا میکرد اعلامیه ها و نشریات را در زیر چاب درو در کوه پس کوه های شهران بدست رفقایی همگرمیرساند و بدین ترتیب در امر ارتباطات نیز که به خصوص در آن زمان از اهمیت بسیاری برخوردار بود سهم بسزائی داشت .

پس از ضربات تابستان و اوایل پائیز سال ۵۵ در جریان تظاهرات و مبارزه های مجدد برای پاک کردن ردهای کس و ساک احتیاجات به آنها دست پیدا کرده بود سازماندهی رفیق نیز تظاهرات کرد و در یکماه آخر حیات انقلابی خود با رفیق شهید حوری مصنیان همگام بود و همراه او در یک خانه در حوالی میدان امام حسین (فوزیه) زندگی میکرد در روز درگیری با مزدوران ساواک و ضابطان رفیق برای فتوحی کردن با دستهای روزانه که از رفیق شهید بهرام آرام به ما مانده بود (بهرام حدودا ۲۰ روز قبل از وی شهیدت رسیده بود) از منزل خارج شده بود و هنگام آمدن او با دستهای پایش نبود و به همین جهت پس از جدائی وی ساواک برخی از با ددا شتای رفیق بهرام را برای استفاده های تبلیغی در روبرو می‌دها به چاب رساند ما تنها از این طریق مطمئن شدیم که او به چنگ ساواک افتاده است (چون احتیاج قطع قرار گرفتن رفیق در آن زمان همیشه وجود داشت) .

این بودگوشه ای از زندگی رفیق شهید شیفکتگی ، با دوا و همه شهدای بخون غشته خلق گرامی باد .



بقیه از صفحه ۲۰

بیم سازمان بیکار ...

محمد رضا خوندی که در طی ماههای آبان، مهر و آذر ماههای گذشته بدست جانشینان ساواکی و جلاخان رژیم شاه در کوه ها و غیابها و با درکنجه گاهای قرون وسطائی به شاه دست رسیدند ، اکثر آراجمه رفقای بودند که فعالیت خود را از زمان مجاهدین خلق ایران آغاز نمودند ، و در جریان تظاهرات تحولات درونی ، به بخش منبیه از زمان مجاهدین پیوستند . از این پس هر چند که رفقای ما همچنان در چارچوب مثنی چربکی عمل می کردند ، اما با پیوستن خود به بخش منبیه ، عشق و ایمان خود را به آرمان والای طبقه کارگرنشان دادند ، و نهایت انقلابی خود را در بریدن از بدبستگی های مادی و فکری گذشته در عمل به اثبات رساندند ، چیزی که برای بسیاری از مزدورنگران ، اصرار بر قیاسل قبولی بنظر می رسید و هنوز نیز برایشان شده است . به همین خاطر است که ما از یک طرف شا هدیه پراهن عثمان کردن اختیارات گذشته و گوش برای لوث کردن خون شهیدانمان هستیم و از طرف دیگر شا هدیم که چگونه تنگ نظران به نادرست برخی از شهدای افتخار آفرین بخش منبیه را بخود نسبت می دهند ، هر چند که در مواردی حسیورند به ما ادعای خود را پس بگیرند . غافل از اینکه شا شهدا و راه آزادی و استقلال در پیش ما عزیزند و اینگونه برخورد به هویت ابدشولوزیک و شکیلائی این رفقا قبل از هر چیز تنگ نظری این عدویمان را به نمایش می گذارد . انضاب رفیق شهید شیفکتگی بخود ، یکی از اینگونه برخورد های محدود و نگرانگانه است .

دوستان و رفقای گرامی !

امروز در شرایطی با دین فرزندان انقلابی خلق را عزیز می داریم که برخی از غنچه های امید و آرزوهای این رفقا به شگفتی منتهی است . برای این جانشینان شهید ، قبل از هر چیز مهم اینست بود که توده های تحت تسلط ، انقلاب کبیر خود را آغاز کنند ، گرچه آنان نتوانستند تحقق این آرزو را بدست خود ببینند ، ولی با عشق و علاقه به خلق و تادم شاهات با آن زندگی کردند . و ما بدیم که چگونه این آرزو در فاصله بسیار رگوتای از شاهات آنها به تحقق پیوست ، آری توده ها انقلاب خود را آغاز کردند و در یک مرحله با نشاناردها هزار شهید ، بطول سلطنت راه پز با لهدانی تاریخ افکندند . و ضربات جدی بر میگردد امپریالیسم را در آورده اند . از این مبدع هر چند که با خنثی شدن بورژوازی لیبرال و خزلزل و دنیا لهری غریب بورژوازی مرفه سنتی از وی ، امپریالیسم و ارتجاع از مرگ حتمی و نهایتی جان بدر برند و هر چند که صف بندی جدیدی از ضد انقلاب ، در مقابل خلق وجود آمد ، اما همگی در طی دهه ها ونیم گذشته شا هدیم بوده ایم که اینها هیچ کدام ما خنثی از بهیشتی ما زهم بیشتر توده ها در جهت نابود کردن نظام سرمایه داری وابسته و قطع کامل امپریالیستی و نسیب اهداف دموکراتیک انقلاب ، نبوده است . آری ، طوفانی که از پیش از دو سال پیش در سببستان برخاسته است ، علیرغم لغت و غیره با پیش هرگز میل به آرام گرفتن ندارد . طوفانی که آجا ز منبیه در خاط سلطنت طلبان دیروزی ، و لیبرالهای خدخلق ، و عامل حرسر پرده امپریالیسم و تمام می رسد .

چنانچه انقلاب به خواست های خد خلقی خویش برسد ، و از نوحا کمیت سیستم سرمایه داری وابسته را تشبیهت ما زند . طوفانی که علیرغم بیک دور سرکوب خاشا نه خلق کرد ، و زحمتکشان شهروستان ، همچنان توفنده به پیش می رود ، و تا وقتی سیاست در میان توده ها ست و تا وقتی خلقی خدبیده در کوه و غیابان نسبت به مقدرات خویش بی خفا و ت نشده اند ، این طوفان همچنان خواهد فرید . اما مبارزه کارگران نیز در مرحله سرمایه داری وابسته و بزرگ و علیه حضور امپریالیسم در اقتصاد حیثیتمان ، مبارزه حقیقتان علیه زمین داران وابسته و بزرگ بدست زحمتکشان و قیام خلقی و در راستای خلق کردنی احقاق حقوق حقه خویش و پاک کردن زمین بوزره ارتجاع در کردستان ، همه و همه . نشان می دهد که سیاست همچنان در میان توده های خواهد ماند . علیرغم تظاهرات در کتابکی های بیست ها که ، وها بیوی خد امپریالیستی وی با زهم این جنبش توفنده توده ها به پیش خا هدرفت و بیاط هرگونه . طوطه سرمایه دار هم به پیچیده . جمهوری دموکراتیک خلق را مستقر خواست . اما آنچه در اینجا شمیم کننده است ، حرکت آگاهانه نیروهای انقلابی و در راستای همه نیروهای راستین طبقه کارگراست . تنها از طریق بسیج نیروی عظیم توده ها و مبارزه بر علیه تمام می رویز و نسیبها و سازگاران است که میتوان توده ها را به اهداف انقلابی خود رهنمون گشت .

بکار دیگر :
به ۱۵ رفیق رزمنده شهیدمان درود می فرستیم !
به ماد رانی که چنین فرزندان انقلابی و جانشینان را در دامن خود پرورانده اند درود می فرستیم و به تمام شهدائی که خلق کبیرمان در آغوش خود پرورانده است درود می فرستیم . و به خون این شهدا و تمام شهدای خلق سوگند می خوریم که تا رسیدن به آزادی و استقلال مبین از جنگ امپریالیسم و ارتجاع داخلی و ننی کامل استقامت رورسیدن به ما معنی طبقه هرگز از پای نخواهم نشست .

سرگ بر امپریالیسم و ارتجاع
درد بر همه شهدای راه آزادی و استقلال مبین
سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۸/۱۰/۶

سوء استفاده از انقلاب فلسطین موقوف!

روزنامه "مردم"، ارگان حزب توده، که میکوشد برای همدستان خود در افغانستان آبروی بی دست و پا کند، این بار روقیحا نه (و نه شبانه) بفکر سوء استفاده از انقلاب فلسطین افتاده است و در شماره ۲ دیماه خود تلگرافی از پارس عرفات به حفیظ اله امین رئیس (ماستق) جمهوری افغانستان را چاپ کرده تا "ثابت کند" که انقلاب فلسطین از رژیم افغانستان حمایت نمی‌نماید. چنین سوء استفاده‌ای البته از حزب توده می‌پنداریم، اما قضیه بهمین جا خاتمه نیافت.

روزنامه جمهوری اسلامی که سوبه خود با راه چنین سوء استفاده‌ها می‌کرده از این نکته "تلگراف" روز ۴ دیماه ضمن نوشتن جمالتی تحریک آمیز علیه انقلاب فلسطین از سفارت فلسطین خواسته که "جواب بدهد!" حزب جمهوری اسلامی همدا با دیگر نیروهای ارتجاعی که خواستار سبب کشیدن انقلاب فلسطین در چارچوب هدفهای تنگ نظرانه و منافع خاصی حویس هستند، سرورده‌ها بی را در بیست توده‌های نا آگاه علیه این انقلاب دامن می‌زنند این حزب و کلا هیئت حاکمه ایران در قبسال با زکردن یک دفتر برای فلسطین و بی آنکه تاکنون (بی) از قریب یکسال لکمی با لسی، تبلیغاتی و تبلیغاتی به انقلاب فلسطین کرده باشند، بی آنکه حتی مقرصارت اسرائیل را در اختیار سازمان آزادیبخش گذا رده‌ها کنند، میکوشند هرچه بیشتر از آبروی انقلاب فلسطین برای تا شید مواضع ضد انقلابی خود سوء استفاده کنند و فلسطین را که می‌خواهند و با انقلابی ویران‌ها ای با خلقی ایران در جهت آزادی فلسطین داشته‌ها شد، تحت فشار قرار میدهند. حزب جمهوری اسلامی مانند کلیه مرتجعین منطقه که از ترس توده‌ها شان تا گزیرند با انقلاب فلسطین روایی داشته‌ها شد، میکوشند در امور داخلی فلسطین مداخله کنند و این چیز است که انقلاب فلسطین همواره آنرا نفی و طرد کرده است.

شتریه خبری سفارت فلسطین در تهران را (وفا) در تاریخ ۵ دی ضمن هشدار به این هر دو روزنامه (که هر یک به "مذاق" خود کوشیده‌اند از فلسطین سوء استفاده نموده‌اند) آنها را تحت فشار قرار ردهند (می‌نویسد:

"قسمتی که روزنامه "مردم" ۳ ترا منتشر کرده در نامه (عرفات به حفیظ الله امین) نبوده است و با توجه به مسائل خاصی که در محتوای نامه بوده است اداره سیاسی سازمان آزادیبخش فلسطین انگان انتشار را مسدود انتشار نامه را مطلقاً میکند."

در قبال اینگونه سوء استفاده‌ها که نیروهای مرتجع از نام و آبروی انقلاب فلسطین بعمل می‌آورند، ما میکوشیم "سوء استفاده از انقلاب فلسطین ممنوع!"

گرامی باد خاطره رفیق شهید لیلی زمردیان



"هیچ جنبش بزرگ ستم‌دگان در تاریخ بشر، بدون شرکت زنان زحمتکش قادر نبوده‌گا می به پیش بردارد. زنان زحمتکش، این ستم‌دیده‌ترین ستم‌دگان، هرگز از جریانی اصلی جنبش رها نبخش کنار نمانده و نمی‌توانند بمانند." استالین

و آگاهی نسبی از شرایط محیط رفیق را بعنوان یک روشنفکر بسوی مبارزه گشاید. در تجربه‌های اولیه، رفیق به عقیم بودن معادل رفیمستی بی بر دویه مبارزه انقلابی روی آورد. رفیق یک زن انقلابی است که ستم‌دگی و محرومیت زن را در جامعه طبقاتی ما بخوبی درک می‌کرد و راه

یکی دیگر از چهره‌های انقلابی و فراموش نشدنی سالهای سپاه پنجاهه‌گا در راه انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی میهن ما نهاد، رفیق لیلی زمردیان (صدیقه) بود. حاکمیت سلفه امپریالیستی و ترکتازی سرمایه‌داری وابسته از یک طرف و محرومیت میلیونها کارگر و زحمتکش میهن ما از طرف دیگر

بزرگداشت مبارز شهید کامران نجات الهی

روز چهارشنبه ۵/۱۰/۵۸ مراسم نخستین سالگرد شهادت استاد نجات الهی با شرکت هزاران تن در دانشگاه پلی تکنیک برگزار شد. در این مراسم پیامهای متعددی منجمله پیامهای زیر قرا شد:

پیام شیخ عزالدین حسینی، جمعیت کرده‌های مقیم مرکز، گانئون مستقل علمان، دانشجویان هواداران کارگر، دانشجویان و دانشجویان هواداران سازمان پیکار... و دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طبقه کارگر و خادای چریک‌های فدائی خلق، دانشجویان پیشگام، انجمن دانشجویان مسلمان، اتحاد ملی زنان، کارکنان پلی تکنیک تهران، خانواده شهید احمدزاده‌ها، گانئون نویسندگان و... در پیام مشترک "هواداران سازمان" و "دانشجویان مبارز... آمده بود:

"قیام خونین و شکوهمند میهن ما با وجود تمامی جانفشانی توده‌ها - علی‌رغم اینکه توانست بر سلفه امپریالیستی بر میهن - ما زخمهای کاری وارد آورد، اما سبب نبود صف مستقل طبقه کارگر و استادان رزمنده‌ها ش

نخواست منجر به نابودی قطعی و کامل نظام سرمایه‌داری وابسته گردد و بر این حقیقت جها شمول پیکار دیگر مهربانان شد و در عصر گذشته‌گی سرمایه‌داری جهانی، هیچ انقلاب دمکراتیکی جز با اعمال هژمونی طبقه کارگر است. این ستم‌دیده‌ها پیروزی قطعی و نهایی برسد ما در اولین سالگرد شهادت استاد شهید ما بهمان می‌سندیم که هر چه خونین شهادت است، تا نابودی کامل امپریالیسم و ارتجاع، تا نابودی نهایی نظام سرمایه‌داری وابسته بر پیهن میهنان همچنان برافراشته نگه‌داریم...

همچنین در قسمتی از پیام سازمان به خانواده استاد شهید می‌نویسند:

"با دل‌های آکنده از کینه مقدس علیه امپریالیسم و ارتجاع و با روحی سرشار از امید و یقین به آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن، به شما با زماندگان آن مبارز و رفیق شهید درود می‌فرستیم... در سالگرد شهادت او بهترین سوگ و تسلیت را وفاداری به خون او و تلاش خستگی‌ناپذیر در راه به شمر رساندن انقلاب ایران میدانیم..."

من هو الکتبري
الموافق لشریعتنا؟
بعد الامتداد الاميرة الفس
شعبنا شریز عاصمة مقاطعة
الدرسان فی ایران والتي نعمت
قلاو عسقا من مؤیدی آله
العظمی وآله الله شریعتنا
شکر الامواء علی الشریعاتی

الانقر خون کورس الندی بعزل
گفتم آله الله شریعتنا،
ویشاه بعض العرافین عن
الدور الحقیقی له فی الحظ
السیاسی الندی بدعو له
شریعتنا.
وتابع بعض الدروس فی الدین
الاسلامی فی الجامعات الإيرانية
وهی المدارس القرآنیة فی قم.

این انگلیسی که مصاحب آیت الله شریعتمداری است کیست؟!

پس از حوادث اخیر شریعتمداری شریعتمداری طرفداران آیت الله شریعتمداری و آیت الله خمینی، انظار متوجه یک انگلیسی بنام "ژان کوپر" شده که بعنوان مترجم آیت الله شریعتمداری فعالیت میکند. برخی از ناظران می‌پرسند نقش حقیقی این شخص در خط سیاسی آیت الله شریعتمداری دنبال می‌نماید، چیست؟ ژان کوپر قبلاً اسلام آورده و در مدارس دینی ایران علوم اسلامی را فرا گرفته است.

(مجله المستقبل، چاپ پاریس، دیماه)

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر